

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۹۷

بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۳۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۵۹

در صفحات دیگر این شماره:

- راهپیمایی ده هزار نفری در مراسم تدفین سه شهید کمونیست
صفحه ۵
- نیروهای کمونیستی و انقلابی کردستان جنایات حزب دمکرات
را محکوم میکنند!
صفحه ۱۱
- عوام فریبی و دروغ برآکنی: جلوه‌ای از ابورتونیسیم "راه کارگر"
در اخلاقیات!
صفحه ۱۷
- "سود ویژه" طاغوتی است!
صفحه ۲۷

شهادت سه رفیق کمونیست بیکارگر در یورش وحشیانه حزب دمکرات به دفتر سازمان در بوکان

روز هفتم اسفند در اثر حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقر سازمان در بوکان حداقل سه تن از رفقای ما شهید شدند. تعدادی زخمی و حدود ۲۴ نفر توسط افراد حزب دمکرات دستگیر شدند. سازمان ما و کمیته کردستان سازمان اعلامیه‌ها و تراکت‌ها را در این مورد منتشر کرده اند که ما آنها را در اینجا می‌آوریم:

بقیه در صفحه ۱۱



رفیق شهید طاهر ابرهیمی

رفیق شهید محمود ابلاغیان

رفیق شهید باقر خیاطی

۱۳۵۹/۱۲/۱۸

کشتار سه رفیق کمونیست بدست حزب دمکرات را محکوم نمایم!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سرمقاله

پیامون اقدام جنایتکارانه اخیر حزب دمکرات

هفته گذشته، کردستان شاهست جنایت هولناک و فجعی از جانب حزب با صلاح دمکرات بود، جنایتی که چند روز، همه رویداد های کردستان را بشوئی تحت الشعاع خود قرار داد. حزب دمکرات با یک هجوم حساب شده و دربی یک درگیری کوچک ایجا شده توسط افرادش، به مقر سازمان در بوکان هجوم می‌آورد و با محاصره آن توسط عناصر مسلحش، با انواع سلاح سنگین و سبک مقرر سازمان را زیر آتش خویش می‌گیرد و یک جنگ تحمیلی و نابرابر را به رفقای ما در "مقر" تحمیل میکند. در طول یک ساعت درگیری، رفقای ما به ناگزیر به دفاع قهرمانانه‌ای در برابر هجوم تجاوزکارانه و ضد انقلابی مزدوران حزب برمی‌خیزند و در حالیکه در زیر شدیدترین حملات مزدوران حزب با سلاحهای سنگین و سبک قرار داشتند، در برابر

بقیه در صفحه ۲

رفیق شهید مالک عباسی:

کمونیستی که در راه
آگاهی و رهائی
زحمتکشان جان داد
صفحه ۲۱

پیام بیست و ششمین کنگره
سوسیال امپریالیسم:
سازش با امپریالیسم آمریکا،
سرکوب انقلاب خلقها!
صفحه ۱۹

گلوله پاسدار: عیدی رژیم جمهوری

اسلامی به کارگران کفش سازی!

صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

این هجوم قهرمانانه ایستا دند. در پی این حمله وحشیانه ۳ تن از رفقای پیکار رگم، قهرمانانه بشهادت میرسند و چندین نفر زخمی میگردند، چندین ده نفر به اسارت مزدوران حزب درمیایند و اموال "مقر" بتاراج میرود. اما - این - حرکات وحشیانه، در برابر چشمان متحیر و معترض مردمی صورت میگیرد که مزدوران حزب در برابر آنان سدی از سلاح کشیده بودند، تا مگر حرکتی از جانب آنان بر علیه متجاوزان صورت نگیرد. جنایت اخیر حزب دمکرات، نه یک حرکت اتفاقی، بلکه جزئی از سلسله حرکاتی بود که حزب از مدت‌ها قبل بر علیه نیروهای انقلابی بسسه اشکال مختلف در پیش گرفته بود. انشا و اعلامیه های تهدیدآمیز بر علیه نیروهای انقلابی بخاطر جلوگیری از فعالیت انقلابی آنها، خلع سلاح برخی نیروهای انقلابی و منجمد نمودن آزادیخواهان سازمان ما، بوجود آوردن زمین - های چند درگیری مسلحانه با رفقای کومله (که با هشباری آنها و خلق انقلابی کرد خنثی گردید) و... اشکال مختلف تجلی این سیاست ضد انقلابی در برابر نیروهای انقلابی، در گذشته بود. در مقیاس وسیعتر، این برخورد حزب دمکرات بسه نیروهای انقلابی و آغاز فصل جدیدی در روابط سیاسی و تکتیکی خود با آنها، بخشی از حرکت وسیع عمومی حزب دمکرات در صحنه پهنه های مبارزه ملی و طبقاتی و در صحنه سیاست کشور است سیاست و حرکتی که دقیقاً در ارتباط با مجموعه تحولات و روندهای سیاسی جامعه و گردستان در ماههای اخیر قابل تحلیل و ارزیابی است. همانطور که در مقاله پیکار ۹۶ توضیح دادیم، جامعه ما در دوره اخیر و بویژه پس از جنگ (علیرغم یکدوران فترت کوتاه)، با دو جریان تشدید یافته بنده سیاسی مواجه بوده است، که علیرغم افت و خیزهای بیش حرکتی صعودی و روبه بالا راطی میگردد است. یکی حرکت اوچگیر مسازرات توده ها و بر علیه نظام موجود و فروپاشی تدریجی توهمات توده ها و دیگری حرکت روبه تازایی اختلافات و تضادهای درونی ضد انقلاب جاکم گسترش این دورشته تضاد در سطح و عمق جامعه و پیوستگی و درهم پیچیدگی تارهای آن بسسه یکدیگر، سیاست خاصی در مناسبات سیاسی نیروها و احزاب بوجود آورد و فعل و انفعالات بسیاری در مناسبات این نیروها و احزاب، در جهت گیری سیاسی آنها و... ایجاد نمود.

همچنانکه در آن مقاله توضیح دادیم، تحت تاثیر این کیفیت مبارزه سیاسی - طبقاتی در جامعه هم اکنون قطب بندی خاصی در آرایش نیروها صورت گرفته است که تا آنجا که به نیرو - های ضد انقلابی مربوط میشود، درجه های بزرگ که شعاع آن تا درون جنبش کارگری نیز کشیده شده است، در برابر یکدیگر و برای تمهید

آلتی را میخورد بر روند سیاسی جامعه و بمنظور غلبه بر بحران انقلابی موجود، صف آرا شده کرده اند. نیروهای هدایت کننده این دو جنبه ضد انقلابی را در یکسو لیبرالها و در سوی دیگر حزب جمهوری، تشکیل میدهند که هم اکنون در نبرد سختی با یکدیگر بر میبرند و هر یک برای تضعیف و یا حذف دیگری تلاش می نمایند. هر یک از این نیروها اکنون بطرز خاصی خویش در تلاش برای جذب متحدینی برای خود مشغول است. گردستان و احزاب و نیروهای سیاسی آن نیز از این فعل و انفعالات عمومی سیاسی، برکنار نیستند و این تاثير، عمدتاً در حرکت حزب دمکرات با زتاب خویش را می یابد.

جنگ دوم در گردستان، در اوایل سال اخیر که با تهاجم گسترده و همه جانبه رژیم آغاز گردید، اگرچه جنبش مقاومت عظیمی را از جانب خلق کرد بویژه در شهرها، که سخت اصلی ضربه رژیم را بخود معطوف کرده بود، ایجاد نمود. لیکن در عین حال کیفیت نوینی در مبارزه خلق کرد، از لحاظ مضمون طبقاتی آن بوجود آورده که بهیچوجه نمیتوان آن صرف نظر کرد. این کیفیت همانا بر جستگی بیشتر ما رزه طبقاتی در مجموعه مبارزات ملی - طبقاتی خلق گردید بود. با زتاب این کیفیت نوین در گردستان بصورت ایجاد تزلزلاتی در مبارزه سیاسی نیروهای بینا بینی و افشار مرغه گردستان، انعکاس می یابد. در واقع تداوم و گسترش جنبش خلق کرد، آنهم در شرایط ناموزونی مبارزه طبقاتی در ایران، بتدریج نیز از مندا چنان بتانسیل و کیفیتی میگردید که دیگر تما یلات ناسیونالیستی و ملی به تنهایی قادر به پاسخگویی و تامین نیروهای حرکت آن نیستند. اهداف طبقاتی مبارزه تنها نیروی محرکه ای است که میتواند در آمیزش با اهداف ملی، نیروی محرکه لازم برای جنبشی را فراهم نماید که ناچار است تقریباً به تنهایی با سنگین یک نبرد مسلحانه سراسری در برابر تجاوز و تهاجم وحشیانه رژیم را بردوش کشد.

بردمحدود تما یلات و اهداف ناسیونالیستی و ملی، باعث میشود که در صفوف فشرده خلق کرد، شکافهای محسوسی حاصل شود، و نیروهای کسه انگیزه طبقاتی، استواری آنان را به درون جنبش نگذاشته و تما یلات و اهداف ملی مهمترین نیروی محرکه آنان را تشکیل میداده است، دستخوش تزلزلات و ناسازشهای خیانکارانه در روند عمر می جنبش گردند. این صف بندی و تغییرات عمیق خود را بطور محسوس در جریانات سیاسی در گردستان و بویژه حزب دمکرات منعکس می نماید. تحت تاثیر این تغییرات توازن اهداف و مناسبات طبقاتی و ملی جنبش، حزب دمکرات به مثابه نماینده ناسیونالیسم میان پوسیده و ضد انقلابی بورژوازی گردستان، بتدریج هر چه بیشتر از صفوف مردم فاصله میگردود و رضایت بسا

روند گسترش مبارزه طبقاتی در گردستان بسه رویارویی مستقیم آنان می پردازد. حرکات ضد انقلابی حزب در برابر مردم، با اشکال مختلف فزونی گرفته و ضدیت آن با نیروهای انقلابی در گردستان چهره آشکارتری بخود میگیرد.

این سیاستهای ضد انقلابی حزب، بتدریج توده های هر چه بیشتری را از دور و بر او می - بپراکند و بسمت نیروهای انقلابی سوق میدهد و یا حداقل بر توهم و اعتماد استوار آنان نسبت به حزب خدشه جدی وارد میآورد. بهمین جهت حزب بناچار هر چه بیشتر بر نیروهای نظامی اش متکی میگردد و میکوشد تا خلا ناسی از اروپا شی تدریجی توهمات توده ها را با گسترش و تحکیم دستگا های بوروکراتیک و نظامی خویش جبران نماید. این کیفیت جدید در مناسبات مبارزه با خلق کرد، بیش از پیش او را بصورت نقطه یک ما شین دولتی سرکوبگر که گوش از هم اکنون به تمرین برای حاکمیت ضد انقلابی خویش در گردستان مشغول است، در میآورد.

این تغییرات، بتدریج حزب را به ملجاء و پناگاه منفورترین عناصر ضد انقلابی و مطرود از سران فئودالها و عشا برتا قاچاقچیان مواد مخدر، و از جاشهای مزدور گرفته تا مزدوران بعشی و هواخواه رژیم شاه و بختیار خاثن، تبدیل میکند حزب دمکرات با تشکیل تدریجی این دستگاہ بوروکراتیک و نظامی ضد انقلابی خویش و تحمیل آن بر جنبش خلق کرد، هر روز بیشتر در برابر توده ها قرار میگیرد و با آنان بسان یک حکومت و دستگاہ دولتی سرکوبگر عمل میکند. از گسترش مبارزه طبقاتی آنان جلوگیری نمیکند، فئودالها و مرتجعین منطقه را در کنف حمایت خود قرار میدهند بردهقانان به انواع مختلف مالیات می بندند و از آنان اخاذی می نمایند.

این جریانات، بعلاوه نزدیکی و همکاری آشکار حزب دمکرات در مناسبات خارجی اش با بعشی های ضد انقلابی و با دارو دسته های ارتجاعی نظیر بختیار و... بیش از پیش بسه بپراکنده شدن توده های کردا زیر امون حزب، و جذب آنان بسمت نیروهای انقلابی منجر گردیده است. همین روند، حزب دمکرات را بیش از پیش به ضدیت آشکار با نیروهای انقلابی کشانده است که آخرین نمونه آنرا در جنایت اخیر حزب نسبت به سازمان مادر گردستان میتوان بخوبی مشاهده نمود.

حزب دمکرات پس از انشعاب و ریزبونیستی درونی اش، فضای بازتری برای جولان سیاسی و نزدیکی به باندها و نیروهای ضد انقلابی در عرصه بین المللی بوجود آورد و او را بسمت دسته بندیهای نوین و نزدیکی با دولتهای ارتجاعی بویژه دولت بعثت و باندهای ضد انقلابی مزدور امپریالیسم در خارج از کشور، نظیر بختیار، سوق مشا هده نمود.

بقیه در صفحه ۲۶

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

جنبش کارگری



مروری بر اعتصاب اخیر کارکنان شرکت واحد

در تداوم واکنش‌های مبارزات طبقه کارگر برای کسب حقوق منافی و بخصوص سودویزه و عیدی کارکنان منطقه ۳ شرکت واحد اتوبوسرانی نیز دست به اعتصاب و تحصن زدند که علی‌رغم سه سرانجام نرسیدن، در سهای گرانبهای برای کارگران به همراه داشت. از اینرو بررسی آن ضروری میگردد. ابتدا لازمست ببینیم جریان واقعه چگونه بوده است:

صبح روز ۵۹/۱۲/۳ را نندگان و کمک‌راندگان صبحکار منطقه ۳ موقع تحویل اتوبوسها از توقفگاه، بخشناهای را مشاهده میکنند که در آن صحبت از بروز مشکلاتی در امر پرداخت عیدی کارکنان کرده بود. این خبر در میان تمام رانندگان و کمک‌رانندگان خطوط میپیچد و ظهر هنگامیکه کارتهای حقوق بهمین را دریافت میکنند، با مشاهده قید نشدن عیدی و پاداش در آن، کسی تمالی نسبت به گرفتن کارتهای خود نشان نمی‌دهد. اغلب میگفتند "حالا که عیدی را نمی‌دهند حقوق بهمین را هم نمیگیریم." بعد از ظهر اغلب رانندگان برای دیدن یکدیگر و اتخاذ تصمیم مشترک به توقفگاه مراجعه میکنند. همچنین کارکنان منطقه ۴ نیز از دریافت حقوق خودداری مینمایند.

بدین ترتیب کارکنان شرکت واحد (منطقه ۳) متحداً دست به اعتصاب زده و تصمیم میگیرند تا تحصن کنند و حتی شب عده زیادی در توقفگاه میخوابند.

صبح روز دوشنبه ۵۹/۱۲/۴ انجمن اسلامی به تکیا بواقفا ده ورئیس آن برای فریب رانندگان به سخنرانی پرداخته و میگوید "من خودم در شهرداری بودم و فیشهای عیدی را امضا شده دیدم اگر قبول ندادید شما بنده بفرستید برویسم ببینیم" اما رانندگان که ما هیت ضد کارگری او را میشناختند، او را هو کرده و پاشین میکشند! رئیس منطقه نیز سعی میکند با وعده اینکه تنها چهار رتبه عیدیها را خواهند پرداخت، کارکنان را وادار به شکستن اعتصاب کند، اما علی‌رغم توهمی که بسیاری از رانندگان نسبت بسوی داشتند، از آنجا شئی که او را عملاً در صف مقابل خود میدیدند، او را نیز هو میکنند.

هنگام ظهر عده ای دوتا بوت را که با پرچم پوشانده بودند به محل تحصن میا و رندوبه بهانه اینکه الان زمان جنگ است و اینها شهدای جنگند سعی داشتند اعصاب بیون را تحت فشار قرار دهند تا اعتصاب خود را بشکنند ولی رانندگان که متوجه سبک بودن تا بوتها میشوند، آنها را از جنگ آن

چگونه مبارزاتمان را برای خواسته هایمان (سودویزه و...)

متحد و یکپارچه کنیم

سرمایه داران، تاجران و زمینداران، حزب... های مخصوص خود را دارند، حزب جمهوری اسلامی بهشتی ها، نهضت آزادی با زرگانها، جبهه ملی سنجایی ها و..... نمایندگان سرمایه داران برکسی های مجلس تکیه زده اند، بنی صدرنما بنده سرمایه داران لیبرال بر تخت ریاست جمهوری نشسته است، تاجران میلیونی در راس بنیاد مستضعفین قرار دارند و خلاصه دولت و ارکان قدرت در دست طبقه سرمایه داران است. بنابر این کارگران نیز در مقابل سرمایه داران باید متحد باشند، باید در کارخانه و بیرون کارخانه سازمان مخصوص خود را داشته باشند. در کارخانه بدون شورای واقعی و اتحادیه واقعی نمیتوانند به بخشی از بقیه در صفحه ۲۲

تنها مشت های گره کرده وسینه پراز کینه و خشم در مبارزه برای گرفتن خواسته های برحقمان کافی نیست. این مشت های گره کرده، این سینه های پراز کینه و خشم که از ظلم و ستم سرمایه داران برتن و جان ما کارگران همیشه جاری است کما رطقت فرسا و مزد بخور و نمیر، عقب مانندن قسط و کرایه خانه، گرانی، فقر و بیدختی که هر دم نهرت ما را از نظام سرمایه داری بیشتر و بیشتر میکند، زمانی میتوانند کاری با شکره یا هدف، با برنامها و با رهبری دست به مبارزه بزنیم. مبارزه کارگران بدون رهبری و تشکیلات محکوم به شکست است، تنها چاره ما کارگران برای پیش بردن مبارزاتمان، برای حتی جزئی تری خواسته ها اتحاد و تشکیلات است.

گرفتن سودویزه پنام های وام یا پول غذا یا اضافه تولید و... انحرافی است در مبارزات امروز طبقه کارگر!

کارگران مبارز!

مشترک که گرفتن سودویزه است مبارزه میکنند و حرف تمامیشان هم یکی است اما چون این مبارزات جدا از هم صورت میگیرد، ضربه کاری را نمیتوانند به رژیم جمهوری اسلامی وارد کرد. کارگران مبارز! امروز بخوبی اغلب کارگران پی برده اند که باید با دیدن هم متحد شوند و اتحادیه های واقعی کارگری ایجاد کنند و خواست مشترکشان را از این طریق از دولت سرمایه داری بگیرند. اما اینکه به چه وسیله ای می بایست موفق شوند هنوز نمیدانند و طبقه کارگران آگاه است که ننگارند مبارزه طبقه کارگر امروز پراکنده شده و هرکدام مبراهمی جداگانه برود. وظیفه کارگران آگاه است که با افشای توطئه ها و تفرقه اندازی های رژیم حاکم و عوامل مزدورشان مانع تفرقه در صفوف کارگران گردند.

مبارزه کارگران ایران برای گرفتن چهار ماه سودویزه روز بروز شدت بیشتری میابد. این مبارزه امروز در کمتر کارخانه های است که جریان نداشته باشد. کارگران آگاه چهار ماه سودویزه را حق خود میدانند و بعنوان قسمتی از دستمزد که در عرض یکسال زحمتشان پرداخت نشده و اکنون می بایست تمام آنها پرداخت شود تقربیباً تمام کارگران بر علیه قانون ضد کارگری "لغو سودویزه" اعتراض کرده اند قاضی نونی که چهار ماه سودویزه کارگران را به ۲ ماه رسانده و ۲ ماه آن را به جیب سرمایه داران میریزد، اما با وجود گسترش زیاد این اعتراضات، هنوز آن نیرویی که دولت سرمایه داری را وادار به عقب نشینی کامل کند وجود ندارد. این ضعف اساسی طبقه کارگر است که به طور پراکنده و جدا از هم دست به مبارزه میزنند و تشکیلاتی وسیع توده ای مثلاً اتحادیه های واقعی کارگری ندارند. کارگران کارخانه تاجات امروز همگی برای یک خواست

این وظیفه کارگران آگاه است که برای کارگران روشن کنند که رژیم ضد کارگری نیستی این است که مانع اتحاد کارگران شود و بهمین بقیه در صفحه ۴

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



عده در آورده و متوجه میشوند که...
سنگ و چوب میباید؟ از اینرو خشمگینانه با
همان چوبها به تعقیب حاملین تا بوتهای که
معلوم شد پاداران با لباس شخصی بوده اند
میپردازند. این واقعه به رانندگان حقانیت
مبارزه شان را نشان داده و موجب افشای بیش
از پیش رژیم گردید.

توطئه دیگر رژیم بر علیه اعتصابیون در
ایرینوزبوسیه نماینده مسجد "رسول" نازی -
آبادانجا گرفت. او به محل توقفگاه آمده و با
نشان دادن مقداری ریورآلات زنا نه میگوید که
"اینها را زنان مسجد داده اند، بگیرید و راهی
شوید!" این عمل باعث برانگیخته شدن خشم
شدید کارگران شد بطوریکه فرد مذکور مجبور به
فرار گردید.

رژیم با این اعمال و تبلیغات فراوانی
که حول آنها در روزنامه های جیره خواریش بر اه -
انداخت، قصد داشت اعتصابیون مبارزان تحت
فشار روانی قرار دهد. این مزدوران که خودشان
علاوه بر جاپیدن دارای مردم، دانش و به بهانه
- های مختلف دست گدائی بسوی کارگران و زحمتکشان
در آرمیکنند، خیال میکنند که توده ها حق خود را
گدائی خواهند کرد غافل از آنکه "حق گرفتنی
است و نه دادنی!" و رانندگان مبارز شرکت واحد

نیز به این مسئله پی برده و مشت محکمی بر
بوزه جیره خواران حلقه بگوش رژیم زدند.
شب هنگام نیز عده ای از رانندگان و کمک
رانندگان در توقفگاه میخواستند ضمن آنکه
عده ای از خانواده های اعتصابیون در این
مدت به جمع آنها پیوسته و برای بداران و همسران
خود غذا بیاوردند. سرانجام صبح روز ۱۳۵۹/۱۲/۵
فرامیرسد. یکی از اعضای هیئت مدیره که سر -
پرست امور اداری شرکت واحد نیز هست، بلند -
گوبدست گرفته و به اعتصابیون ۱۰ دقیقه
مهلت میدهد که تا بوسه را سوار شده و بیرون
آورند. این در شرایطی بود که پاداران اسلحه
بدست سرما به نیز در محل حضور داشتند و حتی یکی
از رانندگان توسط دو پادار تهدید به مرگ شد
و بزور او را تا بوسه میکشیدند. بدین ترتیب
مزدوران رژیم بزور سر نیزه، با توهین به کار -
کنان اعتصابی و "فدائقلابی" خواندن آنها
اعتصاب را سرکوب میکنند. در این جریان که با
اعتراض و مقاومت برخی از اعتصابیون مواجه
شد تعدادی از رانندگان دستگیر شده و عده ای
نیز زخمی میشوند. رانندگان بعد از شکسته شدن
اعتصاب دست به مقاومت منفی زده و ضمن کم کاری
در آن روز بنا به گزارش تعدادی از توبوسه را
خراب میکنند!

علل شکست اعتصاب

این اعتصاب که با فاصله کوتاهی از اعتصاب
قبلی منطقه ۴ شرکت واحد، صورت گرفت علیرغم

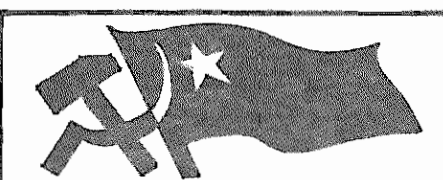
برخورداری از رانندگان و عصاب کشتندگان،
از رهبری و سازماندهی آگاهانه ای برخوردار
نبود. این ضعف بزرگ در کنار عدم هماهنگی و
وحدت عمل تمامی مناطق اتوبوسرانی، عوامل
اصلی به نتیجه نرسیدن اعتصاب بود. برآکنندگی
کارکنان در اعمال اعتراضی شان تاکنون
بشکل برجسته ای خود را نمایان ساخته است. مثلا
قبل از آغاز اعتصاب اخیر، از روز ۵۹/۱۱/۲۸ در
بخش مینی بوس رانی منطقه عباس آباد اعتصابی
با خواستهای مشترک، انجام میگیرید که با دخالت
پاداران سرمایه و تیراندازی آنها شکسته
میشود. با درجریان تحصن کارکنان منطقه ۳
شایع شده بود که کارکنان منطقه ۴ گفته اند
"بعلت عدم حمایت منطقه ۳ از اعتصاب چند هفته
قبل ما ما نیز از آنها حمایت نمیکشیم!" این
تفرقه که بین رانندگان ای طبقاتی کارکنان
میباشد، ضرورت کار آگاهانه هر چه بیشتر در

میان آنها و سازماندهی مبارزانشان را برای کمونیست
- ها مطرح میسازد. بخصوص با توجه به نقش مهمی
که شرکت واحد در تهران دارد و مبارزان کارکنان
آن انعکاس بسیاری مییابد. به همین دلیل هم
هست که رژیم هر بار از حرکت آنها شدیداً بوحشت
افتاده و سعی در خواباندن فوری آنها داشته است.
با توجه به اعلانی انقلابی جامعه و او جگیری
مبارزان کارگری بخصوص با درخواستهای صنفی
پیش از عید، ارتقا جنبش تنها در گردیدن عنصر
آگاهی در میان جنبشهای خود بخودی و سازمان -
دهی آنهاست.

کاری برای کارگران گذاشته اند.
همانطور که می بینید عوامل مزدور رژیم
جمهوری اسلامی از ترس خشم سراسری کارگران و
او جگیری مبارزان آنها در هر کارخانه بیسک
صورت سعی در به سازش کشاندن کارگران کرده اند.
بنا بر این کارگران آگاه امروز می بایست
این توطئه و فریبکاری جدید رژیم سرما به داری
را در میان توده های کارگرا فاش کنند تا مبارزه
آنان از عمق بیشتری برخوردار گردیده و مانع
از توقف مبارزه شان شود.

کارگران آگاه می بایست تبلیغ نمایند که
گرفتن وام یا پول غذا و غیره بجای سودویژه در
واقع به نفع رژیم خواهد بود چرا که در صورت
تبدیل چهره سودویژه کارگران به ۲ ماه
رسمیت پیدا خواهد کرد و در آینده تنها ۲ ماه به
کارگران پرداخت خواهد شد. انهم به بعنوان قسمتی
از دستمزدها رگر بلکه بعنوان پاداش و عیدی. در
واقع رژیم جمهوری اسلامی اگر برای اسامال
موفق شود که قانون لفسودویژه را اجرا نماید،
سال آینده دستش در تاجا و زبه حقوق کارگران
بیشتر با زخوا هدیدود.
بنتقل از ویژه نامه مبارزات کارگری شماره ۲

مثلا به اندازه مزایای حق مسکن، حق خواروبار
و حق اولاد بیشتر از قانون ضد کارگری دولت
گرفته اند.
در کارخانه ایران کاوه میخواستند با دادن
۳۵۰۰ تومان و وام ۲۴ ماهه جلوی او جگیری مبارزه
کارگران را بگیرند. در کارخانه هم یکجوری
مدیریت سعی در مدلسلی جزئی بغیر از ۳ ماه
تصویب شده دولت را برداخت کند تا اعتراض
کارگران را بخواباند.
در کارخانه لندرو رگفته اند تا مکارگران
هر روز ۴ ساعت اضافه کاری کنند و ۲۰ روز هم
بعنوان پاداش اضافه تولید بیشتر از ۲ ماه
تصویب شده دولت پرداخت میکنند.
در کارخانه لیلاند موتور هم مدیریت ضد کارگر
گفته است اگر کارگران ۱۵ اتوبوس تا آخر ماه
تولید کنند ۲۰ روز بعنوان پاداش اضافه تولید
بیشتر خواهد پرداخت. و هر روز ۴ ساعت اضافه -



بقیه از صفحه ۳
گرفتن...
دلیل در هر کارخانه بنوعی مبارزه را کور میکند
یکجا توسط پاداران خود توسط تفنگ و گلوله
و جای دیگر با سازش کشاندن مبارزه کارگران
و فریبکاری و غیره این نیت شوم خود را انجام
میدهد.

چیزی که این روزها هر کارگر آگاه و مبارزی
باید بداند این است که نباید به هیچ وجه مبارزه
برای گرفتن سودویژه را به سازش کشانده و بعوض
چهره سودویژه فرضاً ۲ ماه پاداش و وام و
غیره گرفت. کارگران آگاه باید با افشای این
فریب جدید سرمایه داران، کارگران را به مبارزه
قاطعانه تری هدایت کنند.

امروزمی بینیم که شورا های سازشکار برای
جلوگیری از مبارزات کارگران پیشنهادهای
یک پول جزئی بنا موام و مزایا و پول غذا و
کارآئی و غیره را دارند مثلا در کارخانه بنزخاور
مبارزه کارگران مدتها قبل برای اجرای طبقه
- بندی مشاغل و افزایش حقوق جریان داشت،
سودویژه با گرفتن ۲ ماه دستمزدها و مزایا جلوی
اعتراض کارگران را میگیرند و تا زه منت سر آنها
میگذارند که برای سایر کارکنان نگویند که

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



**خون کمونیست قهرمان
رفیق طاهر ابراهیمی
سرخی پرچم ماست!**



در حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقر ما در بوکان کمونیست دیگری با مقابله انقلابی خود در برابر این حزب فدا انقلابی، خوش را تقدیم راه را می طبقه کارگر و خلق ستم دیده کردند نمود. اورفیک طاهر ابراهیمی بود.

رفیق طاهر دانشجوی انقلابی دانشگاه ارومیه بود، با او جنگی مبارزات انقلابی بوده - ها در سال ۵۶، رفیق دانشکده را رها کرد و در سنگر طبقه کارگر و توده ها به پیکار انقلابی بسا رژیم ضد خلقی شاه پرداخت. او در تشکیل و فعالیت جمعیت آزادی زحمتکاران بوکان نقش فعالی را ایفا نمود. طاهر در تنگناهای شهر، با شرکت در مبارزات دهقانان آنه لاهی کردستان در مصا دره زمینها، در درگیریهای مسلحانه دهقانان بر علیه فئودالها و مالکین مبارزه میکردند، فعالانسه شرکت نمود.

یکی از همزمان انقلابی او پیشمرگه انقلابی، رفیق شهید تیمور حسینی بود که مشترکا با تشکیل محفلی انقلابی، فعالیت وسیعی را در بوکان آغاز کردند، رفیق طاهر به اتفاق سایر همزمانانش از جمله رفیق شهید تیمور، در پستوی منزلی، دستگا هلی کبی را که با زحمت

راهپیمائی ده هزار نفری در مراسم تدفین سه شهید کمونیست

مردم مبارز بوکان!

همانطوریکه میدانید سازمان پیگاد... در سرتاسر ایران به ملت نفس انقلابی خود ه همواره مورد یورش رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ستم دیده و در این راه عهدای زیادی را تقدیم خلقهای ایران نموده است. حزب دمکرات نیز با یورش خود به متویشمرگان مادر تاریخ پنجشنبه ۵۹/۱۲/۷ عن حرکت رژیم رادرتال ما و جنبه مقاومت خلق کرد تکرار کرد. و در این یورش و حمله باحد اقل ۳ شهید دیگر تقدیم جنبه مقاومت کرده و چندین نفر از پیشمرگان و هواداران سازمان سراسری و محلی شدند. ۴ نفر تفراسراسری سرگرمیده اند.

با تجمع و اجرا خود از ساعت ۱۱ صبح میدان یاد بود این حرکت شد انقلابی حزب دمکرات را محکم کرده و خواهشمان پس گرفتن چانه شهدا و آزادی اسرا و زخمی های خود از دست حزب دمکرات گردید.

از سازمان بیکار
درباره آزادی طبقه کارگر
(کمیته کردستان)
۱۳۵۹/۱۲/۸

بوکان به وحشت افتاده بودند، با تیراندازی اقدام به برآکندن صفوف مردم کردند. بقیه در صفحه ۱۰

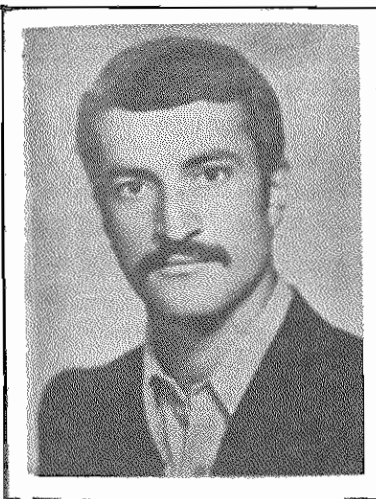
بدنبال حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقر ما زمان در بوکان و شهادت حد اقل سه نفر از رفقای ما، کمیته کردستان سازمان ملی اطلاعیه ای از مردم زحمتکش بوکان دعوت کرد تا روز جمعه ۵۹/۱۲/۸ در اعتراض به عمل سنگین و ضد خلقی حزب دمکرات در راهپیمائی شرکت کنند. راهپیمائی از جلو مقر سازمان آغاز گردید و در طول مسیر زحمتکاران بوکان با پیوستن به صف راهپیمائی با اعتراض و نفرت خود را به اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات ابراز میداشتند همچنین حدود ۳۰ نفر از وپای حزب دمکرات در مسیر راهپیمائی با دادن شعارهایی بر علیه سازمان ما و نیروهای انقلابی قصد برهم زدن صفوف راهپیمائی را داشتند که با مقابله سر سختانه راهپیمایان خشمگین از جنایات حزب دمکرات مواجه شده و در اثر حرکت تظاهرات کنندگان تا مقر حزب دمکرات به عقب رانده شدند. در مقابل مقر حزب دمکرات مردم با دیگر با دادن شعارهایی، جنایات حزب دمکرات را محکوم کردند. افراد مسلح دمکرات که از نفرت انقلابی زحمتکاران

**به آرمان سرخ کمونیست
قهرمان رفیق باقی خیاطی
وفادار بمانیم!**



آنها دلیرانه در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستم دیده ایران بیکار نمودند و تا جوا نمردانه توسط حزب دمکرات بشهادت رسیدند. سه کمونیست قهرمان سه رفیق بیکارگر، همسران دلیر خلق ستم دیده کرد، فرزندان دلاور کردستان، عاشقان راه آرمانهای کارگران و زحمتکاران کردستان خون خود را وقف تداوم انقلاب خلقهای ایران نمودند. کاک "باقی خیاطی" دانشجوی انقلابی، پیشمرگه کمونیست از جمله آنها بود.

کاک باقی خیاطی، دانشجوی دانشگاه تبریز بقیه در صفحه ۱۲



**راه سرخ کمونیست قهرمان
رفیق محمود (رضا) ابلاغیان
را با تمام توان ادامه دهیم!**



او یک کمونیست بود، قلبش برای طبقه کارگر زحمتکاران و خلقهای ستم دیده می تپید. به آرمانش که آرمان طبقه کارگر یعنی کمونیسم بود تا پای جان وفادار ماند و در راه آن جان باخت. در دوران طبقه کارگر و زحمتکاران را لمس کرده بود و شیرینی مبارزه طبقاتی را در محیط آکنده از فقر خوانده، در کارهای طاقت فرسای تابستان، در کارخانه ها و در میان خلق ستم دیده کرد چشیده بود. صمیمیت، صداقت، پشتکار و

جدیت و عشقش به طبقه کارگر و سازمانش در خا طره کمونیستها کارگران، خلق ستم دیده کرد و بقیه در صفحه ۱۰

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



فراوان بدست آورده بودند، براه انداخته و اعلامیه انقلابی و آگاهگرانه در جهت اثبات حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد و دعوت توده ها به مبارزه بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی چاپ و پخش کردند.

در جریان دوره اول جنبش مقاومت وقتی که رفیق تیمور برای گرفتن اسلحه به کوه رفته بود رفیق طاهر در نهرمانندوبیا افشاگریها و فعالیتهاى خود، بیگانه انقلابی خود بر علیه رژیم را شدت بخشید

و در جریان همین افشاگریها رفیق شهید طاهر توسط پاسداران و جاسپها دستگیر و زندانی شد. بدنبال آزاد شدن شهرهای کردستان توسط پیشمرگان قهرمان خلق کرد، رفیق شهید طاهر از زندان آزاد شده و با عشق و شور و شوق بیشتر به مبارزه خود ادامه داد. و در کارگاهی به کار مشغول شده و به آگاه کردن کارگران پرداخت.

با تلاش طاهر و همزمانش محفل دویا ره شکل گرفت و پس از مطالعه مواضع سیاسی سازمانهای جنبش کمونیستی، در بهمن ۵۸ هوادار سازمان بیگانه شده و رفیق طاهر و همزمانش مبارزات انقلابی خود را در سنگر سازمان ما ادامه دادند. رفیق شهید طاهر برای زحمتکشان بوکان چهره آشنائی بود و را میدیدند که چگونه سرمقاله های بیگانه

گوشه هایی از اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات در کردستان

کرده و احوال مردم زحمتکش بوکان را حین ورود بشهر مصادره و جرمه میکند
مهاباد ۵۹/۹/۳۰

حزب دمکرات ۶ تن از پیشمرگان انقلابی بیگانه را پس از ضرب و شتم خلع سلاح نمود.
بوکان ۵۹/۱۰/۵
افراد مسلح حزب دمکرات قلدرمشانه به میتینگ کومله و مردم حاضر در محل حمله کردند و ضمن برهم زدن میتینگ و زد و دیدن ماشین کومله مردم و پیشمرگان کومله را مورد ضرب و شتم قرار دادند.
بوکان ۵۹/۱۱/۲۱

حزب دمکرات ساعت ۳ با مداد به روستای "حما میان" آمده و پس از خلع سلاح نگهبانان اعضای شورای آبادی را با خنجر عمل کرده های انقلابی ضد فئودالیان دستگیر نمود افراد حزب با ضرب و شتم فراوان مردم زحمتکش محل بسه ما موستا و کومله توهین کردند.
بوکان ۵۹/۱۱/۲۴

افراد مسلح حزب دمکرات برای آزادی یک سرما به یاد پیشمرگان کومله را برگزیدند که در نتیجه آن یک پیشمرگ و یک کودک خردسال زخمی شد. پس از آن حدود ۱۰ نفر از جماعت را از حزب به مردمی که برای شنیدن سخنرانی یکی از مسئولین کومله در باره حمله حزب دمکرات در جلو مقر کومله جمع شده بود حمله کرده و آنگاه به خیابانها میریزند. جماعت را از حزب هواداران نیروهای انقلابی را مذبذب نموده و پوسترها و اعلامیه های آنها را با ره کرده و چند نفر را دستگیر میکنند.

اینگونه اقدامات تنها دشمنی حزب دمکرات با خلق کرد و کمونیستها و نیروهای انقلابی و حمایت آن از جاسپها مالکین و سرمایه داران را نشان میدهد. و روشن میسازد که حزب دمکرات برای تامین منافع ارجاعی و ضد انقلابی خود به هرج و مرج و خیانتی بر علیه خلق کرده دست میزند.

در حاشیه حمله و حشیانه حزب دمکرات به مقر سازمان مادر بوکان و شهادت حداقل سه تن از رفقای ما بدست افراد حزب دمکرات ضروری است که مروری بر برخی اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات بر علیه جنبش مقاومت نکنیم:

سوروشیت ۵۹/۳/۲۸
افراد مسلح حزب دمکرات پیشمرگان انقلابی کومله را بخاطر دستگیری عده ای از مالکین شورومطقه "انگه لین" از توابع بیران شهر توسط کومله دستگیر کرده و پس از خلع سلاح آنها را بگروگان گرفتند.
هیاندوتاب ۵۹
افراد حزب دمکرات به روستای زنجیرآباد (ترک نشین) در نزدیکی میان دو آب حمله کردند که در نتیجه آن یک خانه مسکونی بر اثر آتشباری ویران شد.

بوکان ۵۹/۸/۱۳
قطع درختان اطراف شهر جهت ممانعت از ورود افراد، مالکین و مسئولین حزب.
پیرانشهر ۵۹/۸/۲۱
افراد حزب دمکرات، مقر "راه کارگر" در روستای "عزیز کند" محاصره کرده و افراد مسلح راه کارگر را خلع سلاح نمودند.

میاندوتاب ۵۹/۸/۲۳
افراد حزب دمکرات به روستای "گردد رش" حمله کردند که در نتیجه آن چهار نفر از جمله یک زن بشهادت رسیده و یک کودک خردسال زخمی شدند همچنین در آخرین حمله ۳ انبار علوفه آتش گرفت. بدنبال این بیورش مردم محل بغلته زار و اذیت حزب دمکرات بطرز غم انگیزی به ترک روستا مجبور شدند.

مهاباد ۵۹/۹/۷
افراد حزب دمکرات، چهار تن از پیشمرگان کومله را بهنگام انتقال یک جاش منفور دستگیر شده برای بازجویی در مهاباد، دستگیر و مسورد آزادیت قرار دادند.

بوکان اوائل آذر ۵۹
حزب دمکرات از ورود کالاهای شهر جلوگیری

و اعلامیه های سازمان را بزبانی شاد و شیرین برای زحمتکشان بوکان توضیح میداد. مردم بوکان در سرودها و آوای انقلابی او درود و رنج زندگیشان را لمس میکردند و از همین رو رفیق شهید طاهر مورد علاقه زحمتکشان بوکان بود.

رفیق طاهر با هر بوا سطح قدرت تبلیغاتی توانائی کار توده ای و جذب توده ها، نقش فعالی را در گسترش فعالیت انقلابی سازمان ایفا مینمود به هنگام بیورش مزدوران حزب دمکرات به مقرر سازمان در بوکان رفیق طاهر با اسلحه کمبری خود دلاورانه در مقابل بیورش و حشیانه حزب دمکرات ایستادگی کرد و نشان داد که کمونیستها در راه منافع طبقه کارگر و آزادی خلقهای ستمدیده در برابر دشمنان خلقها، سرمایه داران و فئودالها اسلحه بزمین نمیگذارند. او با انتشار خونش در راه خلق قهرمان کرد، تداوم انقلاب خلقهای ایران را بنویسد داده است.

به آرزویش وفا دار ما نسیم و همچون او عاشقانه در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده پیکار نمائیم!

آخرین خبر:

اعتصاب غذای پیروز رفقای زندانی

بعد از حمله و حشیانه حزب دمکرات به پیشمرگان سازمان بیگانه و تصرف مقر سازمان عوامل حزب دمکرات ۲۴ تن از رفقای مسلح و غیر مسلح مستقر در مقر را دستگیری می نمایند و آنها را شادید آورد ضرب و جرح قرار میدهند. در همان روز دستگیری عوامل حزب رفقای ما را به کمیته قضائی حزب برده و در یک اتاق تنگ و نامرو سرد قرار دادند و جمعاً شش بتود را خیار آنها گذاشتند. از همین موقع رفقا متحداً در اعتراض به جنایت حزب و بخاطر استرداد اموال سازمانی و آزادی خود دست به اعتصاب غذا میزنند. فردای آنروز رفقای زندانی که از بیرون صدای تظاها سر کنندگان را می شنوند شروع به شعار دادن و خواندن سرود میکنند. در این موقع محافظین مسلح کمیته بختام آمده و با لاکه ساعت ۱۰/۵ شب ۵۹/۱۲/۸ بر آن میشوند تا رفقا را به زندان بیرون شهر انتقال دهند. رفقا دلیرانه دست به مقاومت زده اما عوامل حزب با قنداق تفنگ و شلاق (از نوع شلنگ آب) چند رفیق را مورد ضرب و جرح و حشیانه قرار میدهند و آنها را بزور سوار کامیون و سپس تراکتور کرده و به زندان خارج ازشهر میبرند.

رفقای زندانی در زندان به اعتصاب غذای خود همچنان ادامه داده و در حالیکه حمایت شده های وسیعی را در خارج از زندان نسبت به خود بوجود آورده بودند و حزب شدیداً افشا شده بود آزاد میگردند. این رفقا در روز ۱۲ اسفند ساعت ۱۰ شب در ششمین روز اعتصاب دلیرانه خود، اعتصاب غذا را شکسته و فردای آنروز آزاد شده و به شهر باز میگردند.



بقیه از صفحه ۱ شهادت ...

جیبهای رفقای غرقه در خون مادست زده ا سوال
مقررآ غارت کرده ، نشریات کمونیستی موجود در
آن را آتش زده و ه۴ تن از رفقای مسلح و غیر
مسلح ما را دستگیر مینماید در حال حاضر مقرر
سازمان در دست این جانیان بوده و جنازه شهدا

ایران به قدرت برسند ، این حزب مدافع منافع
مالکین و سرمایه داران است و به همین خاطر
از یکسوی بیوسه کوشیده است تا با رژیم مرتجع
جمهوری اسلامی به سازش برسد و یا در سازش با
رژیم ارتجاعی بعث عراق از رژیم ایران امتیاز
- ات جدیدی بگیرد و از سوی دیگر بیوسه مخالفت
و دشمنی خود را با توده ها و با انقلابیون صدیق و
کمونیستها واقعی بنمایش گذاشته است . همین
حزب با رها در دفاع از منافع مالکان ، دهقانان
را مورد سرکوب قرار داده است ، همین حزب با رها
کوشیده است تا نیروهای انقلابی ما را در رفقای

اقدام چنانیکاران حزب دمکرات را محکوم نمائیم

در اختیار آنانست .

کارگران و خلقهای ایران !

کمونیستها برای استقلال و دمکراسی واقعی
برای جمهوری دمکراتیک خلق و برای سوسیال -
لیسم میجنگند ! کمونیستها دشمن امپریالیستها
سرمایه داران ، مرتجعین و همه ضد انقلابیون
میباشند ! کمونیستها برای بیروزی انقلاب مبارزه
میکنند و در این راه لحظه ای فکر سازش با رژیم
مرتجع جمهوری اسلامی و سایر رژیمها و نیروهای
ضد انقلابی را بخود راه نمیدهند . آری کمونیستها
با ران صدیق انقلاب زحمتکشان ایران میباشند
و به همین خاطر بیوسه مورد سرکوب و تهاجم رژیم
شاه ، رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و نیروهای ضد
انقلابی قرار گرفته اند . رفقای ما هر جا کسسه
مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم در جریان
بوده در صفوف مقدم جبهه نبرد قرار داشته اند و
یکدم ز افشای دشمنان انقلاب غافل نبوده اند .
سازمان ما نه تنها رژیم حاکم را دشمن زحمتکشان
ایران میدانند ، بلکه نیروهای مانده حزب توده ،
فدائیان " اکثریت " و حزب دمکرات را نیز در صف
دشمنان انقلاب قلمداد میکنند ، چرا که این نیرو
- ها بخاطر منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه
نمیکنند ، حزب دمکرات بخاطر اهداف و منافع ضد
انقلابی خود با رژیم حاکم مخالفت میکند . این
حزب در پی آن نیست تا کارگران و زحمتکشان در

کوله را خلع سلاح کند ، همین حزب در گذشته چند
تن از پیشسازگان سازمان ما را خلع سلاح نموده
است و همین حزب امروز به مقر سازمان ما حمله
و حشیا نه نموده و حداقل سه تن از رفقای ما را به
خون کشیده و تعداد زیادی از رفقا را زخمی و
دستگیر مینماید . آری آنچه امروز حزب دمکرات
انجام میدهد ا سری اتفاقی نیست ، به همانگونه
که کوشش حزب برای سازش با رژیم حاکم اتفاقی
نیست ، به همانگونه که سازش حزب با بعثیهای
مرتجع عراق و فدا کرات پنهانی سران حزب با
بختیار مزدور و اتفاقی نمیباشد ، حزب دمکرات بر
ضد انقلاب خلقهای ما بوده و به همین خاطر انقلابیون
و کمونیستهای صادق و از جمله سازمان ما را مورد
هجوم و حشیا نه خود قرار میدهند . و پرواضح است که
این نیروی ضد انقلابی به این اقدامات و به
سازمان ما بستنده نخواهد کرد . سیاست حزب دمکرات
در مناطق آزاد شده کردستان حمله گام به گام به
تمامی نیروهای انقلابی و فعال را بدنیا خواهد
داشت . امروز تمرکز حمله ضد انقلابی حزب بر روی
ماست و فردا بر روی نیروی دیگری خواهد بود و به
همین لحاظ ما به تمامی کمونیستها و انقلابیون
فعال در کردستان هشدار میدهم و از آنها میخواهیم
تا اهداف و سیاستها و مشی خائنانه این حزب را
برای توده های زحمتکش افشا نمایند و همبستگی
و همکاری میان خود را تعمیق بخشند . رفقای ما
در کنار سایر نیروهای انقلابی در کردستان ، در
کنار خلق دلسرگرد و بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری
اسلامی میجنگند و با طبع در چنین شرایطی
سازمان ما خواهان درگیری نظامی با حزب دمکرات
نمیباشد ، اما زمانی که این حزب ضد انقلابی
برای خلع سلاح پیشسازگان قهرمان ما عمل میکند
زمانی که مقر سازمان را مورد حمله قرار داده و
رفقای ما را زخمی و شهید مینماید تا آنجا که در
قدرت و توان خود ا ریم به مقاومت دست میزنیم
ما در برابر رژیم جلاد شاه تسلیم نشدیم ، ما در برابر
رژیم تبهکار جمهوری اسلامی اسلحه خود را بر
زمین نگذاشتیم و پرواضح است که در برابر
جنايات حزب دمکرات نیز خاموش نخواهیم ماند
و نه دست از مبارزه خواهیم کشید . ما همچون گذشته
و فدا داره انقلاب توده ها خواهیم بود ، بمبارزه
علیه هیات حاکمه ایران ادامه خواهد داد و تا
- می نیروهای ضد انقلابی همچون حزب دمکرات
را افشا خواهیم نمود ، ما کمونیست هستیم و تا

کارگران زحمتکشان ، خلقهای مبارز ایران!

با ردیکرا فراد مسلح حزب دمکرات بر اساس
مشی ضد انقلابی حزب ، جنایت بیسابقه ای آفرید
- ند و دست به کشتار کمونیستها زدند ، افراد
حزب دمکرات در همان زمان که رژیم جنایتکار
جمهوری اسلامی خلق کرد را قتل عام میکنند و
سینه پیشسازگان انقلابی را با گلوله میشکافند ،
با رگبار مسلسلهای خود رفقای ما را مورد حمله
و حشیا نه قرار داده و چندان از آنان را به خون
میکشاند .

بعد از ظهر روز پنجشنبه هفتم اسفند در بوکان
توسط ۳۳۰۰۰ ازمامل حزب جنایتکار دمکرات در خیابان رودر
حضور مردم یکی از فروروشندگان نشریه پیکار
(شماره ای که در آن " مصاحبه مجاهد با قاسملو " افشا
شده بود) را مورد ضرب و شتم قرار داده و ا وارد ست
گیر مینماید . نیم ساعت بعد از حادثه ، عوام مسل
جنایتکار حزب با نیروی بسیار زیاد و همراه با
یکی از مسئولین حزب دمکرات که در زمان شاه
خائن ساواکی و جاسوس بود ، با انواع سلاحهای
سیک و سنگین مقر سازمان پیکار را در شهر محاصره
کرده و مورد حملات نظامی خود قرار میدهند ، آنها
با آرم پی - جی و نارنجک انداز و حشیا نه مقرر
سازمان را مورد هجوم قرار داده و به روی مردمی
که در پی آن بودند تا از یورش حزبها جلوگیری
بمعل بیاورند آتش میکشایند . در برابر این یورش
ضد انقلابی ، رفقای مستقر در مقر دلیرانه دست به
مقاومت میزنند . پس از سه ربع حملات فاشیستی
و کشتار روز خمی کردن چند تن از رفقای ما توسط
حزبهای جانی رفقای ما پیشنهاد آتش بس و
مذاکره میدهند ، اما حزبها که کینه و حشیا نه ای
نسبت به طبقه کارگر و پیکارگران راه آزادی
طبقه کارگر دارند به تیراندازی خود همچنان
ادامه داده و حداقل سه تن از رفقای ما را به
شهادت میرسانند . رفیق رضا ابلاغیان ، (از اعضای
سازمان و عضو (اهل مهاباد) ، رفیق پیشمرکه
قهرمان باقی خیاطی (اهل مهاباد) ، و رفیق
پیشمرکه قهرمان ظاهرا ایرا هیمی (اهل بوکان)
توسط جانیان حزب به شهادت میرسند و بعد از
تعدادی از رفقای مستقر در مقر شدیداً زخمی
میشوند .

بدنبال این جنایات هولناک حزبها بداخل
مقر نفوذ کرده ، رفقای موجود در مقر و از جمله
زخمیها را وسیعاً مورد توهین و ضرب و شتم قرار
میدهند ، این جلادان سپس به دزدی و خالی کردن





آخرین قطره خون خود و فدا داریه انقلاب و سوسیالیسم باقی خواهیم ماند و حزب دمکرات، ایسین مدافع مالکین و سرمایه داران، بدانند که هرگز نمیتوانند جلوی تداوم مبارزه ما را بگیرند، همچنان که رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی نتوانستند از مبارزه طبقاتی و ملی کمونیستها، خلقهای ایران و از جمله خلق دلاور کرد جلوه گیری بعمل آورد حزب دمکرات میخواهد کردستان را بزیر حاکمیت ضد انقلابی خود بکشد، اما مطمئن باشد خلق آگاه و دلیر کردستان و نیروهای کمونیست و انقلابی هرگز اجازه نخواهند داد تا حزب دمکرات خیانتکار، انقلاب خونین خلق را خفه نماید. ما با دیگر بیهوشی تمام می نیروهای کمونیست و انقلابی همدار می دهیم و نه تنها از آنها می خواهیم

تا ما هیت و اهداف ضد انقلابی حزب را بطور مستقیم افشا نمائیم، بلکه اقدام جنایتکارانه حزب را در قبال سازمان ما و کشتار و سارت رفقای پیشمر - که ما را شدیداً محکوم نمائند و همصدا با ما خواسته های زیر را با صدای رسا اعلام دارند:

• محاکمه عاملین تسبیح رگشتا و کمونیستهای بیگانه رگرفریق رضا ابلاعیان، رفیق باقی خیا طی رفیق طاهر برای همی بردا دگا ها انقلابی خلق کرد

• تحویل فوری جنازه شهید، آزادی فوری رفقای اسیر (جان این رفقا بخصوص رفقای زخمی در خطر است) و استرداد اموال سازمان که جزوا مسائل زحمتکشان و طبقه کارگر است.

گرامی با دخاله رفقای شهید که در راه انقلاب توسط عوامل حزب دمکرات به خون کشیده شدند! هر چه رسوا تر باشد دوطئه های خائنان حزب دمکرات بر علیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست! بر توان تر با دجنش مفاومت خلق کرد! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

۵۹/۱۲/۱۱

مقرماً در تصرف و اشغال این غارتگران و جنازه شهدا نیز در اختیار آنها ناست.

مردم مبارز بوکان!
خلق قهرمان کرد!

حرکت دیروز حزب دمکرات و کشتار روبه خاک و خون کشیدن عده ای از رفقای قهرمان ما که هر یک سابقه چندین سال مبارزه بر علیه رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی را دارند، چیز تازه ای نیست این اقدام حرکت گذشته حزب است. خلق سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی اگر تا دیروز با شهید صورت میگرفت، اکنون با هجوم وحشیانه توأم است. گوئی حزب دمکرات دشمنان واقعی خود را در میان خلق کرد و نیروهای انقلابی میباید. و بواقع نیز عمل حزب دمکرات همین را نشان میدهد. حزب دمکرات همچون پادشاهان رژیم جمهوری اسلامی مقرب پیشمرگان را محاصره و پس از کشتار عده ای از بهترین فرزندان خلق قصد تصرف مقر را میکند. حزب دمکرات پیش از آنکه رژیم جمهوری اسلامی را دشمن بشناسد، نیروهای انقلابی کردستان را در مقابل خود میبیند. حزب دمکرات جا شها را در میان خود میپذیرد و آنان را آزاد میکند ولی پیشمرگان انقلابی را دستگیر میسازد. حزب دمکرات نیرو...

جنایتی هولناک توسط حزب دمکرات

و شروع به دستگیری و کتک کاری رفقای بی سلاح و توهین به آنها ن میبندد. افراد زخمی را زیر باران ممت و لگدمیکرند. پیشمرگان قهرمان سازمان ما را که تا به امروز در هر نبردی در صف مقدم جبهه بوده و سینه خود را در برابر برتها جهر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سپر کرده اند، نیز خلع سلاح کرده و با توهین و کتک کاری اسیر میکنند. پیشمرمانه تر و وحشیانه تر از همه آنها سر بریدن یکی از افراد زخمی توسط یکی از جلادان دمکرات میباید. شخصی که این کار را کرده در زمان شاه نیز جاسوس و ساواکی و فردی جنایتکار بوده، او اکنون یکی از مسئولین حزب دمکرات است. لگد زدن و توهین به جنازه شهیدان نیز از رفتارهای دمکرات است. این جانبا ن در حالیکه بیکر شهدای ما فرق در خون بوده در پی گشتن جیبهای آنها و دزدی کردن بوده اند. به شهادت مردمی که از نزدیک شاهد ما جرابوده اند، بوی الککل ناشی از مستی افراد حزب که ملامت معلوم بوده است پس از تمام این بیشرمیها و دستگیری حدود چهل نفر از رفقای مسلح و غیر مسلح ما، این جانبا ن یکی از زندانیان ما را که یک قاچاقچی مشهور و بزرگ جاش رژیم جمهوری اسلامی بود، با احترام و در حالیکه خود این جاش به نفع حزب شعار میداد آزاد ساخته و او را با خود میبرند. در کنارت تمام این قضا یا افراد مسلح حزب چندین دفعه با تهدید و ارباب و تیراندازی بسوی مردمی که برای اعتراض به حرکت حزب تجمع کرده بودند آنها را پراکنده میسازند و حتی قصد کشتن بستگان یکی از شهدای ما را که در حال افشای حزب بود، میکنند. غارت اموال مقروآتش زدن نثریبات آخرین عمل این جنایتکاران بود. هم اکنون

با ردیگر افراد مسلح حزب دمکرات بر طبق سیاست حزب جنایتی دیگر آفریدند و روی پاس - داران ارتجاع را سفید کردند. این بار نیز جریان طبق معمول حمله و یورش وحشیانه به پیشمرگان یک نیروی انقلابی فعال در جنبش مفاومت خلق کرد است. حرکتی که دقیقاً از پادشاهان و ارتش ضد خلقی انتظار می رود، بار دیگر بوسیله حزب دمکرات انجام میگیرد.

جریان بدین قرار است که تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات که اکثر آنها مست بوده اند بعد از ظهر روز پنجشنبه هفتم اسفند بتعداد زیادی با ن در حضور مردم به یکی از فرودگاهها ن شریه بیگانه حمله کرده و او را مورد ضرب و شتم و توهین قرار داده، دستگیر میکنند، سپس با تجهیزات کامل و سلاحهای سنگین و نیروی زیاد مقر سازمان پیکار را در شهر بوکان محاصره و شروع به تیراندازی بسوی مقرونگهان آن میکنند، اعتراضات مردمی که میخواهند جلوی یورش را بگیرند مورد توجه افراد مسلح حزب قرار نمیگیرند و آنان بروی مردم نیز آتش میگشایند در طی این درگیری حزبها با آرمی - پی - جی و نارتک انداز به ساختمان مقر تیراندازی می - نمایند. این حمله وحشیانه با مفاومت دلیرانه رفقای ما روبه رو میگردد. پس از آنکه بیش از سه ربع ساعت از درگیری و حمله مغول وارد مقر آنها به مقر ما میگردد از آنجا عده ای از رفقای ما شهید و زخمی میشوند، رفقا از درون مقر پیشنها د آتش بس و مذاکره میدهند، ولی این جانبا ن و جلادان همچون پادشاهان رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از کوبیدن مقربا سلاحهای سبک و سنگین دست برنمیدارند تا بالاخره سدا خل مقرفوژ کرده

های سرکوب رژیم عماد پادشاهان و جاش و ارتش را اسکورت میکنند و به سلامت به پادگان مها با دود دیگری با دگانها میرسانند. ولی پیشمرگان قهرمان سازمان ما پیکار را بخون میباشند. برآستی این عملکردهای حزب دمکرات چه فرقی با حرکات رژیم دارد؟

حزب دمکرات احقانه خیال میکند با ترور و کشتار انقلابیون و از جمله رفقای بیگانه گرما میتواند انقلاب را خفه کند حزب دمکرات همچون هر حزب سرمایه داری دیگر بیهوشی میاندیشد که میتواند با سرکوب زحمتکشان صدای آنها را برای همیشه خفه کند. ولی هیبتا اگر رژیم ضد خلقی شاه نتوانست انقلاب را نابود کند و اگر رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی نتوانسته است صدای اعتراض توده ها و خلق قهرمان کرد را خاموش سازد، حزب دمکرات نیز نخواهد توانست انقلابیون را ساکت کند. سازمان پیکار کارنامه خونینش به بیش از ۱۵ سال قبل بر میگردد و مبارزه رفقای ما در زمان رژیم دیکتاتور توری شاه باعث به خون غلظیدن بسیاری از رفقای قهرمانمان گردید. اما هرگز در برابر ضد انقلاب یک قدم به عقب برنداشتیم. در زمان رژیم جمهوری اسلامی نیز رفقای بیگانه رگما از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب خاک کشور را با خون خویش رنگین ساخته اند. اعدا مرفقای بیگانه رگما در خوزستان و آذربایجان و شهادت پیشمرگان دلیر ما در کردستان گواهی این قضیه است. اما هرگز کشتار ما را یک قدم از مبارزه با زندا شته و نخواهد داشت. یورش وحشیانه و ددمنشانه حزب دمکرات نیز نخواهد توانست ما را یک قدم از موضع نظرمان بقیه در صفحه ۲۵

اخبار مبارزات توده‌ها



زنان زحمتکش و مصادره ماهیهای دولتی!

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۳ جمعیتی از زنان زحمتکش که در خیابان سلسبیل برای خرید ماهی از فروشگاه شلات صف گشوده بودند، به اسداران داخل مغازه که مارتی بازی کرده و ماهی را فقط به آشنایان نشان میفروختند اعتراض کرده و زن زحمتکشی روبه اسداری که در حال خارج کردن یک کسه ماهی از مغازه بود، کرده و میگوید: "حرا بدون اسنگه در صف با سسی ما هیها را با رگردهای ومیبری، مگر تو وجدان نداری، ببخود نیست که کمونستها شما را اسداران سرما به منما مند. شما را قاتل و دزد مسدانند، واقعا حق دارند." با اسدازمزدور در پاسخ جواب میدهد: "غلط زیاد نکن زنیکه... که زنان همگی بوی حمله ورمی- شوند و پواسداز سرما به فرامیکنند، سس زنان زحمتکش بداخل مغازه هجوم برده و ماهی های دولتی را ما بسن خود تقسیم میکنند، توده های آگاه در مقابل سیاستهای ضد مردمی رژیم، سیاست و خواست خود را اعمال میکنند."

★★★

مبارزه زندانیان انقلابی ادامه دارد

در حدود یکماه پیش، اسداران جهل و سرما به، عدهای از جوانان انقلابی را در شهر گرد به جرم دفاع از منافع زحمتکشان و داستان افکار انقلابی دستگیر و به بازدا سگاه افغان منتقل میکنند. این عمل ارتجاعی سوسیله هواداران "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" (چهارحال بختیاری) و دیگر کمونستها افشا شد. طبق اطلاعات موثق شکنجه گران رژیم به انواع شکنجه توسل جستند تا ساید روحیه مقاومت را در زندانیان انقلابی شکنند (شکنجههایی مانند سوزاندن بدن بوسیله آتش بیکار و کتک زدن بوسیله کابل...).

انقلابیون در زندان نیز دستا رما رزه بر - ندانسته و برای رسیدگی به وضعیان ۵ روز اعتصاب غذا میکنند، رژیم ضد خلقی سیزدروغ قول رسیدگی را میدهد اما همانطور که زما هست آنها سرمی آید، قول آنها فریبی بیش نبوده، زندانیان انقلابی دوباره دست به اعتصاب غذا زده و تاکنون اعتصابان ادا مده دارد.

به نفل از بگوهرنگ شما ره ۱۰۵ - شرسه هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طفه کارگر - چهارحال سخناری

توطئه های رژیم علیه صیادان آزاد را افشا کنیم

خواهد ما لید.

کارگران! زحمتکشان گیلان!

صیادان مبارز گیلان!

در چنین شرایطی تنها با مقاومت همه جانبه در برابر بربروشهای ارتجاع، برقراری ارتباط با دیگر صیادان آزاد منطقه، ایجاد شورایی صیادان آزاد در محدوده فعالیت خود، ایجاد ارتباط با دیگر شوراهای صیادی مانند شورای صیادی آزاد انزلی و تشکیل اتحادیه سراسری صیادان آزادی توانمند از حقوق خود در برابر رژیم جمهوری اسلامی دفاع نمائید.

بین بسوی اسجادسورا های واقعی صیادی با اندکی تفسیر و تلخیص از اعلامیه کمیته گیلان - سازمان

حندی است که مدتیال فرارسدن فصل صید رژیم کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی از هر طرف به صیادان آزاد منطقه فشار می آورد و تلاش می کند که از صیادان با نفع خود جلوگیری نماید. اخیرا مقامات مرتجع رژیم طی سخنانهای صیادان منطقه طالسی را تهدید کرده که در صورت ادا مه صید تحت تعقیب قرار خواهند گرفت (جنگل - ۵۹/۱۱/۱۹) این اولین باری نیست که رژیم جمهوری اسلامی در مقابل زحمتکشان دست به تهدید و ارباب میزند و صیادان آزاد همچنان که در حمله قهرمانانه سال گذشته خود در انزلی نشان داده اند با رد بگرسوز ارتجاع را به خاک

یورش ناکام پاسداران و پلیس به زحمتکشان ساختمان لاله

شد. با سبانهای و پاسداران ارورود مردم به ساختمان جلوگسری میگردند. مزدوران با قنداق ژ-۳ به صورت زحمتکشی کوسندند و خون از دهان جاری شد. سرکوب با سانهای و پاسداران، مقاومت را بیشتر کرد. آنها تر اندازی هوایی کردند و پلی مقاومت دلیرانه زحمتکشان ساکن ساختمان و حماست مردم ارتجاع را به عقب نشینی واداشت. مردم مبارز ائانه را در هم ریخته و زحمتکشان را بداخل ساختمان بردند روحه همبستگی مردم و ساکنین زحمتکشی خانه تحسن آرزو و همین اتحاد دو کمانگی بود که ناعب عقب نشینی مزدوران ارتجاع گردید.

روبرویونست های توده ای و اکثریتی نیز حاضر بودند و چون همسبه خدمتگزار ارتجاع مشغول بودند، آنها با "عسر مستعفا!" خواندن زحمتکشان ساکن ساختمان و "ساواکی" نامیدن آنها سعی میگردند مانع از حماست مردم شوند اما مثل همیشه فاسده و سوا خم و کسند زحمتکشان حاضر و سرور شدند.

★★★

روز بیست و نهم ۷ اسفند ماه، اسداران سرما به زحمتکشان ساکن ساختمان لاله (خیابان کارگر مقابل موزه فرس) یورش بردند و سانه ناجیز آنها را به بیرون ریختند و کسند. اسن زحمتکشان از مدت پیش در اسن ساختمان ساکن شده اند و بارها از طرف چاقاران ربربم جمهوری اسلامی تهدید به اخراج شده اند اسداران سرما به که با یک حکم "بنیاده مستضعفین" به آنها یورش آورده بودند، با مقاومت زحمتکشان مستقر در ساختمان روبرو شدند. زن زحمتکشی با چشمانی انگبار فریاد میزد: "شوهرم بیکار است و خودم رختشو، حالا خسته و کوفته از کار برگشته ام میبینم میخواستند بیرونمان بکنند، ما کجا سروریم؟" مردم زحمتکشان وعدهای از عناصر آگاه با احتیاط در مقابل ساختمان به افشای رژیم پرداختند. مردم حاضر سا رمیدادند "زحمتکس حق توست، از خانه ات دفاع کن". "زحمتکشی، زحمتکشی حماستت منکسم". مقاومت زحمتکشان با روحه ای که از بسنای مردم گرفتند سبتر

به استقبال جنبش او جگیزنده توده هابش تاپیم

پیکار



خلق ها و مسئله ملی

شبهه از صفحه ۵ راه سرخ ***

زحمتکشانی که او را از نزدیک می شناختند می خواهد ما بد. همه ما او را مستیاسم، رفیق محمود (رفقا) بلایمان را، رفیق کمال صداقت میگردید. در سال ۱۳۳۲ در سرور جدید دنیا آمد. بدرستی یک سینه و روان داد بود، زندگی نو ما را نثرر مسدا اعلی رند آکا هی انقلابی و عشق طبقاتی او به طبقه کارگر و سوده های زحمتکش بود. اغلب نا بستانها برای کمک به مدرز زحمتکش خود در دارها سواده به بنا کردی مسرداخت. دو سال تاستان را در یک معاز سیری مروشی بکار مشغول بود. خلاصا یک انسان کمونست و عشق سی با پانی بسده زحمتکشان، از او انسانی محبوب برای آستانانی ساخته بود. دوران تحصیلات دبیرستانی را در سرور گذراند، در سالهای آخر دبیرستان برانر مثلا لعد کتب علمی و ما رکستی، ما رکسیسم - لنینیسم را قرار داد مبارزات انقلابی خود قرار داد. کار آکا هکرا نه مطالعه و کوهنوردی در دوره دبیرستان جزئی از زندگی شده بود. در سال ۵۳ به مدرسه عالی ورزش راه یافت.

شبهه از صفحه ۶ راه پیمانی ***

اما هزاران زحمتکش بوکائی ضمن دادن شعار "زنده باد آزادی" بهم پیوستند، مرتب بران سوه جمعیت افزوده میشد و فضای شهر بر ضد حزب دمکرات تغیر یافته بود. حزب دمکرات قصد داشت بدون سرو صدا رفقای شهید ما را دهن کند اما فشار چینی اعتراضی توده ها، محکوم شدن این جنایت توسط نیروهای کمونست و انقلابی و افتخار کربهای وسیع رفقای سازمان، حزب دمکرات را مجبور ساخت تا سگر نهیدان بخون خفته را از طریق دفتر ما موستانه ما تحویل دهد. پس از تحویل گرفتن جنازه ها، شهیدان سازمان مراسم ساه کمیته گردستان سازمان که در آن ضمن محکوم کردن اقدام جناستکارانه حزب دمکرات، آزادی رفقای زندانی خواسته شده بود قرائت کردند. سس سام سازمان رزمندگان که حزب دمکرات و اقدامات جناستکارانه اش را سدت محکوم کرده بود و اعلامیه ای نیز از طرف دفتر ما موستانه سخر عزالدین خوانده شد.

بعدا از طبر حومه تمام خبا سانیهای شهر و اطراف مفر به محل سحر و مستکنهای موقعی تبدیل شده بود. توده های رحمکس سهراسحا و آجا جمع کرده و رفقای سازمان در میان آنها به افشای حاسبات حزب دس رده و سه توده ها مکفتمتد که حزب طرفدار انقلاب است. تصای سیرکا ملا به ضد حزب دمکرات تبدیل شده بود و مردم زحمتکش این عمل حاسکارانه را محکوم مسمودند. رفقای سازمان ضمن سخن و سسبع اعلامیه و سراسرک در سطح سهر سوده های سهر را سسح نمودند و ما سعدا رطیرا ریلندگویی ساحت

هسکا مگذرا بدن دانسگده ورزش هرگز آکا هی دادن به نوده ها را فرا موش نکرد. طی بکسال دوره کار آموزشی تربیت بدنی در دبیرستان سهراب نهران که مخصوص ارمنی ها بود، به آکا هکرا کردن دانش آموزان ارمنی سرداخت. و ما وجود اینکده زمان ارمنی نمدا نسبت ما دادن کاسهای آکا هی بخش به دانش آموزان ارمنی، ما سسام نوان به کار آکا هکرا نه مسرداخت.

رفیق محبدر در شهریور ۵۶ با سازمان سماس گرفت و با سستکار و علاقه نما به سار زره در راه آزادی طبقه کارگر، وظایف محوله سازمانی را به انجام رساند. ما رسد ما رزات توده ها، رفیق محمود در تمام مسازات توده ها بر علیه رژیم ساه فعلا لانه شرکت مکرده، در تاستان ۵۷ ما دلی آکنده از عشق به طبقه کارگر، برای آکا هی دادن به کارگران، در کارخانه جنرال شروع به کار کرد. بدستال مبارزات روز افزون طبقه کارگر و تعطیل شدن کارخانه ها، رفیق محمود محبوس به ترک کارخانه گردید.

در قیام خلقهای ایران، دوش بیدوش کارگران و زحمتکشان در مسازات توده ها شرکت نمود. پس از قیام رفیق محمود بلایمان در دفتر سازمان سکاره تهران به مبارزات انقلابی خود ادامه داد.

در آبان ۵۸، طبق تصمیم سازمان به گردستان

مردم را به تشیع جنازه برای روز سنبه فراخواندند. روز سنبه صبح ۵۹/۱۳/۹ مراسم باشکوه تشیع جنازه رفیق کمونست سکاره سگر سرکزا گردید. در این مراسم بی سابقه ده هزار نفر از زحمتکشان کرد شرکت نمودند. توده های ستم دیده برای ابراز نرا نسبت به اقدامات جناستکارانه حزب، جنازه شهید کمونست که در میان بارجه سرخی قرار گرفته بودند را بر بالای دست حمل مینمودند. جنازه های کمونست ها به سرج سرخی تبدیل شده بود. سرج سرخی که به توده ها نوید میداد انقلاب تا استقرار کمونیسما دامه خواهد داد. سته سرنکوه بود بسکسرخون خفته رفقای که به ما نند بر سرج سرخی در دستهای توده ها در اهتزاز بود! چه سرنکوه بود سگر سرخون خفته کمونستهای که از مسسک نه پاسدند و در راه آزادی و انقلاب سوسالیم جان باختند! بدین ترتیب بود که جنازه شهید کمونست به خاک سرده شد. سیکر آنان به خاک سرده شد، اما آریان و الابنان، کمونسم، باز هم سرختر و درخشانتر گردید. س از ترفسن رفقای شهید، مردم زحمتکش بوکان برای تسلیم به سسمرگان انقلابی سازمان و خاسواد به سسمر که سیدکا ک ظاهر کرده و گروه مسجدا آمده، اظهار همدلی نموده و تفرق و دراز عمل خائسانه حزب دمکرات اعلام میگردند. روز سنبه در یکی از مسجدهای سررک شهر مراسم یادبود برای رفقای شهید سرکزا ارشد. در سمامان مراسم حزب دمکرات و سسعا افتا گردید و نوده های شرکت کننده آزادی رفقای زندانی را حواسا زکردیدند. رفقای زندانی از لفظهای که به زندان حزب دمکرات رفته اند سسبه

اعراض و سادوبیا سببرنس مسئولیت دبیرستان در سقز در کسار خلقی قهرمان کرد سکارا انقلابی خود بر علیه ارتجاع و امیریالیسم را سبب سسید رفیق در سار ما سدی رفقای هوا دار در سقز سس سسائی دست. محمود در طول اتاسر در کردستان حرده آزادی طبقه کارگران و خلقی سمدیده کرد سسما سسید س. رحمکسان، دانش آموزان و انقلابیون سقر حیره سمدان، سسیمی وحدی او را همسه سخر خواهنداد س.

رفیق محمود در سسجسه ۵۹/۱۳/۷ در حمله حزب دمکرات به سقر سارمان در بوکان همراه دو همسر س در خون خوش غلطید. و کلوله های حزب دمکرات تلب او را سراسر که حزبه آزادی طبقه کارگر و خلقی سمدیده کرد سسما سسید س. رفیق محمود و همسر ما سس بدست حزب دمکرات سسهادت رسدند چون در راه امین مسافع خلقی کرد و مسارده در راه آزادی سسهای انقلابی این خلق سسمدیده، ما سسی ساسد سیری کمونستی سسود سسر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، و سساستها و عملگردهای ضد انقلابی حزب دمکرات مبارزه میگردند. اما ما س محمود و همسر ما سس مرده اند؟ نه، آنها در قلب کمونستها، در قلب توده های زحمتکش و خلقهای ستم دیده ایران زنده اند. یادنان را کرامی سمدار سمر و راه سرخشان را ساقدرت تمام اما مد میدهم.

اعتماد غذا زده و دلبران در برابر سسیدیات و سسارهای عوامل حزب مفا وم کرده اند و هیچ کدام حاضر نشده اند سار زحوشی سس بدهند. رفقای ما کمونست سسند و سآرمان طبقه کارگر سسکند خورده اند هرگز تسلیم نمی شوند سسمر که سسهد قهرمان تسلیم نندند که رفقای زندانی ما در سسارقاتلان آنها زانو خم کنند؟ مکسسر کمونستها ما سسند حزب دمکرات تسلیم طلب و سسار سکارا رنده که سآرمان خود خاسب کنند؟ بدستال این افسا کربهای وسیع، حزب که سسداد را سزوا قرار گرفته بود برای آنکسه اوفاع را سسفع خود سسبیر دهد سسدمکی از افراد مسلح را روز دوشسه سسفع سسکند در این مراسم حزب تنها تواسسد بود حدود سه هزار سقر را از دهات اطراف بسسج کند. شرکت کنندگان در مراسم سسارهای زیادای علیه خط ۳ و سارمان سسبکار میدادند. در واقع حزب این سسارات را علیه کمونیسیم برپا کرده بود س"حمیت" از سسدت رفتناش را بدست آورد. سعدا ز مراسم سسسر حدود دویست سسرا از افراد واسسه بخود را سسعار - های "مرک سسرومه لده" و "گومه لده" سسخلع سلاح کرده "بسسج کرده که سسارها این عده سسسد سسست سسید جلوی مقر رفقای کومه لده سسروند.

در حال حاضر در شهر حزب دمکرات سسبیدا سسروی سسبسا سسوشا سسای، سسینی سسرحلدا سسحالی حزب دمکرات به مفر رفقای کومه لده وجود دارد. این سسایعات سسبکارا سسبکرها سسار ما سسبسر کمونستهای سسینی سسرادا سس سسرفی حساب سسده حزب دمکرات سسدمکونستهای سسبکرها سسبسا سسار سسببکسد.



نیروهای کمونیستی و انقلابی در استان جنایات حزب دمکرات را محکوم می کنند!

حملهٔ سازماندهی حزب دمکرات به مقرران زمان ما در بوکان، وسیلهٔ دست بردن کمونیست-یکار - بریدست مزدوران مسلح این حزب ضدانقلابی، سربانی با آن خلق بیرومان کرد و سازمانهای کمونیستی و انقلابی و نیروهای مترقی موجود در کردستان را برانگیختند و این سازمانها و نیروهای اعلامیه‌ها و اقدامات ضد خلقی حزب دمکرات را سبب محکوم کرده اند. آنچه که ملاحظه میکنید تماما مباحثاتی از اعلامیه‌های مذکور است:



جنایت وحشیانه اعمال حزب دمکرات بر علیه سازمان پیکار در بوکان

مردم مبارز بوکان!
خلق رزمند ه کرد!
هممیستان مبارز!

در روز مردم شهر ما صحنه‌های فجیعی را به چشم دیدند که برای نشان خاطرهای کشتارهای رژیم سادراسا دمبارد، تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات در مقابل یک برنامها ز قتل طرح - ریزی شده در روز بعد از ظهر با نگاهان اطراف مقرران زمان بوکان در راه آزادی طبقه کارگر در بوکان را محاصره کردند، روی با مساختمانهای مریع اطراف موضع گرفتند، کوحه‌ها و معاصر منتهی به مقرران زمان بوکان را بوسیله افراد مسلح خود سنگربندی نموده و با سلاحهای سبک و سنگس شروع به ترسانداری به طرف آنها نمودند این افراد حتی سوری مردمیکه از قضیه خبردار گشته و در آنجا جمع شده و به این عمل حزب دمکرات اعتراض میکردند اما مسلحه کشیدند و بیدینوسله از اعتراض آنان جلوگیری می نمودند. افراد مسلح حزب دمکرات که از قبل مصمم به قتل و غارت بودند، بدون کوچکترین تردیدی با نارنجک انداز و آر بی، جی به کوبیدن مقرران سازمان بوکان پرداختند. پیشمرگان سازمان بوکان را سبب دست به رعب ساعت چهارم تا نه مقابلهت کردید و پس از دادن حندس نفر شهید و زخمی سسپنا دآتس پس و مذاکره دادند، اما جز بار کبار حوایی نسنندند. افراد مسلح سسی پداخل مقرر رحسند و وسایل و سلاحهای آنرا غارت کردند، گناپنا و سربا ت موجود را آتش زده و به جانبان سربا ت کردند. این افراد همچون حناستکاران سلاسله و در حالیکه مردم ما هدودنده غارت حسیپنا سپدای سازمان بوکان رسد اخته و حسی در مقابل حمان مردم شهر، بدون کوچکترین

زنده باد دلاوری پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار ... رفقا محمود ابلاغیان (کاک کمال)، باقی خیاطی، طاهر ابراهیمیان

سازمان زمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر به مناسبت شهادت سمن از رفقای سکار به دست حزب دمکرات

هم میهنان مبارز!
مردم مبارز بوکان!

بنحسب ۵۹/۱۲/۷ یورش وحشانه حزب دمکرات به مقرران سکار که در حقیقت کام دیگری در جهت خلق سلاح زحمتکشان سازمان - های انقلابی طبقه کارگر بود، سمانا و سسبت قهرمانان به این رفقا مواجهدند، این در واقع ادا مفاقدامه خلق سلاح کومله، سیکار، شورای حمانان و یورش به مقرران زندگان و... سسنا شد بدون شک این آخرین شعری حزب دمکرات به نیروهای انقلابی نخواهد بود.

ما با رگزان اندوه ر دست رسی سرتیسی پیشمرگ را در این بریده همراه در سسپنا ی گرانسپهای خانبا زی ومشاومت آنان در مقابل یورش وحشانه حزب دمکرات را در لوج خاطر خود محفوظ خواهم کرد. آنان قهرمانان در سکر حسیس مفاومت خلق کرد برای آزادی طبقه کارگر مبارزه نمودند، و در این راه جان باختند شهید محمود ابلاغیان (کاک کمال) از ساررسن قدیمی و خستگی ناپذیر دوران ساد دیکتا سوری شاه همچون کوهی اسوار در سسپنا راه برافشار جان خود را بر کف نهاد.

و بالاخره کاک باقی خیاطی اربیشمرگان دلیران سازمان بوکان بود که سارا ترازی در این راه جان خود را هدیه راه آزادی رحسنگان نمود این سپدای خلق کرد که در واقع سپدای طبقه کارگران سرسند همچوی سستاره فروزان سارا رکه آسمان سراسره رحسنگان ایران سدر خسد، آسپا با هدیه حوی خودیار دسکر شهید وسیمان ومشا و های کدسه خود را در مقابل رحسنگان کرد و طبقه کارگر ایران سسد کردید.

سرمی، سربکی از رفقای زخمی سازمان بوکان را بریدند. سسپنا د مردم اکر آنجا مس بودند و سوی الکل اردها نشان به ما مرسید، اما اعمال آنها از مستی سار سرسند سسکرف، بلکه بر - عکس مستی آنها ارمسدان به حسانت ناشی میشد به آنها الکل حورا شده بود و سنا کوچکرسس عواطف انسانی را در آنها سمرانند تا بدون سیم و عذاب وجدان به کسار و غارت و سربس - سدن بپردازند. حزب دمکرات برای انجام این توطئه سلسد، افراد سسپین سده را از میانا دوسفر سدی بوکان آورده و وارد عمل کرده بود. آنها با عور و افتخار انشاء غارنی را سدرست سسند کرده و هورا سسکسیدند و سراسرداری سکرندند. آنها حتی از تحویل اسناد سسپنا به جا ندادند سسار خودداری نموده و سحای اسغال رخمپنا به سسارستان آنها را به مقرران حزب دمکرات بریدند.

مردم مبارز بوکان!
خلق رزمند ه کرد!

توطئه‌های حزب دمکرات علیه نیروهای انقلابی سارکی سارده و خود سسارها ساد آن بوده‌اند. کسای که کوچکرس احساس سسولسی در برابر خلق کرد و حسیس مفاومت آن احساس نمکندند، در سراطی کدر رژیمبا تمام صواکردها سارا ز هر طرف سسکود و هر روز فرسیدن انقلابی این خلق را سداک می افکند در روز روشن اقدام به سربدن سس سسمرکه انقلابی سسنا سند.

در روزگاری مقرر سسمرگان سازمان بوکان را سسپنا، سسپنا، آر بی، جی کوسیدند که در سسنا م مدت محاصره و سسپنا سار سس سسپسندخ در سسپنا سسال سسپسرم امارا مردم و با وجود اشته سس مکانات و سلاحهای سنگین اروارد آوردن یک



ضربه به باشگاه افسران که محل تجمع باسداران سوخودداری کردند.

دیروز کسانی پیشمرگان انقلابی را با این قساوت به قتل رساندند که در تمام طول آتش بس ستونهای ارتش ضد خلقی را سکوت کرده و بداخل کردستان هدایت میکردند که هنوز هم خلق کردستان تلخ آنرا لمس میکنند.

اگر حزب دمکرات سال گذشته در بهترین موقعیتی که جنبش مقاومت داشت بطور یکجا نبه و بیمان شکست نه آتش بس اعلام میکرد و ستونهای ارتشی را علیرغم اعتراض خلق کردستان نهایی انقلابی بداخل شهرها اسکورت مینمود و دور از چشم خلق کردستان مذاکره بینهایتی با هیات حاکمه روی آورده امسال "ترقی" کرده و به دستگیری ثورا های مردمی دست میزنند، هوا داران سازمانهای انقلابی را دستگیر و شکنجه مینمایند، در خیابان بروی مردم اسلحه میکشند و به کتک کاری افسراد بی دفاع میپردازند، به باج گیری علنی و اخاذی از زحمتکشان و کسبه دست میزنند، در روز روشن برای پیشمرگان کومله در وسط شهر کمین می کنند و گذار و بیهوده قتل و کشتن به آنها تیراندازی میکنند و سرانجام جمله به مقر سازمان پیکار سازمان میدهد.

حزب دمکرات همه این اعمال را خاطر آن انجام میدهد تا به خیال خود هر صدای آزادیخواهی را در گلو خفه کند، بهانه همیشگی حزب دمکرات این است که گروههای مختلف در باره حزب دمکرات "جز مینویسند" و یا "صحبت میکنند". در حالیکه آزادی بیان و آزادی قلم یکی از آن دستاوردهای گرانبهای جنبش انقلابی خلقهای ایران و قریب به هفتاد ماه است که به قیمت خون هزاران شهید بدست آمده و فقط در کردستان و آنهم به قسمت مبارزات سرخشان و قریباً نهایی فراوان حفظ شده است و هیچکس حق ندارد و نمیدانند این آزادیها را از مردم سلب نمایند. آری حزب جمهوری اسلامی با حماقت دفتر میخافاناش را تعطیل میکند اما حزب دمکرات با تاراجک انداز و آری. جی.

مردم مبارز بگویند!
خلق رزمندگه کرد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، سازمانی است انقلابی که در حد توان خود در جنبش مقاومت شرکت داشته و در این راه قربانی های ارزنده ای تقدیم خلق کرد کرده است. این سازمان نه فقط صدای حق طلبانه خلق کرد را به کوس مردم ایران میرساند و پورده از جنایات رژیم جمهوری اسلامی بر میدارد، بلکه در ستارایران نهادهای زیادی را انتشار راه آزادی زحمتکشان نموده است. ما ضمن محکوم نمودن و اسرا زتنفرا زاینگونه اعمال، هشدار میدهم که جنبش مقاومت خلقی قهرمان کرد با زجه دست این با آن نیست، مسا با ردیکرا اعلام میکنیم که این اعمال فقط در جهت تضعیف و لطمه زدن به جنبش مقاومت و بطور کلی

جنبش انقلابی توده های مردم ایران است و فقط به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده و دست وی را در سر کوب هر چه بیشتر خلق کرد با زتر میکند.

ما جدا از حزب دمکرات - تنکیلات بوکسان میخوانیم که پیشمرگان و هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را آزاد کرده و اسلحه ها و اموال غارت شده را به صاحبان آنها پس دهد.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) - بوکان

۱۳۵۹/۱۲/۸

"جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان" و "شورای سراسری دانش آموزان کردستان" طی اعلامیه ای با عنوان "حمله وحشیانه افراد مسلح حزب دمکرات به نیروهای انقلابی خدمت به ارتجاع حاکم است" گفته اند:

اکنون که مبارزات کارگران، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان و معلمان سراسر کشور در حال گسترش است، در چنین شرایطی حزب دمکرات یکی از نیروهای پیگیر و قاطع را آماج تهاجم خود قرار میدهد که در دیگر شهرهای ایران نیز بیخاطر دفاع از حقوق زحمتکشان مورد هجوم وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی است، و در این حمله (۳) تن از رزمندگان فرزندان خلق را به شهادت میرساند و وعده ای از مردم معترض به این حرکت را نیز محروم مینماید. تهاجم وحشیانه افراد مسلح حزب دمکرات به نیروهای انقلابی تازگی نداد و بپوشید، شما نه خیره مقر سازمان پیکار با اسلحه های سنگین (آر. بی. جی، نارنجک انداز، تیربار) و شهادت رسانیدن (۳) پیکارگر "کمال" ظاهر - باقی" وچ این جنایات است.

جمعیت مستقل معلمان مبارز... و شورای سراسری دانش آموزان عملگردهای ضد انقلابی حزب دمکرات را تقویا محکوم مینماید.

دفتر بوکان سازمان حرکتی خلقی (اقلیت) نیز با انتشار اعلامیه ای تحت عنوان "حمله به مقر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، اقدامی ضددمکراتیک"، اقدام افراد مسلح حزب دمکرات را شدیداً محکوم کرده و خواستهای زیر را اعلام داشته است:

۱- سبیمرگان افراد سازمان پیکار که در زندان حزب بسر میبرند آزاد! شده و سبیل این سازمان مسترد گردد.

۲- در صورتیکه اقدام پیشمرگان حزب واقعا بدون دستور مسئولین حزب بوده مسیمن این اقدام ضددمکراتیک محاکمه و مجازات شوند.

"راه کارگر" (کردستان) نیز طی اعلامیه ای با عنوان "حمله ای دیگر از دمکراسی حزب دمکرات" منتشر شده و در آخر چنین مینویسد:

تعرض اخیر حزب دمکرات به مقر سازمان "پیکار" که منحربه شهادت تن از پیشمرگان این سازمان و زخمی شدن چند تن دیگر گشت، جلوه ای دیگر از سیاست ضددمکراتیک حزب دمکرات میباشد. ما این تعرض نا حوا نمردا نه را محکوم کرده و شهادت به پیشمرگه قهرمان رفقا "کمال"، "طاهر" را همی" و "باقی" را به خلفای ایران، جنبش مقاومت خلق کرد و سازمان پیکار تسلیم میکنیم.

بقیه از صحنه ۵۰۰ به آرمان

واهل مها با دیدود، عشق او به طبقه کارگر - و کومنیسم او را در سنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر جای داده بود. کاک باقی پس از آشنائی و قبول مواضع سازمان بعنوان رفیق هوادار دلسوز و فعال سازمان، به فعالیت انقلابی خود پرداخت. دریا شیز سال ۵۸ بهنگام پیوستن اول رژیم به کردستان او با شور و علاقه تمام دست بدوش پیکارگران کومنیست در سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار را به مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و افشای رژیم و ثبات حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد داد. در تابستان ۵۹ به کردستان با زگشت تادرمها با ددر دل خلق قهرمان کرد به مبارزه بر علیه دشمنان خلق کرد ادا میدهد و دریا شیزها سال اسلحه بسر دوش گرفت و جان برکف در صف پیشمرگان قهرمان سازمان در مرحله نویسی از مبارزات انقلابی خود را آغاز نمود. او برای انجام وظایف انقلابی - اش و جانفشانی در راه آرمانهای انقلابی خلق کرد، به همراه دسته ای از پیشمرگان سازمان به سقر رفت و بعداً زمدتی مبارزه بی امان با ارتجاع حاکمه بوکان با زگشت و جزو پیشمرگان قهرمان مقر سازمان در بوکان در آمد.

روز ۷ اسفند ۵۹ برای او سازمانش، روز تجدید میثاق خونین و انقلابی با خلق قهرمان کرد بود. کاک باقی به اتفاق دور رفیق همزمش با گلوله های جنایتکاران حزب دمکرات در خون خویش غلطیدند. او همزمان با مقاومت کوه دلان خود، حماسه ای دیگر بر تاریخ جنبش مقاومت خلق کرد افزودند. کاک باقی و همزمش انش شهادت رسیدند چون کومنیست بودند و با سرکوبگران خلق کرد، با جانان جمهوری اسلامی و با حزب ضد انقلابی دمکرات که آرمانهای والای خلق کرد را پهل رسیدن به اهداف ضد انقلابی خود قرار داده در سترز بودند.

بباید هزاران بار میثاق انقلابی و خونین خود را با خون کاک باقی و شهدای طبقه کارگر و خلقهای ایران تجدید کنیم و سوگند یاد کنیم که تا آخرین قطره خون خود جز به آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران و از حمله خلق قهرمان کرد ننیدیم. اسلحه افتاده از دوش کاک باقی ها را بردوش بگیریم و با تمام قوا راهشان را ادا می دهیم.

با داک باقی خیاطی را گرامی بداریم و به آرمان رها شیبش او وفادار میمانیم!

رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیوه سانتریستی! (۱)

در قسمت قبل در توضیح انحرافات پیشین رزمندگان که در تکامل خود منجر به مشی گفتمونی منشعبین رزمندگان شد، به انحرافات رفقا در برخورد به تئوری ساخت جامعه، مقوله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم، در برخورد به قدرت سیاسی، چشم انداز و تاکتیک رزمندگان در مقابل آن اشاره نمودیم - اینک دنباله مقاله:

۵ - سازش ایدئولوژیک:

هر کمونیستی که نخواهد در محدوده اختلافات وحدت یافته درونی رزمندگان در آستانه جنگ باقی بماند و نخواهد سدا ندکده با آغاز جنگ و تحولات بعدی ناگهان دو سیستم فکری کاملاً متفاوت در رزمندگان ارائه میکرد و چگونه ایندو تکرار در گذشته با یکدیگر برمی آمدند، نمی توان دنیا به تئوریک که این سازش را توجیه می نمود، یعنی مبانی فکری رزمندگان در برخورد به تشکیلات را در نظر نگیرد، تئوری اپورتونیستی قطب های ایدئولوژیک - تشکیلاتی ملاک های سیاسی، ایدئولوژیک - اختلافی عضویت در درون رزمندگان و ملاک های وحدت رزمندگان (در حداقل وحدت اکثریت میسر نمودن مواضع، در برخورد به شوروی، مرحله انقلاب) خود بنیان گذار سازش نامقدسی بود که نتیجه ای جز انشعاب بهره ای نمی توانست داشته باشد. زمانیکه وحدت ها نه بر اساس خط مشی ویران می برولتری، بلکه بر اساس نزدیکی های که در درون آن می توان قطبهای تشکیلاتی بوجود آورد، صورت میگردد، زمانیکه صراحتاً برخورد اختلافی به مسئله وحدت صورت گرفته و حداقل وحدت اکثر مواضع معیار قرار میگیرد و در برتوان جریان می که سوسیال امپریالیسم را قبول ندارد، و جریان می که آنرا قبول دارد در هر دو بتوانند وحدت نمایند! و معیار عضوگیری درونی تشکیلات نیز بر این اساس تعیین گردد، بر واضح است که سنگ بنای اختلاف از ابتدا چیده شده است. سنگ بنای اختلافی که نه تنها در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم، بلکه در درک از مرحله انقلاب، ساخت جامعه، قدرت سیاسی و... نیز وجود داشته است. بر این اساس است که به جریانی بغایت آکادمیک و اپورتونیست کمیته نبرد، وحدت صورت میگیرد، جریانی که خود از مدافعین سر سخت تئوریهایی اپورتونیستی نظیر "سوسیال امپریالیسم نسبی"، "انقلاب دمکراتیک با مضمون سوسیالیستی"، "فدخلق فدا امپریالیست" و... بوده است، جریانی که به مسئله سوسیال امپریالیسم بدانگونه برخورد می نمود که گویا "عمده نمودن" این مسئله در امر وحدت انحرافی است و اختلاف سرسرایین مسئله اختلاف بر سر تجربه ساختن سوسیالیسم است که باید تحقیق شود، جریانی که فدائیان راه علت پافشاری بر "سوسیالیستی بودن شوروی"

کوشید خود را در چهار چوب مشی انقلابی اکثریت ببیند. رفقا "عدم صراحت و ابهام پیرامون" عنصر اقلیت را از جمله مسائلی می دانند که به آنکا آن فرد مذکور توانست خود را در چهار چوب مشی انقلابی اکثریت ببیند. آنها سپس به درک اکثریت که تا مل کلی گوئیهاست و جای هزار تعبیر و تفسیر را در برداخته و آنرا بعنوان مشی انقلابی حاکم بر رزمندگان معرفی میکنند که از رزمندگان ۳۴ شکسته شده و اپورتونیستها از مشی انقلابی خارج شدند. رفقا در توضیح انحرافات حاکم بر رزمندگان، همگی را منتسب به فرد مذکور نموده که با انتشار رفلان جزوه (خرده - بورژوازی و انقلاب) و با فلان مقاله، مواضع انحرافی را مطرح می نمود. و حتی موضوع رزمندگان در قبول سوسیال امپریالیسم را به زیر سؤال برده و بدینش "سوسیال امپریالیسم نسبی" را جانشین آن نموده است. سپس رفقا از انحرافات بعدی حاکم بر رزمندگان که به "اعضای اپورتونیست بعدی" هیات تحریریه مربوط میگشت، سخن میگویند و از عمیق انحرافات آنان در همان مقاطع گذشته که حتی بعضاً شوروی را "سوسیالیست" نیز از بابی می نمودند، سخن به میان می آورند و مدعی می گردند که "از ابتدای نشریه سازمان تا شماره ۳۳ اساساً مشی انقلابی بر نشریه حاکم بوده و تمايلات گرایشات و تلاشهای اپورتونیستها تنها بصورت آثار، رگه ها و جنبه های از برخورد های تئوریک سیاسی ظاهر میشدند که نتوانسته بود در آن شرایط غالب گردد." (رزمندگان - ضمیمه ۵). اما رفقا منکر نمی گردند که برخی التقاط ها (کدامیک؟) در برنا مه سازمان وجود داشته است که به اپورتونیستها امکان داده است تا آنرا تغییر دهند! بالاخره با بروز جنگ و باروشن نمودن اینکه چه افرادی، چه موضعی اتخاذ نمودند، روشن میشود که جز عناصر اپورتونیست مرکزی، اکثریت رهبری مواضع سانتریستی، برخی متمایل به چپ و برخی متمایل به راست داشته اند و لیبی بهر حال تحت تاثیر مبارزات درونی و بیرونی رهبری اصلاح گردید و مواضع خویش را تغییر داد و مشی انقلابی گذشته سازمان را احیا نمود. رفقا میگویند اپورتونیستها بیهوده میگویند تا خود را وارث مشی گذشته بدانند و بگویند رفقای انقلابی رزمندگان را بفریبند! آنچه گفتیم فشرده تحلیل رفقای رزمندگان از پروسه شکل گیری اپورتونیسم در درون رزمندگان و سرانجام آن بود. اما آیا این متدبررسی ما رکستی است؟ آیا رفقا توانسته اند به ارائه تحلیل همه جانبه ای از ظهور و عقب رانده شدن اپورتونیسم در رزمندگان، خود را ز سر بلای اپورتونیسم خلاص سازند؟ بگمان ما نه! زیرا:

و نیروهای موسوم به خط ۳ را به سبب با فشاری بر امپریالیستی بودن شوروی متهم میکرد که مانع امر وحدت شده اند! آری چنین جریان اپورتونیستی در وحدت رزمندگان جای نمیگیرد. در واقع یکی از محورهای اساسی انحراف رزمندگان در سازش با اپورتونیسم و توجیه و تئوریزه نمودن آنست و این انحراف مبنای تفکراتی رزمندگان در برخورد به امر وحدت معیارهای تشکیلات، عضوگیری و... بود. بر متن چنین اختلاف نامقدسی است که اختلافات درونی رزمندگان همزیستی نموده و با لاخره اپورتونیسم زمینه حضور، رشد و گسترش میابد. در واقع مجموعه انحرافات فوق، رزمندگان را به تدریج به سمت اپورتونیسم سوق داد و در عین حال گرایشات گوناگون و متفاوت درونی را به سازش با هم کشانید. سازشی که در مقطع جنگ بدلائل متفاوت، از جمله تشدید و تکامل مواضع اپورتونیستی جریان حاکم، مبارزه ایدئولوژیک فعال نیروهای جنبش کمونیستی، شدت یابی مبارزه درونی رزمندگان و مقاومت جناح انقلابی رزمندگان در هم شکست و سرانجام به اخراج و تصفیه اپورتونیستها منجر گشت. تنها در پرتو درک از عمق انحرافات گذشته نامبرده در بالا است که میتوان تحولات رزمندگان را توضیح داد و از آن درسهای مهمی آموخت، هرگونه تقلیل انحرافات گذشته و نامبرده گرفتن نقش اساسی آن در انحرافات رزمندگان در زمان جنگ و برخورد مکنیک و ساده گرایانه که گویا این جریان اپورتونیست ناگهان از شماره ۳۴ رزمندگان بر آن حاکم شده و مواضع گذشته را نفی نموده است، برخوردی مماشات جویانه و سانتریستی نسبت به انحرافات گذشته و سرپوش گذاشتن بر آنست. حال که درک خود را از انحرافات که به سوسیال شوینیسم رزمندگان در مقطع جنگ انجامید، توضیح دادیم به بررسی نظیر رزمندگان در اینباره میگردیم. رفقای رزمندگان در توضیح چگونگی شکل گیری اپورتونیسم راست، علیرغم آنکه خسود اظهار می دارند عنصر اقلیت دارای مواضع انحرافی مشخصی بود که در جزوه وضعیت سیاسی آینده و در مقاله اشغال سفارت منعکس بود، سازش میندازند که عنصر اقلیت "با سازش موقت"



پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

مستبد خوردر رفاقا به اپورتونیسیم وظهور و عقب رانده شدن آن، بر خوردی ما رکیستی بوده و توضیح نمی دهد که بریستر کدا مین زمینهای عینی و ذهنی، انحرافات گذشته شکل مکتب در شد میکنند و سرانجام در رزمندگان ۳۴ به سوسال شوینیسیم تبدیل میشود. رفقای رزمندگان بجای بررسی مئی و برنا مه حاکم بر رزمندگان که امکان شکل گیری و ظهور سوسال شوینیسیم در رزمندگان ۳۴ را پدید آورده بوده میکوشند تا با نسبت دادن انحرافات به افراد اپورتونیسیت آنان را توطئه گرانی بخوانند که با دوپهلوشی و ابها موسیس سازش موقتی، خود را همراه ساخته اند. گویا آنان در مصدیک کودتا درآبندنا - معلومی بودند که از پیش با سازش موقتی و خودداری از ابراز صریح مواضع "رد" کم کرده اند. رفاقا چنین متدی به متد ما تریا لیسیم، با لکتیک متکی نیست بلکه متدی است، مکانیکی و در نهایت ایده آلستی است. در تحلیل رفاقا رزمندگان اپورتونیسیتها موجودات مابتسی فرض شده اند که از اول همان بوده اند که اکنون هستند. لیکن چهره خود را بر ملا نمی ساختند و میکوشیدند توده های صادق و انقلابی رزمندگان را فریب دهند و البته گاه و بیگاه مواضع خود را نیز بصورت "دزدکی" در تشریه منعکس میکردند که سپس مورد مخالفتی دروسی فرا رکنرفس. لیکن از آن در سطح جنبش انتقاد نمی گشت (ما شند خرد بورژوازی و انقلاب، سوسال امپریالیسم نسبی و...) نه رفاقا! این تحلیل نه با نگرانی محقق است و علاوه بر آن نه این شیوه، شیوه ما رکیستی برخورد به سده ها.

رفقا! توضیح براکنده رویدادها هنوز نمی توانند ما را به ریشه آنها برسانند به نظرها، نه اپورتونیسیتها توطئه گرانی بودند که مواضع امروز خود را اینها ساخته بودند، نه جریان غالب بر رزمندگان دارای مئی وینس حسیز آنچه اپورتونیسیتها آنرا نامندگی میکردند، بودند آنچه شما امروزه مئی "انقلابی" گذشته رزمندگان را احیا نموده اید.

آنچه روشن بود انحرافات که در محفلات قبل نیز توضیح دادیم، بعنوان یک جریان فکری غالب بر رزمندگان (و نه صرفا توسط افراد تاملند - گر) عمل می نموده است و حیثیات سیاسی رزمندگان را روز بروز بیشتر به ورطه اپورتونیسیم می گشاند. درست است که جریان مخالفی با جریان حاکم نیز وجود داشت، لیکن هرگز مواضع آن بر رزمندگان غالب نبوده و در آن انعکاس نمی یافت. بالعکس مواضع "انفراد توطئه گرا اپورتونیسیت" بود که بعنوان مواضع غالب بر رزمندگان منتشر میگشت. و در این راه نه تنها بخشهایی از توده های رزمندگان با آن همراهی می نمودند، بلکه اکثریت غالب رهبری رزمندگان نیز خود همراه و در اندامی با مواضع "افراد اپورتونیسیت" قرار داشته (و یا لااقل دنباله رو آنان بوده اند) و هم از پشت سر گشت

این مواضع امکان انتشار می یابد. مگر ممکن است تنها فرد اپورتونیسیت مذکور در مرکز نیست رزمندگان دارای انحرافات فوق بوده باشند لیکن مواضع این مرداقلست، بعنوان مواضع رهبری رزمندگان و در حقیقت مواضع اکثریت منعکس گردد. مگر چرا این می توانست باشد که در کلیه انحرافات که در شمار قبیل سده آن برداختیم دست کم اکثریت رهبری رزمندگان با اپورتونیسیت مذکور همرا و شریک بوده اند و با دست کم نسبت به آن موضعی مماشات حیوانه داشته اند. از طرف دیگر اپورتونیسیم که امروزه منتعین و ارت آن هستند، جبری جز "تکا مل" مئی و برنا مه اپورتونیسیتی بنس رزمندگان نیست. انحراف اپورتونیسیتی در جریان روند خوداگر تصحیح نشود، تعمیق میگردد و راه ارتداد را در پیش میگردد. این حرارتا ریح است. انحرافات اپورتونیسیتی رزمندگان در گذشته نیز در روندنا نقطه خویشت، نمی توانست بود چیزی جز آنچه امروز منتعین و ارت آن هستند بیا انجامد. بدین ترتیب اولاً جریان فکری اپورتونیسیتی غالب بر رزمندگان در گذشته، بخشی از رهبری و توده های رزمندگان را نیز شامل می گشت و بسیاری را نیز بدینال خود میکشید و بعنوان مئی غالب در رزمندگان منعکس میگشت. ما بنا افراد اپورتونیسیت منتعین امروز آنچه چیزی بنسند که در ورور بوده اند و نباید با چنین ندیدهای بصورت اپورتونیسیتها ی خلق الما عه و توطئه گیری که ما را ش نموده بودند، برخورد نمود. دارو دستها تعادیه، اکثریت و... نیز امروزه دقیقاً آن حسیز نیستند که در گذشته بودند. آنان در تکامل حسیز و ناگزیر روند تعمیق انحرافات بخوس، ناگزیر به ارتداد در غلطند. اگر بخوا هم عا مانه و نه ما رکیستی به بررسی تکامل پدیده ها بنسینیم، آنگاه ما به بکوشیم مئی وینس حاکم بر اتحادیه، اکثریت و... به ما به تکامل انحرافات گذشته حاکم بر آنان نبوده و بر سه درمی و برنا مه گذشته آنان نداشته است، بلکه آنان به مئی انقلابی گذشته خوش برداخته اند و در حقیقت سه روایت ساتھ اندیشان هوادار را شرف دهقانی کودتاگران و توطئه گرانی وجود داشته اند که ابتدا خود را بنیان نموده و با استفاده از ضعف و ابها و... دست به "کودتازده" سازمانما را از مواضع بنسین گسخته اند. از پشت سر که به نظرها ذکر است که مئی گذشته رزمندگان انقلابی بوده و مئی کنونی رزمندگان نیز انقلابی است پس اینان احیاکننده مئی انقلابی و اپورتونیسیتها میکنند مئی انقلابی بنسین بوده اند. اما با انحرافی اساس توصیف ما به درجای عوام قابل قبول باشد، لیکن برای ما رکیستی که مبدان آن مئی "انقلابی" بنسین به حضان انحرافی آلوده بود که اپورتونیسیم مسمعی نتیجه تکامل آن به شما برورد، و این مئی - انقلابی کنونی مئی "انقلابی" گذشته شما برورد قابل قبول نخواهد بود. شما شکه

یک ما رکیست مئی بنسین در جریان "مئی - انقلابی" گذشته "رزمندگان، انحرافات اپورتونیسیتی و ریز سوسالی در بر خورد سده شوروی، شدرت سیاسی و در نهای فخلق - ضد امپریالیست، روند کودتا، اتحاد عمل علیه ضد انقلاب مغلوب و دهها نظریه اپورتونیسیتی دیگر وجود دارد. مئی یک نمیتواند اپورتونیسیتها مئی منتعین امروزی را ادا مدهنده واقعه مئی انحرافات بنسین نداند. در واقع اپورتونیسیتها التقاط و دوگانگی "مئی - انقلابی" گذشته را در هم کسبه و در هم ریم و اپورتونیسیم سکران بدل نموده اند. برای یک ما رکیست مئی کنونی رزمندگان در مئی گذشته گاههای غالب گذشته رزمندگان شکل گرفته است، بنا بر این نه تنها مئی کنونی، احیای "مواضع انقلابی" بنسین به حساب نمی آید، بلکه مستحکم بنسین در آنها سمار برورد. بنسین در بر خورد سده ریز سوسالی امپریالیست بنسین در روند جامعه و جسم انداز روند کودتا، بنسین در تحلیل از قدرت سیاسی، بنسین در تحلیل اتحاد عمل در قبال ضد انقلاب مغلوبه بنسین در قبال جنگ و... آری مئی کنونی رزمندگان اگر حفظا را تدا مدهنده مئی گذشته بنسین در قبال ما در حقیقت در نقطه مقابل مئی وینس کده خود را دارد.

اما علت اصرار رزمندگان بر این بنسین واقع را طوری حلوه ده که کمتر دان مئی گذشته بر رزمندگان را بگرد مئی کنونی را احیاکننده مواضع گذشته نمانده در حسیز صریح راجحه های انکساره ای و مصلحت گرانی - به ای که مسوا بند را تعاد حسیز روسی مونسر ما شد، بنظر ما مسئله اساسی از کراسی سا نترستی کنونی است، گرایی که بجای قطع کامل سوندنا اپورتونیسیم گذشته حاکم بر رزمندگان، میکوشد خود را احیاکننده آن جلوه داده و در حقیقت بر عی انحرافات بنسین برده ما تر افکنده و آنرا کمرنگ جلوه دهد. ما به رفقای رزمندگان گوشزد میکنیم که جنبش گرایی، سا نترستی و آسی طلبانه ای با مواضع گذشته، نمیتوانند در دل خود اپورتونیسیم نوسنی را رسد ده که در صورت عدم برخورد با آن جاد برای اپورتونیسیتها منتعین بگذارد. به نظرها همچنان که در مئی گفتم ضروری است که رفاقا تدا م ما رزه بدشولوزیک علیه کلیه انحرافات بخوس و از جمله قطع کامل با مواضع بنسین، مواضع م - ل خوس را ارتقا داده و با تگسه بر خط مئی برولتری در امر تحقق وحدت جنبش کموسیمی مورا فسد.

اما هرگاه رفاقا نخواهند اپورتونیسیم گذشته خوس طوری برخورد نمایند که خود را از آلودگی بدان مراد اندر بعضی اساسی مواضع گذشته را در سیدل خصی از آنان به سوسال شوینیسیت (که رسته در عمق تزلزلات و انحرافات بنسین در صفحه ۲۵



جنبش کارگری

توضیح:

رژیم جمهوری اسلامی که مدافع طبقه سرمایه دار است علیرغم تمام عوامفریبیهایش تا چار است که بیبوسته ما هیت فدکا رگری خود را نشان دهد. سرکوب مدام کارگران، نابود کردن تشکیلات کارگری، مسفر کردن حقان در کارخانه، حذف بها روزانه، حذف با دای و عیدی سالانه کارگران و... همه و همه ساد بدست حکومت اسلامی تا طبقه کارگران است. طبقه کارگر سرگردن سس ارسس به ما هت ارجاعی رژیم و سپادهای وابسته آن سی مسردنطور روز افزون سه مبارزه علیه سرمایه داران و رژیم فاسد حاکم دست مسرد. رژیم نبرسرای دفاع از سرمایه داران ارسکوب و کسار کارگران هج اناشی ندا رد. هجوم صدامتلاسی با سداران مرتنع به کارگران شهر ما ن کفس ملی خود سونه کوچکی! ما هیت جنا سکتا را نه رژیم مسبا شد. ما در زیر سه درج اعلامیه ای که توسط سیکا رگران کفش سسازنی انتشا ریافته، اقدام میکنیم:

گلوله و زندان "عیدی" رژیم به کارگران

مردوزان رژیم نیمه شب دیشب وحشیانه به اجنماع کارگران کفش ملی حمله کرده و با گارانگ آور و ر - ۳ چندین کارگر را رحمی کرده ها سقر ا د سسگر نمودند.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز تهران!

صدی استراض خود را علیه سرمایه داران سسند و انا هت سسند اورد رژیم جمهوری اسلامی بجای حواسه های ررحو کارگران سسیده سسور ا سس طنه ر ا سسک آور و زندان نصیب آنها کند.

علیه حزب جمهوری، علیه لبرالها، زنده باد پیگار سسوده ها
سسر قرار باد جمهوری دم سسکرات سسک خلا

سازمان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر
(تشکیلات تهران)
۵۹/۱۲/۱۴

گلوله پاسدار: عیدی رژیم جمهوری اسلامی به کارگران کفش سازی

هفته های اخیر تمام خواب و خیالهای دولت سرمایه دار ری حاکم را نقش بر آب کرده است. از هفتنه گذشته اعترافات کارگران در اکثر سسکت - های کفش ملی آغا زشده و حتی منجر به اعنصا سات براکننده و جلوکبری از فروش محصولات هم شده بود اما زمانیکه این مبارزات براکننده دیگر جاره کار نبود، کارگران با راهیماشی ۶ هزار نفره خود در محوطه کارخانه و با دادن شعارهای: متحد و کمدا علیه قانون کار، آزادی کارگر حق مسلم ما است!، قانون بدست کارگر ا یجاد باید گردد، این هیئت مدیره ا خراج باید گردد! نمایش باشکوهی از قدرت بی باسان طبقه کارگر را به سرمایه داران مفتخور نشان دادند! قدرتی که تنها در اتحاد و پیوستگی ما کارگران وجود دارد و بیس! کارگران ساگروگان گرفتن ۵ نفر از هیئت مدیره دست به تحصن زدند. در جمع کارگران، فدائیان اکثریت که ظاهر اولیاس طرفدار طبقه کارگر هستند ما در عمل از سسب سه طبقه کارگر خنجر مسزند، برای خاموس کسردن مبارزات ما کوشش کرده و با کفش اینکه "دولت نما سندگان را آزاد مسکنند" کارگران راه سلیم دعوت مسکردند. اما کارگران با شعار مرگ سسر ساز سکا ر، توطئه های کنسف آنها را خنثی مسکردند. نسبه شب جبار سسبه با سداران سرمایه سسافتنگیهای آمریکا شی وک زهای اسک آ و ر حسانه به تحصن ما کارگران بیورس برده و شروع به سسر اندازی کردند. با سداران که در وحشگری و

با در و به کارگران سسرافتمند کفش ملی که با اتحاد همین خود در مقابل توطئه های سرمایه داران، با سداران، و رژیم حاکم، قهرمانان سه مبارزه میکنند!
کارگران مبارز کفش ملی!
وقایع خونین چهارشنبه ما ر دیگرم ما هیئت فدکا رگری هیئت مدیره و با سداران و دولت حامی آنها را به ما نشان داد. حرین از آنجا شروع شد که ما برای گرفتن سودویزه (که حندا ما هیتس به دستور سینی صد ر حما بیت حزبی ها لغوشده بود) نما سینگان مبارز خود را برای مذاکره با هیئت مدیره فرساده بودیم. "کا م خوش" مدرعا سسل چرم ر حشان با کمال وقاحت نه نما سندگان ما میگویند که فقط حاضر به برداخت یکما ه حقوق بدون هیچگونه با دای و مزایا هستند. کارگران که در این سب عیدی و با این گران و مخارج سنگین، جسم سمدشان به این سودویزه برای روبرا ه کردن و سسغان بود، از این گفته هت - مدیره سسخم آمده و کام خوش را کتک مسبزند. سه دنمال این حران ۲ نفر از نما سندگان مبارز و واقعی ما کارگران دستکس شده و زمانیکه سسر نما سندگان از آنها حمایت و سسسانتی مسکنند ۷ نفر در دستگیر و روانه زندان مسنوند. رژیم از ترس اوج کرمس مبارزات متشکل کارگران، نما سندگان ما را به حرم دفاع از ما فسسح و خواسته های بحق ما کارگران به زندان سسی اندازند. اما مبارزات کارگران کفش ملی در

بیرحمی دست کمی از کاردهای سرسرده شاه خاش نداشتند، مسخوا سسند با ریختن سسوسون کارگران، جسم و نفرت ما را به طبقه کارگر و خوش خدمتی ما را به سرمایه داران نشان دهند شدت برتاب کارهای اشک آور در آن نیمه شب بحدی بود که بسیاری از کارگران حالت خفگی سسدا کرده و سسپوش شدند. در این هنگام کارگران که ما هت هیئت مدیره و با سداران سس ارسس براسان روسن شده بود، کسبه و نفرت خود را به آنها با دادن شعار: مرگ بر با سدار! با سدار حما می سرمایه دار! نشان دادند. کارگران فراموس نکرده اند که دروزا و اکنهای مزدور کارگران جهان حسرت را در کاروان سراسر سسکی سدا خاک و خون کسیدنند امروز این سه کارگران زحمتکش کفش ملی است که با به هدف گلوله های آمریکا شی با سداران قرار بگیرد. این وقایع نشان مسدهد که دولتهای حما می سرمایه داران هم سه و همه ما مبارزات بحق کارگران را با سرحمی شما مسکوب میکنند. کارگران مبارز کفش ملی!
ما ما مبارزه متحد و سسکس خود ما سسوزه سرمایه داران و رژیم حاکم را به خاک مالیده ام اگر با سداران مسلح برای سرکوب ما ارسلاج کرم استعا ده کردند، سسلب ضعف و با توانی آنها در مقابل اتحاد و همسستگی ما کارگران است. ما برای اینکه همجان مبارزه خود ما را ادا نه دهیم ما سدهمجان مسدهوده و عا سسرار سسگار و مدکا رگر را در ما ن خودا مس کرده و سسرون کنیم. ما می ساسسی حواها ن آزادی هر چه رود سسر نما سندگان خود سسوم. ما می ساسنی حواها ن ا خراج با سداران از کارخانه سسوم، فقط ما سسغه در صفحه ۲۵

آوارگان جنگ ارتجاعی رژیم را افشای کنند

اصفهان - ملک شهر: مسئولین رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۴ بهمن فرم‌هایی را به سان آوارگان مستقر در آپارتمانهای ملک شهر آورده و برای فریب آنان میگویند که اسن فرمها مربوط به کوسن، بهداشت و خاموشی است و به همین بهانه از عده‌ای از آنان امضا میگیرند. اما از آنجا که آوارگان زحمتکش در طی این مدت تا حد زیادی به ما هت رژیم می برده و بارها مح عوامل رژیم را در دروغگوئی با زکرده اند، به فرمها ننگ کرده و در بعضی از آپارتمانها با خواندن آن دست به افشاکاری میزنند. بتدریج سایر آوارگان با خبر میشوند که در اسن فرم، نه تنها تهمت بی عفتی به زنان زحمتکش آواره زده شده است، بلکه قضا در ندادن آوارگان تعهد میگیرند که چنانچه طبق مقررات تحمیلی ارتجاعی در اردوگاه، عمل نکنند آنان را به جبرفت تبعید نمایند. زحمتکشان آواره در روز ۲۶ بهمن به نشانه اعتراض در جلوی دفتر اجتماع کرده و با شعار "ما به جبرفت نمیرویم، حتی اگر میرویم" خواهان برگرداندن فرمها شده و تشکیل شورای واقعی میشوند مسئولین رژیم که وحشت کرده بودند قبول میدهند فرمها را تحویل آوارگان بدهند. آوارگان با شعار "فردا ساعت ۹ همینجا" متفرق اما مسئولین رژیم فردای آنروز قبل از ساعت یاد شده فرمها را به بلوکها آورده و سپس میدهند و برای سنگ اندازی در راه انجام شورای واقعی آوارگان اعلام میکنند که اگر کسی خواسته - ای دارد به شورای فرمایشی مراجعه کند، اما آوارگان با پی بردن به ماهیست ارتجاعی رژیم و ارگانها اسن در راه تشکیل شوراهای واقعی و تحقق خواستهایشان به بیست میروند.

خودکشی، ارمغان دیگر جنگ ارتجاعی

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در ادامه جنگ ارتجاعی کنونی، هر روز تعداد بیشتری از فرزندان خلق را به گوشت دم‌توب خود تبدیل میکند. رژیم آنسان سربازان و منقضی خدمت - های ۵۶ را تحت فشار قرار میدهد که برخی از آنها حنا بر ما ریهای روان میگردند، چنانکه در اوایل بهمن ماه "رثوفی" منقضی خدمت ۵۶ که قتل میهنس برق در شرکت آستون بوده، برادرش فنارهای شیدروچی در حین جنگ! خنلال روانی

اخبار جنگ

بهدا میکند. ابتدا او را به بیمارستان منتقل میکنند اما در آنجا هم ساداران سرمایه مرتب او را تحت فشار قرار میدهند و او نموده میکنند که وی برای گرفتن مرخصی "خود را به دیوانگی زده است". سکار با ساداران او را سبب کتک میزنند و سرانجام پس از ۶ روز بستری شدن در بیمارستان، دوباره به حین انتقال ما دوسین از چند روزی که دیگر در خود توان مقابله با اسن فشارها را نمیدید، با تک گلوله به زندگی خود خاتمه میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که فقط به منافع خود می اندیشد، نه تنها به معالجه سماران توجهی ندارد، بلکه آنها را همچنان به حینهای جنگ گسل سدارد و تحت فشار قرار میدهد. آری، اسن رژیم است که برای حفظ منافع فذخلعی خود اسن چنین فرزندان خلق را در حینهای جنگ ارتجاعی قربانی میکند و حتی آنها را به خودکشی وامیدارد.

نگاهی به وضعیت آوارگان جنگ ارتجاعی در تهران

۱- دهکده المپیک

این اردوگاه را حدود ۶ خانوار از آوارگان جنگی مماندره کرده و در آن سکنی گزیده اند. رژیم هم طبق معمول کمیتتهای دریکسی از ساختمانها معتقد کرده که آوارگان را تحت کنترل دارد. آوارگان نمائندگان از میان خود در شورای سراسری آوارگان شرکت میسند. دارند که رژیم خراس اسن از آنان را دستگیر کرده است. کمکهای مردمی سوسله با سسنا ران دزیده شده و فقط مقدار کمی از اسن آوارگان تقسیم میشود. ساداران سرمایه، از وحشت تخاس سبروهای انقلابی سا آوارگان، رفت و آمد اردوگاه را عید اید تحت کنترل دارند. مسئولین رژیم ما عوامر می و اموده میکنند که وضع آوارگان ساکن المسک سینرا سا سارا آوارگان است. یکی از جنگ رده ها میکت: "آوارگسان حادرسن را ناسدا ما که حداقل حائی برای زندگی داریم میا سه کرده، بلکه ما سدا سارا ما با بالایی سربک صفت ما سه کرده الان در هتلیای "کمودور" و "روبال کاردن" زندگی میسند و ما محتوی و مرابای کامل خود را سبر میسند".

۲- قصر فیروزه

در قصر فیروزه واقع در حاسان سد-روزی حدود ۲۳۷ خانوار ارگان کمرک خرمنشیر اسکان داده شده اند. آوارگان در اسن جا هم ما ناسدا سارا ردوگاهها در مصنعه و تنگنا سوده و در مقابل خواستهایسان با وعده های سرخرمن طرف رژیم روبرو هستند.

۳- خوابگاه شماره ۲ دختران

دانشگاه صنعتی شریف

در اسن خوابگاه حدود ۱۷۰ آواره زحمتکش زندگی میکنند، مسئولین مرتجع رژیم در اسنجا هم ارتشکل شورای واقعی و انتخاب نماینده از طرف آوارگان و حسب داسته و سر علیه آنها توطئه میکنند.

۴- خوابگاه شماره ۱ پسران

دانشگاه صنعتی شریف

در اسن خوابگاه هم حدود ۷۰ نفر از زحمتکشان آواره مستقر هستند. علاوه بر آوارگان حدود ۲۰ دانشجوی دختر نیز در آنجا اقامت دارند، که آوارگان در مقابل فشارهای رژیم ارتجان دفاع میکنند تهدید به اخراج و تبعید به حیرفت که یکی از حربه های رژیم است مثل حمایت هسسه بالایی سارا آوارگان فر دارد. جنگ زده آواره ای میکت: "مثل اسکه جبرفت تسعیدگاه انقلابیون آواره است". ساستهای رژیم ارتجاعی در رابطه با آوارگان، سرکوب، فشار و دستگیری عناصر انقلابی است. برای مقابله با اسن ساسن تنها راه، مبارزه هر چه مشکل تر و معتد تر، آوارگان و سوسند اسن با جنبش کارگران و زحمتکشان میا شد.

مصاحبه های فرمایشی در میدان جنگ!

"ما بارها اسن مسئله تکنه کرده اسم که رادسولتوسون هسسه در خدمت قدرت حاکم اسب وسعوا سکی از اسارهای حاکمیت عمل میکند. سراس اسن رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه جنگ را دارای "خبر" میداند، از ادب و بلور سون هم ما ننده سسنا بوق شلغاتی و توجه مواج ارتجاعی خود استفاده میکند. به مطالب زبر توجه کنید:

- برای نشان دادن "سادت سبروهای اسلام" اسکه ناسب کنند که "قوی کفر" زبر سار "مسلم" تربت سس کنند هم بدارند، حصراب محسوسه محبه ساری هسند اسن! اسن مسلم بگیرد و سخوردمردم بدهد. سسین تربت که مقداری ر

سعه در صفحه ۲۵

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

عوامفریبی و دروغ‌پراکنی: جلوه‌های از اپورتونیسیم "راه‌کارگر" در اخلاقیات!

راست است که اپورتونیسیم‌نیتوانند تنها به سیاست محدودیابی بمانند بلکه در روند تعمیق انحطاط خویش به‌ا بدشولوزی و اخلاقیات نیز کشیده‌خواهد شد. "راه‌کارگر" که در ابتدای حیاتش با تحلیلیاتی که بیشتر با طبع لیبرالها بود سخن از فاشیسم میگفت و ضرورت مقابله با وسیع (همراه لیبرالها) علیه "فاشیسم" را علم مینمود. "راه‌کارگر" که با "برخی ابهامات و ایرادات" در مورد شوروی آغاز زیدودر "سوسیالیستی بودن" آن نیز اظهار تردید مینمود! و... آری، امروزه پس از گذشت دو سال از حاکمیت رژیم و حیات "راه‌کارگر" اپورتونیسیم‌ریشه‌دار "راه‌کارگر" بعد از کلی موضع عوض کردنها و "رفع ابهامات"، آنچنان رشد نموده که امروزه او را بدنبال "اکثریت" خاشن روان ساخته است، بطوریکه با یکی دوگام فاصله راه او را می‌رود "راه‌کارگر" نیز (البته تنها با برخی مرزبندی) جنگ را عادلانه میدانند، افزایش تولید توسط کارگران را تبلیغ مینماید، تحت حاکمیت رژیم صلح پایدار در کردستان طرح مینماید، از حرکت سفارت پشتیبانی مینماید، راه رشد غیر سرمایه‌داری را در کوبا تحسین میکند، از نزدیک مناسبات خارجی دولت ایران با اردوی سوسیالیست امپریالیسم بعنوان یک سیاست مثبت نام میبرد (که البته تاسف "راه‌کارگر" از آن است که جمهوری اسلامی نمیتواند چنین سیاستی را بصورت پایدار دنبال کند)، ضرورت نزدیکی نیروها با اردوی رویزیونیسم و سوسیالیست امپریالیسم (البته تحت هژمونی پرولتاریا!) را تبلیغ مینماید، از استقلال سیاسی حکومت دفاع میکند و دست آخر همچون فدائیان در گذشته، در زمانی که گام به گام بورژوازیونیسم درمی‌غلظند و جنبش کمونیستی را "نازیست و سندیکالیست" (آنها را کوسندیکالیست) میخوانند، امروزه "راه‌کارگر" نیز خطاب به نیروهای کمونیست و بویژه "مسما" از "انحرافات آنها را کوسندیکالیستی" نام برده و میگوید که راه "راه‌کارگر" است. هداست کند. روند اپورتونیسیم بد مذموم‌زبانده "راه‌کارگر" نظور ناگریرونیایی آنها را در کنار اکثریت حای خواهد داد. اما "راه‌کارگر" برخلاف اکثریت این روند را بصورت ناشانه طی نمیکند، تا در جنبش رسوا نگردد! "راه‌کارگر" میگوید که انحرافات رویزیونیستی خویش محمل تشویق بخشیده و با دفاع فعال از انحرافات خود از یک سو و حمله به نیروهای کمونیستی دیگر، خود را "وفادار" به مصلحت نشان دهد و ژستی حق به جانب بگیرد.

اما از آنجا که "راه‌کارگر" اپورتونیسیم‌نیتوانند انحطاط فکری خویش را در عرصه‌های دیگر و از جمله اخلاقیات و شیوه برخورد بروز ندهد نگاه می‌به‌عوامفریبی‌های "راه‌کارگر" و دروغ‌پردازیها بش می‌توانند این دعوا را ثابت نماید. این رسم عمومی اپورتونیسیمها و رویزیونیستهاست که توجیه مواضع بورژوازی خود را با نسبت دروغ دادن به دیگران، با جعل

و تحریف درمصلحت آرایش دهند. بیاد آوریم که چگونه سا زمان رزمندگان تحت هژمونی اپورتونیسیمهای منشعب کنونی زمانی که کوشیده‌مبارزه‌ا بدشولوزیک ما ساخت دهد، در نوشته‌های ۶ صفحه‌ای تنها با بر حسب زدن، دروغ پراکنی، انتساب نسیتهای دروغ و از خود ساختن و سپس نقد آن و بیگاری شیوه‌کا ملازمتند و بورژوازی، به ما رزه‌ا بدشولوزیک علیه ما پرداخت، و مدالسته تنها چیزی که ما ساخت نگفت همان محتوای نقد ما از انحرافاتشان بود. "راه‌کارگر" نیز در قبایل عموم مبارزه‌ا بدشولوزیک

بررسی مسروح علل جنگ ایران و عراق موضوعات مطروحه در جنگ، اهداف آن و رهبری جنگ و سببستی که قتل از جنگ دنبال مسکنت برداشتم و نظرات اپورتونیسیتی نظیر "راه‌کارگر" را به تفد کسیدیم، تا کنیک عمومی خود را در قبایل جنگهای ارتجاعی (و از جمله جنگ ایران و عراق) که تبدیل آن به جنگ داخلی (و روبرج این شعار) بود توضیح دادیم. و در مقاله "رزمندگان: ما رکیسیم با رویزیونیسم" تحریفات رویزیونیستی را "کارگر" و رزمندگان را در باره تاریخ جنگ جهانی دوم جنگ آلمان و روس و... به تفد کسیدیم و بنیان

● اما از آنجا که "راه‌کارگر" اپورتونیسیم‌نیتوانند انحطاط فکری خویش را در عرصه‌های دیگر و از جمله در اخلاقیات و شیوه برخورد بروز ندهد نگاه می‌به‌عوامفریبی‌های "راه‌کارگر" و دروغ‌پردازیها بش می‌توانند این دعوا را ثابت نماید. این رسم عمومی اپورتونیسیمها و رویزیونیستهاست که توجیه مواضع بورژوازی خود را با نسبت دروغ دادن به دیگران، با جعل و تحریف درمصلحت آرایش دهند.

لوزیک ما با ایشان، به چنین روش اپورتونیسیتی که شایسته آن مواضع شیوه‌ست، دست باز زد و آنها را قیامهای حق بجا نماند! ما نظرات رویزیونیستی "راه‌کارگر" را در برخورد به رویزیونیسم و سوسیالیست امپریالیسم به نقد کشیدیم و "راه‌کارگر" ما جز از سخگوشی، تنها گپگهای با استیذانظر را در سراسر اردوی سوسیالیسم مورد تمسخر قرار داد. ما در کور و بویزیونیستی ایشان را از "سوسیالیسم بی‌بیمار" در لهستان به نقد کشیدیم و "راه‌کارگر" ما جز از سخگوشی، ما زهم در یکی دو سطر حرف ما که "سوسیالیسم، سوسیالیسم است" را مورد استیذان قرار داد و از زیا سخگوشی ظفر هزمت، ما تگوری اپورتونیسیتی دفاع از استقلال سیاسی حکومت "راه‌کارگر" را به نقد کشیدیم، ایشان در پاسخ بجای توضیح علت "دفاع از استقلال سیاسی حکومت ضد انقلابی" که مبنای تئوریک آنها ما در مقاله ما رکیسیم و رویزیونیسم تحت عنوان تئوری رویزیونیستی انتخاب بین بدودتر (برخورد توحیحی به ضد انقلاب) به نقد کشیدیم، از اصل موضوع ظفر هزمت و کوشید با دروغ‌پردازی و نمود کنند که ما استقلال سیاسی نسبی را قبول نداریم و از استروا کونومیسیت هسیم، اوبدین تر نیب از توضیح تئوریهای رویزیونیستی حویس (برخورد توحیحی و دفاع از استقلال سیاسی حکومت ضد انقلابی) ما زهم ظفر هزمتند. از دستگیر خوردهای عوامفریبانه "راه‌کارگر" در برخورد به مسئله جنگ بروز نمود، ما در مقالات متعدد تئوریهای اپورتونیسیتی عادلانه خواندن جنگ را به نقد کشیدیم. در سکا رتئوریک ۱، به



رفیق شهید مالک عباسی: کمونیستی که در راه آگاهی ورهایی زحمتکشان جان داد.

نام: مالک
عقل: زکارگر
هواد: ارسازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت: در بر خورد ترکش توب در روز ۲۱/۷/۵۹ در اهواز شدت زخمی صمود.
روز شهادت معلوم نیست.

رفیق مالک با آموزش ما رکیسم لنینیسم و بهره گیری از تجربه کارگری خود همواره بشتکار و خصوصیات کمونیستی و کارگری تاکید میکرد. او پس از شنیدن خبر تیرباران رفیق احمد مودن میگفت: "رفقا، با شهادت هر رفیقمی وظیفه کمونیستی ما سنگینتر میشود، ما باید به ارتجاع بقیما نسیم که جای رفقا خالی نمیمانند".
رفیق مالک پس از آغا ز جنگ ارتجاعی با اثر زی بیشتر و روحیه ای عالی به انجام وظایف تشکیلاتی پرداخت و شب روز بسیاری توده های آسیب دیده میشتافت.

روز ۲۱ مهر ماه ۵۹، هنگامیکه رفیق کتساب منتخب آثا رلنین را همراه داشت و برای مطالعه با تفاق رفیقی آغا ز خانه بودند در اثر ما بست ترکش توپهای دورزن ارتش ارتجاعی عراق زخمی شد، رفیقش که در اثر ضربت کج شده بود از نحوه اشتغال رفیق مالک اطلاعی نمیباید طبق اطلاعات بدست آمده، رفیق بعد از در بیمارستان لقمان الدوله تهران بستری بوده ولی در تحقیقاتی که بعد از عمل آمده خبری از او بدست نمیباید. احتمال قوی اینکه با ساداران ارتجاع از روی کتاب و مطالب سیاسی دیگری که همراه رفیق بود پی به کمونیست بودن رفیق برده وی را دزدیده باتند وجود دارد، او ز پدر رفیق نیز که برای ارتش بار مهمات حمل میکرده خبری نیست. این خانواده زحمتکش در شرح جنگ ارتجاعی کنونی صدمات زیادی دیده است.

ارتجاع از دادن جنازه رفیق کمونیست ما خودداری کرده است، رژیم ارتجاعی میبندد که خون سرخ کمونیست ها تجسم کینه طبقاتی آنها علیه سرما یه داران است و به همین خاطر نسبت به کمونیست ها شدید تر دشمنیها میورزد و نه است ببرحمی طبقاتی خود را نشان میدهد.

رفیق پیکارگر و شهید مالک عباسی کارگر آگاهی بود که راهی خود و طبقه اش را در پیوند با سوسیالیسم علمی و مسلح شدن به جهان بینی تا ریضا ز طبقه کارگر برده بود و در جهت گسستن زنجیرهای ستم و استثم را طبقه کارگری و رفیقان جنگی ارتجاعی ای شده دشمنان طبقاتی اش برای مکیدن او و هم زنجیرانش بر زحمتکشان ایران و عراق تحمیل کرده اند.

ما زمان ما، یک رفیق صدیق و یک کمونیست پیکارگر دیگر را در شرح جنگ ارتجاعی رژیم های ایران و عراق از دست داد.

رفیق شهید مالک عباسی، از فرزندان مبارز خلق عرب بود که از کودکی با رنج و ستم آشنا شده بود. رفیق از ۱۱ سالگی به کارگری پرداخت چندین سال بعنوان کمک را ننده نزد پدرش کار میکرد و سپس در یک کارگاه فلزکاری مشغول کار شد و تا پایان زندگی کوتاه ولی پرثمرش در آنجا به کار ادامه میداد. رفیق شهید ما، به علت داشتن غصه های مبارزه جویانه و محیط زندگی و کارش در جریان مبارزات پر شور توده ها بر علیه رژیم منقور شاه و امپریالیسم در دوران قبل از قیام مبعین به صف نبرد توده ها پیوست و با کسب آگاهی سیاسی، در زمره هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق درآمد، اما رشد آگاهی کمونیستی رفیق، وی را به مرز بندی با ماضی و مواضع آن سازمان کشانید. رفیق در اثر آشنائی و ارتباط سیاسی با رفقای پیکارگر در اهواز بویژه رفیق شهید احمد مودن، به صفوف هواداران سازمان ما پیوست و تا لحظه شهادت با اعتقاد راسخ به سوسیالیسم و لنینیسم و عشق به آزادی طبقه کارگر به مبارزه ادامه داد. رفیق در ماههای آخسر زندگی در بخش محلات سازمان فعالیت میکرد. رفیق مالک از فعالین جنبش کارگری بود و از اعضای هیئت موسس سندیکای فلزکاران اهواز بشمار میرفت. کارگران اهواز رفیق مالک را به خاطر مبارزات و اندک با انبوهی از نشریه و اعلامیه برای آگاهی دادن بتوده های زحمتکش بمیان آنان میرفت. رفیق کینه ای آشتی ناپذیر به سرما یه داران داشت و آموزشهای کمونیسم را در مبارزه طبقاتی، در زندگی و فعالیتهایش بکار میگرفت. رفیق یکبار در محل کارش همراه تعدادی از همکارانش دست به اعتصاب زدند و سرانجام از آنها حقوق درخواستی را از کارفرما گرفتند.

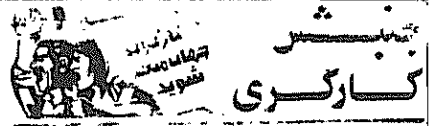
رفیق مالک پس از کار خسته کننده روزانه با روحیه ای سرشار از عشق و کینه طبقاتی بمیان توده های زحمتکش در محلات کارگری و فقیرنشین میرفت و بذرا آگاهی میباشید. رفیق در جریان سیل سال گذشته خوزستان بطور خستگی ناپذیر همراه با همزمانش به باری سوده های سیل زده شتافت

را بطه با مسائل امنیت خلیج فارس چیست؟ برزنف صحبت از تقسیم منطقه از طریق سازش میکند. امپریالیسم شوروی به آمریکا میگردد امروز اتفاقا نستان زیر سلطه کشور ما است و به همین خاطر آمریکا نباید در مورد اخلی آن مداخله کند لیکن میتوان در سطح منطقه با به رسمیت شناختن سهم هر یک از تقسیم سرزمینها به توافق جدیدی رسید. امپریالیسم شوروی به امپریالیسم آمریکا میگردد شما فتوادها را در افغانستان مسلح نکنید و واقعیت رژیم مزدور وابسته به مکتور پذیرید، ما در سطح منطقه و با بین المللی میتوان در باره امتیازات متقابل به توافق رسید: توافق در باره ایران، توافق در مورد بیگانه های جدید، توافق در مورد استقرار ناوگانها در آبهای خلیج و اقیانوس هند، توافق در باره جنگ ایران و عراق! توافق در مورد پاکستان و بلوچستان شرقی! توافق در باره سلاحهای استراتژیک امپریالیسم برای همه این امکانات بازمیگردد تا مورد بحث و مذاکره قرار گیرد، بشرطی که اتفاقا نستان در زیر سلطه امپریالیسم شوروی باقی بماند.

بدین ترتیب متوجه میشویم که اساس سیاست پیشنها دی سوسیال امپریالیستها در عرصه مسائل بین المللی، طرح تاکتیک سازش های جدید با امپریالیسم آمریکا است، البته امپریالیستها هیچگاه از رقابت و تحت شرایط معینی از جنگ با یکدیگر با نندارند، آنها برای غارت جهان حاضرند میلیونها کارگر و توده های تحت ستم را در آتش جنگ امپریالیستی خود بسوزانند، اما آنچه که حائز اهمیت است اینست که شوروی با توجه به مشکلات عدیده ای که در اروپا توجه به تناسبات در سطح بین المللی سیاست این دوره خود را برپا به ناکتیک سازش جدید با آمریکا قرار داده است البته شوروی بارها و بارها در گذشته به سازش با آمریکا دست زده است، لیکن در نطق برزنف تاکتیک سازش بر جستگی خاصی دارد، و پرواضح است که این امر نافی سرکوب مملحنه خلقها و تاج و تبه کشورهای دیگر و بارگیریهای نظامی غیر مستقیم میان شوروی و آمریکا نخواهد بود. نطق امپریالیستی برزنف در کنگره ۲۶ یکبار دیگر ما هیت تحاوز - کارانه شوروی را بنمایش گذاشته و بروشنی نشان میدهد که شوروی برای سرکوب بیرونیها و خلقهای جهان و غارت و جباول سرزمینها چگونه با امپریالیستهای دیگر دست به سازش میزند.



درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق



وحشت رژیم از اجتمع کارکنان پالایشگاه اصفهان!

از مدتها قبل برای فنی علمای سرای
رسدگی شده با رسانندگی کد در عملکردی جهت
بمخویش به خواستار کارکنان و همچنین
عملکرد بدتر در برودت در مجموع به تکمیل
اجتمع عمومی کرده شد اما عوامل رژیم احمق
اسلامی، شورای اسلامی، بدست و اسناداری
کدار بر کوه شکل اسلامی کارکنان، وحشت دارند
به تنگ پوا رساندند تا جلوی این مجمع را بگیرند
اما با وجود این قرار شد روز ۴/۱۱/۵۹ این گروه
همایشی تکمیل شود.

وحشت رژیم از این گردهمایی بحدی بود که سب
فصل آن در تلوویزیون اعلامه ای از طرف اسنادار
جوانده میشود مبنی بر اینکه عده ای میخواهند
سوطه کرده و در کارخانه با اختلال نمایند. لهذا
هرگز به مجمع را میبایست اعلام مسکند و "متخلفین"
را به شدت اجرائی مقررات و مانع حک در باره
آنها، ممانعت و در مجمع سر از جانب مدیریت
بالاسکاه اعلامه ای با هفت محتوای مضمون
اجتمع کارکنان و در معادله آنها گفته کرده
و با وجود این سرروه های سرنگران به حد
بالاسکاه در این باره ممانعت این اعمال که
سبب تحریر رسیده و مانع نمیشد کارکنان سینه
بود. آنها با توجه به دیدگاه رژیم جمهوری اسلامی
در این باره و در این باره که در این باره
سرانهداری و اسناد، آماده سرکوب کوچکترین
حرکت مبارزاتی کارکنان میباشد. احتیاج بر
گیرند، اما عملکرد شورای فنی علمای و

نظمی های که خواسته شده است که هر چه آنهاست
به رژیم و کومانده اسناد در فعال تولیدی عوامل
آن بود، آنها همورس برده بودند که اعمال ضد
کارگری عمالی رژیم نظیر اسنادار و... جدا از
ما هفت طبقه ای رژیم است. و مبارزات کارکنان
زمانی به نتیجه خواهد رسید که کل رژیم و سیستم
سرانهداری و اسناد را مورد ضرب خود قرار دهد
خواسته های حزبی کد در این راه دست ما شد،
مسئله تنها عامل شکستنده حرکت کارکنان
سبب جلوس است مبارزات پراکنده کارکنان ایران
مسئله محب و همی که میبایست این مسائل
طنج کارکنان مشکل و مانع از مدعی شده و سایر
جمهوری دیگر است که هر چه میبایست

به حمایت از ۲۲۵ کارگر اخراجی فرودگاه برخیزیم!

کارگران، زخمی کشان، هموطنان مبارز!
ما کارگران فرودگاه شیراز توسط
رژیم ارتجاعی غیر دین و مردم فرودگاه و ارسر
برده شدیم تا اینکه رسمت با بعد از سینه
کواچی، فسیبای "گنرسنگ" و سروران همچنان
سختل باقی ماند کارکنان این فسیبای علمبر
عم سفتیل بزی محل کارمان هر روز سرکار خود
جا برده و سفتیل را بر سر کتف ما نهادند و
این فسیبای شدید، و در باره این موضوع ما به
های متعددی به مدیران بلان ارا کردی و حیای
کردی و سبب ما با رژیم جمهوری اسلامی نوسند
اما دولت جمهوری اسلامی در مقابل حواس
کارگران صنی سراز سر کتف ما کار، سترمانه
حکم اخراج ۲۲۵ کارگر این قسمت را رساندند
کو حکمران تو صبح و دلسلی ما در سنده است.
کارگران مبارز اراجی فرودگاه، در مقابل این
حرکت ضد کارگری، صنی محکوم ساختن آن حواهان
رسنگی به خواستار سبب ما و جلوسگری از سبکار
سین کارگرانی که هر یک ۷ سرعائله دارند شده اند

کارگران مبارز

با سببهای ضد کارگری و ضد خلقی رژیم
جمهوری اسلامی روز بروز گسترش بیشتری می
یابد. رژیم جمهوری اسلامی که حافظ منافع
سوماندگان و ارباب و دشمن کارگران و زحمتمندان
است، همه روزها سرکوب مبارزات کارگران،
دستگیری سببندگان مبارز کارکنان، و اخراج
های تودوی و سده جمعی کارکنان، لغو مسود
و غیره در این باره است. این ابراهیم ما را با
مدت خود را با کارگران نشان میدهند.
همین همه فصل بود که رژیم ما قطع عسندی

کارکنان سرکوب و خودمان مبارزان کوهنورد
بر آنها شرایط زندگی را بر آنها سنگ نرمود،
کارکنان اراجی فرودگاه باید بدانند
رژیم جمهوری اسلامی، همانطور که در اسناد و اسان
کسنا روحانیست، دو سال قتل و تلاک برای سوده
ها، دو سال بارشاری سبب سرمایه داری و اسنه
و سارن با اسربالسم، سمان داد، دشمن
کارکنان و زحمتمندان سوده و ما استعدا دخواهی
ارضا ما با مسئولان رژیم، راه پیدا می خواهد
برده کارکنان باید بگویند با جلب حمایت
کارکنان سربسمت ها و رساندن فریاد حق
طلسمه اسان به گوش مبارز کارکنان و زحمتمندان
و مردم سار، خواه سده های طرح سمان را بر دولت
مدکارگری تحصیل ما بسند!

توده های مبارز!

منحدا بیباخانه سوده حمایت از کارکنان
اخراجی فرودگاه برخیزیم و بنوعده های رژیم
جمهوری اسلامی و دشمنی آن با زحمتمندان را
افشا کنیم و صدای اعتراضی خود را با اخراج
کارکنان فرودگاه هر چه رسا تر سانه و حواهان
سارکت آن سدرکار رجوینی سوبیم!

سرور سده مبارزات حق طلسمه کارکنان و زحمتمندان
سازمان سبکار در راه آزادی طغنه کارگر
۵۹/۱۲/۱۲

اخبار کوتاه:

شیراز: اخباریه ۳۰۰ نفر از کارکنان مناطق
حکمران کد برای کار به سرویس سراز رسیده
سده اند، کسبه سده که ۱۲/۵ در مداز حقوقان کم
خواهد سده طبعاً روی سار سرمایه کارکنان
بطرما سده کارگری، حق کارکاهی و... سار خواهد
گدا شد، همچنین حق سار سنگی این کارکنان
کامین خواهد شد، این اقدامات ضد کارگری
سارنگار دام "سرو سبکار" حک برای کارکنان



فان، مسکن، آزادی

دوباره سکتا ریسم

برخی از رفقا ضمن طرح سؤالاتی در مورد مفهوم "سکتا ریسم" و اینکه آیا ادعای برخی نیروها در مورد گرایش "سکتا ریستی" با زمان صحت دارد یا نه، از ما خواستند در این باره توضیحاتی بدهیم:

رفقا! قبل از بررسی صحت و سقم اینگونه ادعاها، بهتر است مفهوم و ریشه سکتا ریسم را بطور مفصل بررسی نمائیم.

سکتا ریسم یا فرقه گرائی و گروه گرائی که از نقطه نظر لغوی از واژه "سکت" به معنی فرقه ناشی میشود، بیان انحرافی سردیگانگانه و عملکردهای افراطی و نیروهاست که ریشه آنرا باید در وضعیت عینی و طبقاتی آنان جستجو نمود.

میدانیم که پیروان این فرقه طبقاتی است که در سطح جهانی، دارای منافع واحد طبقاتی بوده و هیچگونه مرزهای محلی گرائی (لوکا لیسم) ملی گرائی (ناسیونالیسم) و فرقه گرائی (سکتا ریسم) و... این منافع طبقاتی را نمی تواند و نباید محدود سازد، منافعی که در همین

حال در برگیرنده منافع تمام طبقات است و ششبار شونده تاریخ نیز خواهد بود. اما در مقابل سکتا ریسم پیروان این فرقه، تنها منافع گروهای خویش هستند. مثلاً پیروان این فرقه که با طریقه عینی سرمایه داری مجبور است که با جناحهای مختلف

طبقه خود در یک کشور و همچنین با پیروان این فرقه در کشورهای دیگر برای سود بیشتر به رقابت بپردازد تا "گروه گرا" و "خود غرض" است. و با خرده پیروان این فرقه که برای دفاع از منافع حقیقی خود در برابر سرمایه بزرگ شدیداً دارای خصلت

گروه گرائی و خود گرائی است. اما علیرغم اینکه پیروان این فرقه با توجه به عینی طبقه تسمی - ایدئولوژیک خود طبقه ای مبراز گروه گرائی است، با حفظ تئوری پیروان این فرقه که ایدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی پیروان این فرقه تحت حاکمیت انحطاط آورا و زندگی میکنند،

بناچار و بدرجات مختلفی به شواش غیر سر پیروان این فرقه نظیر سکتا ریسم و... آلوده میگردد روشن است که در شرایط فقدان حزب پیروان این فرقه و زمانی که جنبش کمونیستی فاقد وجود است ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی است،

انحراف سکتا ریستی و گروه گرائی نیز خود را نشان خواهد داد و این، بحسب نسبت، (۱) اما برای اینکه دید روشن تری نسبت به سکتا ریسم داشته باشیم، نگاهی به جنبش کمونیستی ایران کمک فراوانی میکند. در گذشته جنبش کمونیستی ایران دچار اورتونیسم "حب" یعنی آواشنوریسم بود. در نتیجه این

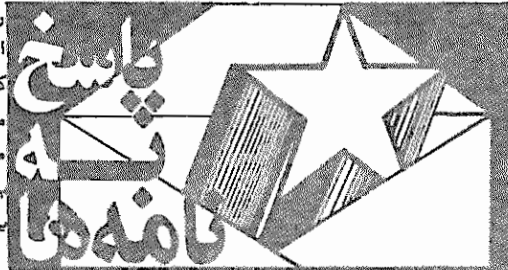
(۱) - روشن است که انحرافات دیگری نظیر اورتونیسم، روتونیسم، تروتسکیسم و... با این انحراف پیوسته است و تا بذریع دارنده،

رفقا! این فرقه گرائی و خود گرائی که با طریقه عینی سرمایه داری مجبور است که با جناحهای مختلف طبقه خود در یک کشور و همچنین با پیروان این فرقه در کشورهای دیگر برای سود بیشتر به رقابت بپردازد تا "گروه گرا" و "خود غرض" است. و با خرده پیروان این فرقه که برای دفاع از منافع حقیقی خود در برابر سرمایه بزرگ شدیداً دارای خصلت گروه گرائی و خود گرائی است. اما علیرغم اینکه پیروان این فرقه با توجه به عینی طبقه تسمی - ایدئولوژیک خود طبقه ای مبراز گروه گرائی است، با حفظ تئوری پیروان این فرقه که ایدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی پیروان این فرقه تحت حاکمیت انحطاط آورا و زندگی میکنند، بناچار و بدرجات مختلفی به شواش غیر سر پیروان این فرقه نظیر سکتا ریسم و... آلوده میگردد روشن است که در شرایط فقدان حزب پیروان این فرقه و زمانی که جنبش کمونیستی فاقد وجود است ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی است، انحراف سکتا ریستی و گروه گرائی نیز خود را نشان خواهد داد و این، بحسب نسبت، (۱) اما برای اینکه دید روشن تری نسبت به سکتا ریسم داشته باشیم، نگاهی به جنبش کمونیستی ایران کمک فراوانی میکند. در گذشته جنبش کمونیستی ایران دچار اورتونیسم "حب" یعنی آواشنوریسم بود. در نتیجه این

انحراف سکتا ریستی و گروه گرائی نیز خود را نشان خواهد داد و این، بحسب نسبت، (۱) اما برای اینکه دید روشن تری نسبت به سکتا ریسم داشته باشیم، نگاهی به جنبش کمونیستی ایران کمک فراوانی میکند. در گذشته جنبش کمونیستی ایران دچار اورتونیسم "حب" یعنی آواشنوریسم بود. در نتیجه این

انحراف سکتا ریستی و گروه گرائی نیز خود را نشان خواهد داد و این، بحسب نسبت، (۱) اما برای اینکه دید روشن تری نسبت به سکتا ریسم داشته باشیم، نگاهی به جنبش کمونیستی ایران کمک فراوانی میکند. در گذشته جنبش کمونیستی ایران دچار اورتونیسم "حب" یعنی آواشنوریسم بود. در نتیجه این

انحراف سکتا ریستی و گروه گرائی نیز خود را نشان خواهد داد و این، بحسب نسبت، (۱) اما برای اینکه دید روشن تری نسبت به سکتا ریسم داشته باشیم، نگاهی به جنبش کمونیستی ایران کمک فراوانی میکند. در گذشته جنبش کمونیستی ایران دچار اورتونیسم "حب" یعنی آواشنوریسم بود. در نتیجه این



رفا پستی کرده است. ما در این نوشته است که اعمال دختر بیگانه ریش موجب ایجاد جو سرد کمونیستی در میان فامیل شده است و همه به صدای مشت نمونه خروار "ایا کمونیستها مخالفت میکنند، این ما در این خواسته است بدانند آیا اعمال دخترش موردنا تیدماست یا نه.

ما در عزیز: کمونیستها به هر مسئله ای طبقاً بی برخورد کرده و از موضع طبقه کارگر حرکت میکنند، از اینرو برخورد رفقا در رابطه با خانواده هایشان (اگر در صفوف خلق قرار داشته باشند) باید با توجه به مسئله حقوق و منطق

برای خلاق کمونیستی باشد. ما با رها در همین صفحه به رفقای که برخورد های "چپ" روانه نیست به خانواده ها داشته و هیچگونه حساب مسئولیتی نسبت به خانواده ها زحمتکش خود نداشته اند، برخورد کرده و ضرورت برخوردی آگاهانه - گرا نه توام با متانت کمونیستی را برای این

رفقا توضیح داده ایم در اینجا هم از دختر بیگانه گرشما میخواهیم که همواره سعی کند با تجربه و تحلیل درست مسائل، در اینگونه موارد نقیصه عنصر آگاه (ونه برخورد از بالا) را بازی کند. فراموش نباید کرد که خانواده های زحمتکش ما نیز در صفوف خلقند و چونگی برخورد ما به آنها غالباً معیار رفقا و نشان در مورد کمونیستها خواهد بود. بنا بر این باید نسبت به این مسئله و تاثیر که در محیط زندگی خود بجا میگذارد، بسیار مسئولانه برخورد کنیم.

و اما ما در گرامی، از تونیزا انتظار داریم که اولاً شرایط سنی و روحی دخترت را در نظر گرفته و با ریش نمایی که مشکلاتش را حل کند. ثانیاً تونه تنها نباید جلوی آگاه شدن دختر کوچکتر را بگیرد، بلکه میبایست با نزدیک شدن هر چه بیشتر به دختران مبارز و کمک یکدیگر بر جوشد کمونیستی حاکم بر فامیل غلبه کند و با اگسر

همانطور که در نامهات نوشته بودی طرفدار کمونیستها هستی، میبایست بسهم خود در تبلیغ آن بکوشی و در ضمن آگاهی خویش را نیز با شما افزایش دهی.

به امید موفقیت و پیروزی!

با سر رفقای که برای ما نامه نوشتند:

۴۰ م، ۲۰ از سرور جد (سه نامه)، وریا - ۴۴، جمع مونتاز II، ش. ر. م. از تهران، ر. ن. هیدر کج، ر. ح زاهدان، حیدر عموا غلی، فرح - سرور ح. م. م. هوادا را رومیه (دونا سه)، رفقا زوه از دانش - آموزی شرق، مریم الف تهران، ک. ج. اهواز، کارگر کرد از مهاباد، ح. از لاهمان، ۴-۴-۴۰. الف دانش آموزی شرق، هادی، هسته ب دارو بخش م. ب. تهران، ح. محمود، "م"، هسته م. بازگشته ترجمه، رفیق مادرب - پ، رفقای جمع تعلیمات - الف - نظراً به ع. ج. ۲۴ تهران، مستان - آموزه هوادا، رفقای بخش و توزیع غرب، ا. ک. اصغیان، ابوب تهران، ا. ه. س. - ب. ذوقول.

انحراف، روشنفکران جدا از توده که خود را نماینده پیروان ربا می دانستند، بجای آگاه نمودن و با زمانه توده ها و در راس آنها طبقه کارگر در مقابل بورژوازی و امپریالیسم، فقط فرقه معدود و کوچک خود را میدادند و سکتا ریسم بعنوان یکی از تبلیغات این انحراف اما سی خود را به شکل نشان دادن مرحمتدایی بجای پرچم کمونیسم، معادل گرفتن تک تشکیلات محدود روشنفکری با تشکیلات سراسری و واحد طبقه کارگر و... نشان میدادند و هنوز هم چنین افکاری در زمانه ننگان همان جریانات (فدا گریسان

اقلیت) خود را به نمایش میگذارد. پس از قیام، متقابلاً و به میزان زیادی گرایشات راست روانه و انحطال طلبانه رواج یافت که تبلور مشخص خود را در کنفرانس وحدت پیروز داد. بنا بر این تزه دیگر گونه تبلیغ برنا هم زمینی سازمانی ما گروهی و با فشاری بر اصول تحت عنوان سکتا ریسم کوبیده میشد و هر نیرویی (قبل و پیش از تزه سازمان ما) که میخواست به چنین تزه های انحطال طلبانه ای که در صد قربانی نمودن اصول بودا عنان نکند،

سکتا ریست و ضد وحدت خواهانده میشد، مدافعین کنفرانس وحدت و تشکیلات دوران گذار را با دوزمراه یان قرار داد، نمونه دیگر آنها می است که از سوی طرفداران تزلتلافی "دانشجویان مبارز" به سازمان ما وارد میشد که تا درستی آن را با رها و با رها در اسامی سازمانی ارائه داده - ایم و تجربه این دوساله نیز میبایست تا درستی این تزلرا برای بسیاری از گروههای طرفدار آن روشن ساخته باشد. برخورد سازمان به معنی چریکی وجهه کنفرانس وحدت و تشکیلات دوران گذار نشان دهنده است که روند عمومی و حرکت کلی سازمان به حین نا شیه غیر پیروان تزلرا آلوده

نوده است. رفقا لازم است قبل از اینکه به ظواهر امر و بر حسب های که امروزه می شود توجه نمائید به عمق تزه های که در پشت این "انگ" ها پنهان است و سوز به سابقه تاریخی و عملکرد فعلی این نیروها توجه نمائید و تجربه حداقل دوساله اخیر را در نظر آورند، فقط سرازان فضا و است که مستوان برخوردی اصولی و بی غرضانه نسبت به ضعف های سازمان است.

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -

ما در عزیزمان میباید یک ساله از آنگه دختر بزرگش که از هوادا را سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمائید و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمائید، اسرارنا -



دوست کوچکمان "آنا هیتا" طی نامه ای بـ برای
ما زمان نوشته است :

"سلام: من دلم میخواهد در راه هیپما شـسی
کمونیسـتها شرکت کنم، ولی هرچه به خواهـران و
برادران خود میگویم هیچ کس مرا به راه هیپما شـی
- ها و جا های فعالیت کمونیسـتها ... نمی آورد
ما زمان پیکار را زشما تعاضا میکنم که کاری کنید
که من هم در فعالیتها شرکت کنم. برای من مهم
نیست که مرا بگیرند و یا زخمی کنند و یا بکشند .
برای من مهم اینست که اگر من هم کشته شدم برای
مردم آینده حکومت کاری باشد، من تا میتوانم
تا آخرین قطره خونم را برای زحمتکشـان
فدا میکنم. آنا هیتا دوم دبستان"

رفیق عزیز! نامه تو که در آن روحیـه
مبارزاتی و نزدیکی به کمونیسـتها موج میزند،
نشانگر رشد و نفوذ کمونیسـتهاست آری امروزه
رشد مبارزه طبقاتی درجا معما ن به چنان درجه
- ای رسیده است که همه نیروهای اجتماعی حتی
کودکان را وادار به موضعگیری میکند. ما نمی -
دانیم که خواهـران و برادران تو کمونیسـت هستند
یا نه، اگر بودند که حتما هیپما یست تو را نیز بسـا
فعالیت های گوناگون کمونیسـتها آشنا کنند و
به نظرات، بحث های خیا باشی، سرکسـاط
کتاب فروشی ها ... ببرند اگر هم نیا شنند تو به
از دوستان بزرگتر کمک بگیری |
پیروز باشی |

رفیق کارگر از "و" ساعتی را که در حـیـن
تظاہرات پیدا کرده بودی رسید، ولی متأسفانه
بعملت عدم مکانات نمی توانیم آنرا بدست
ما حبس برسـانیم. موفق باشی |
رفقای "هسته ثلاث" یادنامه ارسالتان رسید و
در دست تکمیل جهت انتشار راست. ضمن تشکر از
این اقدام با ارزش، برایتان موفقیت آرزو
میکنیم.

رفیق رب زاز تهران نامه ات رسید و ما نامه تو
را به رفیق مورد نظرت رسانده ایم و از وی
خواستیم که تو را ببیند.

بقیه از صفحه ۱۴

رویزونیستی پیش دارد (کم رنگ بسنما بنسـد
آنگاه با بدگفت رفقا قادر نخواهند بود، صفوف
خوبش را که ملا از اندیشه ها و پیرایه های غیر -
پرولتری بزدایند و آنگاه با ید اعلام داشت که
تصفیه اپورتونیستـها نه از زاویه ای مارکسیستی
بلکه از زاویه ای سـانتریستی صورت گرفته است
که اگر چه با تصفیه قاطع مکانیکـی اپورتونیستـها
توانم بوده اما مصلحت گرائی و آشتی طلبی مانع
از آن گشت که تصفیه قاطعی در عرصه اندیشـه و
ایدئولوژی با اپورتونیسم صورت گیرد .
جریان انقلابی موجود در رزمندگان که بسا
مقاومت در مقابل اپورتونیستـها و اخراج آنها

بقیه از صفحه ۱۶

مباحثه
بازار و آلات جنگی را در گوشه ای جمع میکنند و
آنها را به نمایش میگذارند .

- برای انجام مصاحبه در مناطق جنگی ،
همیشه تدارکاتی انجام میگیرد که جواب دلخواه
گرفته شود. از جمله این تدارکات ، انتخاب
نفراتی از قبل با شناسائی کامل برای مصاحبه
توجیهی مصاحبه شوندگان که در پاسخ سوالات مشخص
جوابهای از پیش آماده شده ای بدهند. در مواردی
اینکار توسط فرماندهان نظامی انجام می -
پذیرد و یا اینکار را با انجام مصاحبه با فرماندهان
در بین پرسنل انجام میدهد تا پرسنل بدانند
که چه چیزی را باید بگویند .

با تمام مدغلاک ریها، با زهم اگر کسی جواب
دلخواه رژیم را ندهد به خط اول جبهه فرستاده
میشود تا دیگران متوجه شوند که چه باید بگویند
به اصطلاح درس عبرت بگیرند .
به نقل از ۲۲ بهمن (شماره ۱) نشریه
کارکنان مبارزان دیوتلوویزیون.

بقیه از صفحه ۱۱

**زنده باد...
خلق مبارز کرد!**

کارگران و زحمتکشـان انقلابی!
در شرايطی که پیکار کارگران قهرمان و سایر
انقلابیون کمونیسـت تحت سخت ترین شرایط و
با دادن صدها شهید و زندانی در سراسرایران
مشغول مبارزه اند و در شرایطی که توهم توده ها
هر روز و هر روز نسبت به جریانهای ضد انقلابی
فرو میریزد، بالاخره در چنین شرایطی که بطرز
چشمگیری توهم زحمتکشـان کردستان نیز نسبت
به حزب دمکرات فرو میریزد، "حزب" از ترس
انقلاب، مبارزین را به شهادت میرساند و تحسـت
پیگرد و شکنجه قرار میدهد و در واقع با عسـت
تصفیه جنبش مقاومت خلق کرد و انقلاب
دمکراتیک ایران میشود.

با تمام قوا بکشیم که از ادامه این سیاست
- های حزب دمکرات جلوگیری نمائیم، تنها و
تنها دست توانای کارگران و زحمتکشـان و اتحاد انقلابی
آنان قادر به جلوگیری از اینگونه سیاستها است.
درود بر شهدای به خون خفته خلق |
سنگ و نفرت بر رژیم ضد مردمی جمهوری
اسلامی و توطئه های ضد انقلاب علیه
نیروهای انقلابی |
هر چه گسترده تر با دپیوند مبارزاتی
خلق کرد با مبارزات کارگران و
زحمتکشـان ایران |
برقرا را با جمهوری دمکراتیک خلق |
۵۹/۱۲/۹
سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر - کردستان

و تصحیح بسیاری از مواضع پیشین نشان داد که
از پتانسیل انقلابی کمونیسـتی برخوردار است
خودنوید بخش آن است که رفقا راه اول را در پیش
گیرند .

بقیه از صفحه ۱۵

گلوله...
وقتی میتوانیم سودویژه درخواستی خودمان را
بگیریم که متحد باشیم، ما با یستی صدای حق -
طلبانه خود را به گوش همه کارگران شرکتها و
کارخانه های دیگر برسـانیم. تا آنها هم مبارزه
بحق ما پشتیبانی نمایند. مبارزه ما باید طوری
با شده هر چه بیشتر ما را متحد کند. ما
با یستی با راهییم شـی سراسری خود تمسـم
کارگران را یکمدا کنیم تا فریاد مبارزه جویانه
و اقشار گران کارگران متحد پشت طبقه سرمایه دار
را ببلرزاند!

مرگ بر طبقه سرمایه دار و حاکمان آنها!
سودویژه مورد درخواست ما برداخت باید
گردد!
نماینده زندانی آزادی باید گـرود!
پاسداری سرمایه دار را زکارتخانه
اخراج باید گردد!
پیکار کارگران کشف سازی

۱۳۵۹/۱۲/۱۵
☆☆☆

بقیه از صفحه ۸

جنایتی...

مبارزه مان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی
با ز دارد، و این وحشیگری تنها رسوایی و افشای
هر چه بیشتر جزیرا بدنیال خواهد داشت مردمیکه نسبت
به حزب توهم دارند اکنون دیگر در مسیابند که حزب
دمکرات بیش از آنکه دشمنی و مبارزه اش بسا
رژیم جمهوری اسلامی باشد با نیروهای انقلابی
است و به همین دلیل مرتباً به رژیم پیشینهاد
مذاکره میدهد اما به نیروهای انقلابی اعلان
جنگ میدهد.

ما یکبار دیگر با امرا روتاکید بر نظرات و مبارزه
- مان علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی هر
گونه تعرض و تهاجم علیه نیروهای انقلابی و از
جمله حمله وحشیانه دیروز را در مصلح حزب
دمکرات را به مقر ما زمان پیکار در یوکان قاطعانه
محکوم نموده و خواهان اجرای موارد زیر میباشیم:
الف - تحویل فوری جنازه شهدایمان،
ب - نگرشده ای
زیرا نگهداری جنازه شهدا را حتی در
رایطه با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هم
ندیده ایم .

ب - آزادی رفقای دربند که اکنون بعنوان
زندانیان سیاسی انقلابی در زندان حزب
دمکرات بسر میبرند .

ج - آزادی اموال سازمانی که جزوا سوال
زحمتکشـان و طبقه کارگران ایران است .
هر چه رسوا تر با دتوطئه های ضد انقلابی و
خائنان حزب دمکرات بر علیه نیروهای مترقی
هر چه فشرده تر با دصفوف زحمتکشـان و
نیروهای انقلابی

پرتوان با جنبش مقاومت خلق کرد
ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
کمیته کردستان
۱۳۵۹/۱۲/۸

بعینه از صفحه ۲ سر مقاله

داد. حزب دمکرات که پس از یک دوره تلاش غاثنانه برای بسازش کشا ندن جنبش خلق کرد، از طریق سازش با معافل حکومتی، بدلیل سرسختی جناح حزب جمهوری، به بن بست رسیده بود، به تکتیک گسترش درگیری خود با رژیم روی آورد و کوشید تا از این طریق، ورا بیای سازش براساس خواستها و تمایلات فدا انقلابی خویش، و در واقع شکست جنبش انقلابی کردستان بکشانند. حزب اکنسون مترصد آن است که بهر شکل ممکن، با استفاده از تاکتیکهای مختلف، توجه معافل حکومتی بویو لیبرالها را بسمت خویش جلب نماید و به پای این سازش تاریخی برود.

درواقع پس از انشعاب رویزپوئینیستی درون حزب و یکپارچگی ایدئولوژیک و سیاسی بیشتر در دستگاه رهبری آن و به موازات سنگبیری سیاسی حزب در عرصه روابط خارجی بسمت معافل غربی، در عرصه روابط داخلی با احزاب و معافل حکومتی نیز هر چند بشکل تلویحی و ضمنی، جانش لیبرالها را میگیرد، ولیبرالها نیز متقابلا تمایلاتی ضمنی بسمت سازش با حزب از خود نشان میدهند. ممانعها غیرقانونی لوموند که در آن آشکارا از زبنی صدر دفاع میکند و او را متشایل به "حل مسئله کردستان جلوه گر میسازد، مذاکرات مدتی پیش میان نمابندگان حزب و بنی صدر که درستون "با دداشتهای رئیس جمهور" در روزنامه انقلاب اسلامی" منعکس شود این امر معالفت و جا رو جنگال زیاد را از جانب حزب جمهوری برانگیخت، حمله چند روز گذشته یکی از نمایندگان "حزبی" مجلس به بنی صدر و ارتش و متهم کردن آنها به ایجا دیک کودتا، تحت حمایت حسزب دمکرات و نمونه هاش از این سنگبیری متقابل میان حزب و لیبرالهاست. حمایت تلویحی و تالیف با رجا هدین از حسزب دمکرات در ممانعهای با قاسملو، با توجه به سنگبیری سیاسی مجاهدین بسوی لیبرالها نیز خود جلوه های دیگر از این سنگبیری حزب و قطب بندی جدید در میان نیروهای سیاسی است.

این سیاستها و حرکات حزب دمکرات که اکنون در همه عرصه ها بطوریکه دست خود را بنمایش میگذارد، بیروشنی میتوانند خصلت ناسیونالیسم گندیده و فدا انقلابی و ما هیت بورژوا - فدا انقلابی آنرا در عرصه مبارزه ملی و طبقاتی در کردستان وکل ایران، نمایان سازد. حرکت حزب دمکرات در همین مدت کوتاه، علیرغم هرگونه ضدیتی بسا رژیم جمهوری اسلامی، هیچ نشانی از هرگونه عنصر ترقی خواهی در حزب باقی نمیگذارد و جایگاه واقعی آن را در جبهه فدا انقلاب بخوبی نشان میدهد. برآگما تیسیم بورژوازی حسزب دمکرات که هر روز ورا به آغوش یکی از معافل قبطیهای فدا انقلابی در کشور ویا در سطح منطقه میکشاند، بیروشنی نشان میدهد که حزب دمکرات متکی بر جنبش خلق گردنیده و جایگاهی در این جنبش نمیتواند داشته باشد. او نماینده ناسیونالیسم میان تهی و گندیده بورژوازی ضعیف البنیهای

است که با زمین رفته است و یا در سیستم سرمایه داری وابسته ایران مستحیل گشته و بدان پیوند خورده است. تنها زمان میخواست تا جوهر فدا انقلابی این ناسیونالیسم گندیده و خالی از هرگونه عنصر ترقی خواهی، در جلوسو دیدگان پراگما تیسیتی کما نیکه تحلیل از حسزب را برپا به حاصل جمع مکانشکی نمودهای حرکت حزب، استوار میگردند و بدان خصلت ترقیسی - خواها نه می بخشیدند، عربان و آشکارا سازد.

بدین ترتیب هم جریان عمومی رشد مبارزه طبقاتی در کردستان و هم سرنوشت آئینده (نزدیک یا دور) تضادهای درونی ارتجاع حاکم، تا تیسر مستقیم و بی واسطه ای در حرکت حزب دمکرات در کردستان دارد. تا آنجا که به شرایط عینی مبارزه توده ها بازمیگردد، تصمیق بیشتر خصلت طبقاتی مبارزه خلق کرد، حزب دمکرات را هرچه بیشتر در سراشیب آنرا دایکسو و تشدید حرکات فدا انقلابی و مخرب آن در برابر خلق کرد و نیروهای انقلابی از سوی دیگر وارد، در رابطه با تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز، هر تفسیری بشفق لیبرالها در صورت ممکن، (حتی اگر بصورت تحمیل سیاست لیبرالها بر حزب در رابطه با کردستان، براساس تناسب قوای فطلی درون رژیم باشد)، حزب را بیشتر بسمت سازش تاریخی و خیانت به خلق کرد و نزدیکی به حکومت و قرار گرفتن در برابر جنبش خلق کرد سوق میدهد.

چنین چشم اندازی در روند آتی جنبش کردستان، با توجه به نقش و اهمیت که حسزب بطور کلی و از همه جهات در کردستان دارد و نیز با توجه به ضعف شرایط ذهنی توده ها و سطح نازل آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان نسبت به سطح شرایط عینی مبارزه، بیش از پیش حساسیت سیاستها و حرکات حزب دمکرات و خطرات ناشی از آن را در تضعیف جنبش خلق کرد و تقویت ارتجاع حاکم نشان میدهد، خطراتی که با یدمورد توجه عمیق و مسئولانه همه نیروهای انقلابی در کردستان و در سرا بران قرار گیرد.

حزب دمکرات، بهمانه یک نیروی بورژوا - فدا انقلابی، با اتکا به نیروی توهم توده های خلق کرد و متکی بر دستگاه نظامی و اداری خویش در کردستان، هم اکنون به مهمترین خطر برای جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل شده است، خطری که اگر چنانچه به موقع از جانب نیروهای انقلابی در کردستان، مورد توجه قرار نگیرد، میتواند ضربات جبران ناپذیری بر جنبش انقلابی خلق کرد، وارد آورد و صفوف آنرا حداقل در یک مرحله دچار رتلاشی نماید. تصویر آن لحظه که حزب دمکرات با رفتن بیزیر پرچم سازش بسا حکومت، به زاندا رژیم در کردستان تبدیل شود و دستگاه اداری - جنگی اش را بر علیه خلق کرد و نیروهای انقلابی بکار اندازد، تصور خیالی و دور آذهن نیست. روند تشدید حرکات فدا انقلابی اخیر حزب را تنها با ید در پرتو این خطر عمومی مورد توجه و تحلیل قرار داد، حمله حزب دمکرات به سازمان ما، حمله ای منفرد و

مفخص سازمان ما نیست، بلکه حمله ایست به کل دستاوردهای جنبش خلق کرد و حلقه ایست از زنجیر حوادتی که همچنان ادا مدها رد و در آن حزب دمکرات، هرچه بیشتر به نیروی تخریب کننده جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل میشود و ضدیت امروز حزب با سازمان ما، ضدیت فردا با کومله و ضدیت پسین فردا با کل جنبش انقلابی کردستان خواهد بود.

تردید نیست که حزب دمکرات، بهمانه یک حزب سیاسی فدا انقلابی، نه تنها نباید به جنبش انقلابی کردستان چید شود، بلکه با اکتس با بد منفرد و طرد گردد. اذهان ساده لوحی که با گشتن بدنبال "عنصر ترقی خواهی" در حزب دمکرات، در پی چید آن به جنبش هستند، نقش دنباله روی از بورژوازی کرد را ایفا میکنند. حزب دمکرات را با ید در کردستان و در سرا بر نقاط ایران، بسا افشای سیاستهای فدا انقلابی دم افزونش، منقذ نمود و توطئه های آتی و آتی او را بر علیه جنبش کردستان، خشنی نمود. با ید با اهدا اختسن تبلیغات افشاگرانه وسیع، حزب را از زیر خالی نمود و توده های نا آگاه و مبارزی را که بگر حزب جمع شده اند، از پیرامونش پراکنده ساخت و بسمت نیروهای انقلابی و بحول خط مشی پیگیر پرولتری جذب نمود. هرگونه ممانعات با حزب و سکوت در برابر حرکات و سیاستهای فدا انقلابی آن، جز به زیان جنبش خلق کرد و تشدید سیاستهای تخریبی حزب دمکرات نخواهد بود. شکی نیست که شکستن این سکوت، بهمنای رودررویی مستقیم نظامی با حزب دمکرات نبوده و نمیتواند هم باشد. دشمن اصلی خلق کرد، همچنان که با سر خلقها، همچنان رژیم ارتجاعی حاکم است که اکنون به سرکوب منظم جنبش خلق کرد مشغول است نقش اصلی حزب دمکرات در این میان، به سازش کشاندن جنبش خلق کرد با فدا انقلاب حاکم است. و درست از همین نقطه است که با ید به افشای حزب در نزد توده ها برخاست و براساس آن، چشم انداز محتمل تبدیل حزب را به زاشده ای از دستگاه سرکوب فدا انقلاب حاکم در نزد خلق کرد تصویر نمود. و آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان را فزونی بخشید، هرگونه عکس العمل انعکاسی در برابر عملیات جنا پتکارانه حزب از جانب نیروهای انقلابی، در شکل عمل متقابل، حرکتی است آنرا رشیستی که تنها به تضعیف جنبش خلق کردیاری خواهد رساند. اما نیروهای انقلابی میتوانند و یا ید در برابر هر حمله فدا انقلابی حزب بدفاع مشروع و انقلابی از خود، برخیزند و این دفاع مشروع و انقلابی را با ید به سکوتی برای افزایش آگاهی توده ها و خنثی کردن توطئه های فدا انقلابی "حزب" تبدیل نمایند. آنچه که اکنون برای نیروهای انقلابی کردستان مطرح است، به انفراد کشاندن حزب دمکرات در میان خلق کرد و ضربه زدن به پایگاه سیاسی آتی و محتمل بورژوازی حاکم ایران در کردستان، از طریق این حزب میباید. بدون تردید، افشای سیاست

«ملاحظات کوتاه»

«سود ویژه» طاغوتی است!

اسن رژیم که بر سر کار آمد هرگز «طاغوتی» را که بنفقت سودگفت خوب است و به این ترتیب ارتش، یک شبه اسلامی شد و واجب الاطاعت ما لیا تنها خوب بود و ما شد، اما ملاک زمینداران هم محترم بود و ما ناسرما به داری وابسته عنوان کسب حلال را بخود گرفت و گرانی روز افزون هم کسی نتوانست دستی به ترکتیش بزند! بنا همه تطهیر شدند و اسلامی، اما مهرکوب کارگران و خلقهای زحمتکش هم لازم شد، کمونیستها و انقلابیون هم که در زندان و شکنجه و تحت تعقیب و در معرض اعدام بودند! ایندفعه، بعنوان «سر - کوب کفار»، «واجب القتل» شمرده شدند. تمام این کارهای «طاغوتی» با پوشیدن سریع ردای مسلمانان از طاغوتی بودن درآمدند! ثرا بن «سود ویژه»! آخر سود ویژه قسمتی از حق کارگران بود که آنها بزور زحمت رژیم شاه بیرون کشیده بودند ولی چون با لایحه ا زحمت سرما به داران گرفته میشد و به کارگران میرسید و نتوانست خود را با منافع سرما به داران تطبیق دهد همچنان طاغوتی ماند و چراغی نبود جز اینکه حذف شود! تا نوبت سرما به داران بود همه چیز قابل توجیه و تطهیر بود ولی نوبت کارگران که رسید

★★★

«خیمه شب بازی در امجدیه!»

«لیبرال پوسیده»ها با لایحه بخود جراتی دادند و پنجمین اسفند جمعی از هم طبقه وهم فکرا نشان را گرد خود جمع کردند تا با شنیدن شعار مضحکی مثل «یا زرگان چریک پیرا ببران» دلی از عذا در آورند، سحابی بر سر قبابی حزبی منت گذاشت که «ماهل ستیز نیستیم» (بر منکرش لعنت! شما کی اهل ستیز با آنها بودید؟) و با زرگان با زست معمولی قصه گوئی قهوه خانه - ایش به توجیه «افتخارات» نهیست آزادی برداخت و بخصوص چالوسا نه بر «ارادت به امام زمانیکه ایشان در نجف بودند» تکیه کرد و نگفت که از سال ۴۶ تا ۵۶ و بعد از آن چه بر سر کارگران کارخانه برفومیا ورده و چگونه از خوابید ریغ سیستم سرما به داری وابسته و رونق طاغوتی آن متنم بوده و «شکر خدای» را بجای میا ورده است، با زرگان به توجیه تماس با آمریکا شیا هم برداخت و گفت که همان تماسها منجر به رفتن شاه شد! زهی بیش می! بزدی و صبا غیان هم کوشیدند با گرد و خاک کردن علیه حزب پرده ساتی بر عریانی خود بیاندازند! غافل از اینکه توده ها چشم دارند! در خا شیا این خیمه شب بازی

که چگونه حزبی که مسئولین و افراد آن مغول وار مقرر زمان ما را مسلمانانه مورد حمله قرار میدهد، حزبی که مبارزین راه استقلال و دمکراسی واقعی را به گلوله میبندد و حتی سرازتن آنها جدا می - کند حزبی که دهها خیانت در قبال دیگر نیروها و توده های زحمتکش انجام داده است میتواند سود مورد حمایت سازمان مجاهدین باشد، رهبری مجاهدین نمی تواند سکوت کند.

همه نیروهای انقلابی و سوبیژه انقلابیون کمونیست با ید رسالت خویش را در برابر بر حرکاتی که از جانب حزب در حال گسترش و وجگیری است احساس نمایند و به مقابله اصولی با آن برخیزند این احساس و مبارزه اصولی، تنها ضامن محدود کردن ویا جلوگیری از زیانهای ناشی از سیاست - های ضد انقلابی حزب دمکرات برجانب خلق کرد و در مقیاس وسیعتر، برجانب انقلابی ایران است بکوشیم تا این رسالت را با هوشیاری انقلابی با سخنگویا شیم، اما مه را سرخ شهدای کردستان و شهدای اخیر ما در گرو انجام این رسالت است.

تفتیش عقاید و توطئه برای پایمال کردن حقوق زنان

این مرتجعین در «کالا» بودن زن شک ندا رند و فقط میپرسند: «به چه دلیل زن را کالا میداند؟» این مرتجعین حیوان صفت تردید دارند که «آیا زن نقش یک انسان را بازی می - کند؟» رژیم که حافظ سرما به داری وابسته است و تحت لوای فریبکارانه «حمایت از مستضعفین» به دفاع از منافع سرما به مشغول است نمیتواند زن را کالا نداند، این «انسان»های مرتجع طبیعی است که بخاطر ما هیت طبقاتی ایشان در «انسان» بودن زنان شک و تردید داشته باشند، آنها از مبارزه طبقاتی زحمتکشان که نیمی از با آن بدوش زنان مبارزه است هراس دارند، آنها با حرکت از دید بنفایت عقب مانده - شان که ا رشیه فرهنگ امپریالیستی و فرهنگ فئودالی قرون وسطی است وجود زن را در «کالا» بودن، «آزادیهای جنسی»، «کانون زنا شویی»... خلاصه میکنند چرا که میدانند زنان زحمتکش و مبارزمیهن ما در جنبش اعتلائی زحمتکشان ایران سهیم بوده و با شرکت فعال در کلیه حرکتیهای اجتماعی - سیاسی ضربات مهلک برزندگی بسوسیده رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی وارد میا ورنند.

اما، تلاش سردمداران رژیم کوشی عبث است، این گونه تفتیش عقاید قرون وسطی که بخشی از سیاستهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، هیچگونه کمکی به ارتجاع حاکم در برداشتن سد مبارزات توده ها از پیش پای خود نخواهد کرد و نتیجه ای جز افشای بیش از پیش رژیم جمهوری اسلامی نخواهد داشت.

انحرافی آن نیروهای بورژوا دمکراتی (مانند مجاهدین) را که اکنون دنباله رولبرالها شده - اند و در همین راستا به حمایت از حزب دمکرات برخاسته اند، گام مهمی در این جهت خواهد بود. سازمان مجاهدین خلق که اکنون چنین سیاستی را پیش گرفته است جز به ضربه زدن به جنبش انقلابی کردستان کاری انجام نمیدهد، حزب دمکرات که اکنون هر چه بیشتر به انفرادگشانه میشود میکوشد با جلب حمایت نیروهای متزلزلی چون مجاهدین، با یگانه اجتماعی خویش را از گزند حوادث محفوظ دارد و این نیروها را به پلکانی برای حرکات آتی خود تبدیل کند، بهمین جهت مبارزه با سیاست مجاهدین خلق ویا نیروهای که گما بیش در چنین راستای حرکت مشغولند، گامهای است در جهت به انفرادگشاندن و افشای هر چه بیشتر حزب دمکرات در کردستان. امروز مجاهدین در قبال این جنایات سکوت کرده اند اما مجاهدین با ید به توده های هوادار خود و دیگر نیروهای انقلابی توضیح دهد

اخیرا یک سری سوالات در میان کارکنان زن شرکت مخبرات بخش شد و آنان خواسته شده است با قید مشخصات کامل خود (ا) به آنها جواب دهند، آنچه که در این با صلاح " نظر خواهی" مورد نظر رژیم جمهوری اسلامی میباشد چیزی جز تفتیش عقاید و شناسایی طرز فکر کارکنان نیست و این امر نمیتواند بی ارتباط با محدودیتهای شفلی برای زنان باشد، علاوه بر این سوالات طرح شده نشان دهنده بینش بنفایت ارتجاعی و عقب مانده سردمداران رژیم در برابر خورده به زنان که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند می - باشد.

سردمداران «مکتبی» رژیم ارتجاعی حاکم از زنان کارمند پرسیده اند: «حجاب چه مفهومی دارد؟»، «تا چه حد آزادیهای جنسی را جایز میداند؟»، «آیا زن نقش یک انسان را بازی میکند؟»، «آیا به تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارید؟»، «فعالیت زن در اجتماع به گمانون زنا شویی صدمه میزند؟»، «به چه دلیل زن را کالا میداند؟» و... و با طرح آنها قصد اصلی خود را از اتخا چنین روشهای ارتجاعی که محدود کردن فعالیت اجتماعی زنان است افشا کرده اند. رژیم با طرح چنین سوالاتی دنبال بهانه و به عبات دیگر «مدرک کتبی» با غلط و مضحکای کارکنان میگردد تا آنها را از کار برکنار کند، در پشت این سیاست، بینشی ارتجاعی نیست - خوابیده است که با ید با افشای آن چهره فریب - کارانه سردمداران رژیم را که در ا شرفشار توده - ها و زروی سا چاری ظاهرا از حقوق انسانی تساوی بین زن و مرد حرف میزند، بیش از پیش برای توده ها نمایانند.

**"شیطان بزرگ"
سر لطف آمده است!!**

**ارسال اسلحه به ایران توسط امپریالیسم آمریکا
از سر گرفته شد.**

رژیم مزدور شاه، در آخرین سالهای حیات نتگینش تعدادی هواپیماهای بسیار پیشرفته "اف ۳۴" از آمریکا خریداری کرده بود که به علت تغییر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و قیام توده های خلق، بکفروندان به تعویق افتاده بود. بدنبال آزادی مفتضحا نه گروگانها امپریالیسم آمریکا با تحویل این هواپیما موافقت کرده است و یک هیئت فنی ۱۷ نفری برای تحویل آن به آسیانیا مسروند (ایسن هواپیمادریکی از ایگایهای آمریکا اسبانگهداری میشود علاوه بر هواپیماهای "اف ۱۴" فوق، دونوع از موثک های "هوا به هوا" (مخصوص هواپیماهای اف ۱۴) بنا میهای "OH"، "Aim 7F"، "Aim 9H" نیز توسط امپریالیستهای آمریکا، تقدیم رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد.

ورود هواپیما و سلاح های مجهز آمریکا شی به ایران بزرگلیه ادعاهای بوج "مدا میربسا - لیستی" رژیم جمهوری اسلامی و رجزخوانی های بی محتوای سردمداران رژیم علیه امپریالیسم آمریکا (که برای فریب توده های زحمتکش صورت منکبره خط بطلان میکشد.

ارسال تسلیحات پیشرفته آمریکا شی به ایران یک بار دیگر درستی گفته ها و ارزیابی های کمونیستهای بیکران است میکنند که بیان کردند: آزادی گروگانهای آمریکا شی، مقدمه ای بر سرکشی و استیگای بر امپریالیسم آمریکا است!

**باز هم کودکان چپان آزاد و
انقلابیون زندانی میشوند**

به دو خبر زیر توجه کنید:
"۱۵ تن از هواداران سازمان بیکار، در آمل محکوم شدند"
"۱۵ نفر از کودکان چپان آزاد شدند"
میزان ۱۲ اسفند ۵۹

رژیم جمهوری اسلامی ده انقلابی کمونیست را بجرم شرکت در تظاهرات بزرگداشت قیام بهمن در شهر آمل به ۱/۵ الی ۳ سال زندان محکوم مسما بدو همزمان ۱۰۰ کودتای دیگر را که در تابستان گذشته بنا بگفته خود رژیم در "کودتای نا فرجام آمریکا شی" دست داشتند آزاد مینماید. رژیم جمهوری اسلامی از یک سو انقلابیون و کمونیست ها را "میربسا شی" مسنا مدوبه زندان و شکنجه میکشد و تشریبا ران مینماید و از سوی دیگر کسانی را که در کودتای "آمریکا شی" شرکت

لیبرالها...

بقیه از صفحه ۳۲
دست زده و در اطلاعیه خود از حزب منحوس "حسبت کرده و در بر خورد به چماقداران با کتا به به به بهشتی ها، میگوید: چماقداران "فرستاده همان امثال پستونوه هستند"

بدین ترتیب میبینیم که چگونه فادهای دوجناح ارتجاعی طرز صریح، آشکارا و عریانی خود نمائی می کنند. این شیوه برخورد و بیابین صراحت نشا نگر آنستکه تفادهای دوجناح همچنان به رشد خود ادامه خواهد داد ما پرواضح است که این تفادها بر اساس منافع مرتجعانه ای استوار است و بهیچوجه دارای ماهیتی مترقیانه نمی باشد. روزیونیستهای خروشچفی وطنی به تفادوشعار های حزبیهما ماهیتی مترقی میکشند تا نوکری خود را توجیه کنند و ما هدین نیز عملا با حمایت بی دریغ خود از لیبرالهای مرتجع و سازش بسا آنها، به حرکت لیبرالها ماهیتی مترقیانسه میکشند، حال آنکه از نظر ما کمونیستها ایسن تفادهای ناظر بر تفادهای دویبخ از بسورژوازی بوده و شعرا و موضعگیریهای فوق انعکاس این تفادهای فدا نقلایی میباش. این شعرا ناظر برخواست عمیق زحمتکشان جامعه ما نیست. این شعرا نه زرا ویه انقلاب با که زرا ویه رقابت دویبخ از هیات حاکمه ایران مطرح است. طبقه کارگر شعراهای مستقل خود را در دشوارها شی که انعکاسی از تفادکارگران و سایر توده های ستمدیده با کل رژیم بسورژوازی ایران میباش

دوم - باتوضی که لیبرالها و بطور مشخص بنی صدر علیه حزبیهما نمود و با رسوا تر شدن حزب لیبرالهای خاشن امتیازات بزرگی بدست آوردند، آنها توانستند از طریق تضعیف حریف موقعیت قدرت را در اذهان توده های کنده شده از حزب ما، همچنان متوجه به لیبرالها، تقویت نمایند. بنی صدر مکار چینی و انمود ساخت که او "بزرگترین افشاگر حزب" است و اوست که "مدافع واقعی آزادی" است. اما آیا ایسن حقیقت دارد؟ تمام نشریات نیروهای کمونیستی را ورق بزنید تا ببینید افشاگر واقعی و انقلابی کیست و چگونه جنایات و خیا شتهای تمامی جناحهای رژیم از حزبیهما تا لیبرالها و از خمینی تا بنی صدر و بهشتی را افشا کرده اند. بیشتر از هر کسی این کمونیستها بودند که دستان غرقه در خون حزبیهما و لیبرالها را به توده ها نشان دادند. این کمونیستها بودند که دستان سازش لیبرالها و حزبیهما با امپریالیسم را افشا نمودند. لیبرالها فقط بغلت رشد تفادهاییشان با حزبیهما و برای خیزدن به راس قدرت و نیسز منظور فریب توده های خلق این "افشاگریهای"

داشتند آزاد مینماید. ما کمونیست ها انتظار دیگری از چینیس رژیم نداریم. رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ و گسترش روابط سرما به داری وابسته به امپریالیستهای غارتگروا ز جمله امپریالیسم آمریکا بنا زندان است و طبیعی است که گروگانهای

دم بریده را انجام میدهند. لیبرالها کجا قرار - دادهای امپریالیستی را افشا کرده اند؟ لیبرالها کجا تشریبا ران و شکنجه کارگران و کمونیست ها را افشا کرده اند؟ لیبرالها کجا سرکوب جنیش خلقها را افشا کرده اند؟ نه لیبرالها هرگز نمی توانستند به این افشاگریها بپردازند. آنان بنا به ماهیت فدا نقلایی خود نه تنها نمی توانستند به افشاگری انقلابی دست بزنند، بلکه خود همیشه شریک مستقیم جنایات و خیا شتهای رژیم حاکم بوده اند. لیبرالهای خاشن در پی اتند تا بانان قندی مجا هدین را بیشتر بخدمت گیرند و توده های خلق را بفریبند و حاکمیت مرتجعانه خود را تحکیم بخشند. لیبرالها میخواهند بر سر راس قدرت بنشینند تا به شیوه خود سرما به داری وابسته را باز سازی کنند و انقلاب را سرکوب کنند آری لیبرالها ماهیت عوض نکرده اند، لیبرالها همچون حزبیهما دشمنان انقلاب، طبقه کارگر و تمامی خلقهای ایران میباشند. لیبرالها همچون حزبیهما همان دوستان نیکوکار رژیم شاه جلا مینماید. لیبرالها همچون حزبیهما متحدان با وفای امپریالیستها میباشند و کسانی که این حقایق را ببوشا نند به انقلاب خیانت کرده اند. لیبرالها چنین وانمود میکنند که "دوست مردم" و "طرفدار آزادی" اند. اما با دیدن رسیدن کسی که طرفدار سلطنت بودند، کسانی که ارتسش آریا مهری را باز سازی کردند، کسانی که سرما به داری خونخوار را حمایت کردند، کسانی که قرار دادهای اسارت با امپریالیستی را حفاظت نمودند، کسانی که در همه سرکوبها از گشتا ز خلق کرد تا گشتا ز خلق شرکمن از تشریباران کمونیستها تا بخون کشیدن دانگها دست داشتند، آری آیا چنین کسانی دوست مردم و طرفدار آزادی اند؟ نه هرگز و هزار بار نه! لیبرالها مانند حزبیهما دشمن انقلابند، هستی آنان از خون کارگران و زحمتکشان سیراب شده است. لیبرالها آزادی میخواهند تا خود به چپا ول بیشتری دست بزنند.

آری طبقه کارگر هرگز فریب لیبرالهای خاشن را نخواهد خورد چرا که او خود مدافع پیگیر ترین آزادی و دمکراسی میباشد. شعرا طبقه کارگر اینست که آزادی لیبرالها، آزادی دروغین است و تنها دمکراسی پرولتاریا فاشن پیروزی انقلاب و خواستهای توده های میلیونی است. آری طبقه کارگر شعراهای مستقل خود را در شعرا طبقه کارگر مرگ بر لیبرالها و مرگ حزبیهما است، شعرا طبقه کارگر مرگ بر بسورژوازی است، شعرا طبقه کارگر زندیه با انقلاب است، شعرا طبقه کارگر زندیه با دوسویالیسم است!

آمریکایی را با سلام و طلوات روانه آمریکا کنند از آمریکا تجهیزات و اسلحه بخرند و وارداتش را از کشورهای امپریالیستی چند برابر کنند... و نیز کودکان چپان مزدور را رها ساخته و بجای آنان زندانها را از انقلابیون و کمونیست ها پر

کمکهای مالی دریافت شده

شهران :	م	ف	م
تهران :	۶۲۰۰	۲۸۰۰	۱۳۲۰۰
الف	۲۸۰۰	۲۸۰۰	۱۳۲۰۰
ب	۱۱۷۰۰	۲۰۰۰	۱۳۲۰۰
پ	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۱۳۲۰۰
ت	۱۰۵۰۰	۳۰۰۰	۱۳۲۰۰
ث	۱۱۲۰۰	۲۵۲۰	۱۳۲۰۰
ج	۲۱۰۰	۱۷۲۰	۱۳۲۰۰
ح	۲۲۱۰	۱۰۲۰	۱۳۲۰۰
خ	۶۰۰۰	۷۰۰۰	۱۳۲۰۰
د	۳۰۰۰	۸۰۰۰	۱۳۲۰۰
ز	۱۲۷۰۰	۱۰۵۰۰	۱۳۲۰۰
س	۳۲۰۰	۱۵۵۰۰	۱۳۲۰۰
ع	۱۲۷۰۰	۷۰۰۰	۱۳۲۰۰
ف	۲۰۰۰	۲۳۷۰	۱۳۲۰۰
ق	۲۲۰۰	۲۰۰۰	۱۳۲۰۰
ک	۱۰۷۰۰	۶۲۰۰	۱۳۲۰۰
گ	۲۲۰۰	۱۶۹۰۰	۱۳۲۰۰

شهران :	م	ف	م
تهران :	۲۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
الف	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۵۰۰۰
ب	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
ج	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
د	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
ه	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
و	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
ز	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
س	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
ع	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
ف	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
ق	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
ک	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
گ	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰

بقیه از صفحه ۲۸ بازمهم ...
نماید رژیم جمهوری اسلامی با محکوم کردن جوانان انقلابی و کمونیست به ۲ سال زندان فقط به "جرم" شرکت در یک تظاهرات، نهایت وحشت خود را از آگاه شدن توده ها بنمایش می گذارد. امیدواریم که در جریان فعالیت های انقلابی و کمونیستی است که بذرا آگاهی در میان توده ها پاشیده میشود و این آگاهی ها سرانجام ناقوس مرگ ارتجاع را به صدا درمی آورد.
اما، نه زندان و شکنجه و نه تیرباران و کشتار و کوچکترین خللی در اراده مبارزاتی و استوار کمونیست ها نمیتواند بوجود آورد و در واقع سرخ انقلاب همچنان روشن است و روزی روزتابناکتر خواهد شد.

ملاحظات کوتاه

توده ها به خوشحالی برای خط امام و حزب جمهوری مشغول بودند که خود ما به تنفر بود و حضور خجولانه مجاهدین هم ما به عبرت و تامل!

از بعضی ها یاد گرفته اند!

رژیم جمهوری اسلامی در تضادی که با بعضی های عراق دارد (تضادی که بمعنی متضاد نیست) بودن این رژیم نیست (طی یکی دو سال گذشته فحشی نیست که به بعضی ها نداده باشد، اما میداند نیمه که وقتی پای منافع طبقاتی در میان باشد خیلی از حرفها در عمل پیاپی نماند. رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند از بعضی ها چیزهایی را بیاورد. آقای رجایی طی صحبتی که در شهر "ساری" کرده سپاهیان را "ارتش اعتقادی" نامیده است این همان اصطلاح بعضی ها است که با انکاء به سر نیزه ارتش در عراق و سوریه به قدرت رسیدند و رژیمها طی ضد خلقی را که جرئت از سیستم جهانی امپریالیسم میباید سختی بختند حزب بعث برای آنکه توده ها را نسبت به ماهیت ارتش فریب دهد آنرا "ارتش اعتقادی" (الجیش العقائدی یعنی ارتش اعتقادی یا مکتبسی) نامید. بعضی ها ارتش را خواستند تطهیر کنند و ماهیت واقعی آنرا که "بیزا سرکوب طبقه ای است بدست طبقه دیگر" ببینانند. در این باره کتابها نوشتند و را جیف زیادی یافتند اما توده ها با گذشت زمان ماهیت ضد انقلابی و سرکوبگرانه آن ارتش های به اصطلاح اعتقادی و مکتبسی را در یاد داشتند. رژیم جمهوری اسلامی و بویژه حزبی ها روی ارتش نه ساخته که بیشتر متعادل به لیبرالهاست نمی توانند زیرا حساب کنند و لذا ارتش اعتقادیشان را سپاهیان را معرفی میکنند به این امید که مردم باور کنند که "علی آبا دهد می است" رجایی می خواهد روی جنایت های وحشیانه سپاهیان در کردستان و قتل عامهای قسه لانا و قارنا و غیره که منجمه بدست سپاهیان صورت گرفت را سرپوش بگذارد. رجایی میخواهد روی جنایات هر روز این نهاد ضد انقلابی در سراسر کشور دیده سانسور کند و نقش آنرا در حمله به مبتنیگها و نظرات کمونیستها و نیروهای انقلابی در سراسر انداختن جماعت از آن و جاقو کشان در تیر و روکشتر و ضرب و شتم کمونیستها و نیروهای انقلابی در سرکوب کارگران و دهقانان و دیگر زمینگان نادیده بگیرد رجایی میخواهد مردم با سپاهیان را چماق جهل و خرافات سرمایه ندانند. ولی همه نظور که "ارتش مکتبسی" حافظ اسد و صدام حسین وجود و حاکمیت آنها را برای مردم توجیه نکرده ارتش اعتقادی آقای رجایی و حزب جمهوری اسلامی هم اینان را از جنگ توده های آگاه و انقلابی نجات نخواهد داد.

منتشر شد

روزنگارها
هسته روز نویسی
سوسیال امپریالیسم

دولت :	م	ف	م
ایران :	۵۱۲۰	۲۰۰	۲۰۰
رقبای دادش آموز	۵۱۲۰	۲۰۰	۲۰۰
الف	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
ب	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
ج	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
د	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
ه	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
و	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
ز	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
س	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
ع	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
ف	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
ق	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
ک	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
گ	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰

جمهوری اسلامی در ورطه فساد

فساد و فحشا، یکی از نتایج طبیعی سلطه سرمایه داری و امپریالیسم و ارتجاع است. کشورهای استعماری و در کلبه جوامع طبقاتی که ستم و استتسا رو جود دارد در کنترارش فساد و فحلاکت و... را نیز بسیار میاورد. رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال حاکمیتش برای فریب توده ها، بشرمانه - ترس تهمت ها را در زمینه فساد اخلاق و روابط زن و مرد به کمونیستها و دیگر انقلابیون وارد آورده است. سردمداران رژیم در کنترارستان - سرائی ها و دروغهای گولسزی از قبیل کشف فیلم و عکس منافی عفت و "قرص فدحا ملکی" و... در خانه های کمونیست ها، خود را مجسمه عفت و عصمت، پاک و تقوی جا زده و میزند. اما واقعیت چیز دیگری است در کشور ما فحشا و فساد وجود دارد و عده زیادی قربانی آن میشوند اما علت اصلی سرور جنس فجا بیعی وجود سرمایه داری وابسته و نفوذ امپریالیسم است و رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا از آن حفاظت میکند و سردمداران چنین رژیمی نمیتوانند در اندکان اخلاق و فرهنگ انقلابی با شد و علی رغم تمام مداخلات و فریادهای بوجشان کوس رسوائی شان به صدا درآمده است. در پیکار ۹۶ از تحا و زیک روحانی به یک دختر ۱۵ ساله جنگ زده در کنترار با صحبت کردیم و در پیکار ۹۱ رسوائی فضا حت با روابط چهار با سدار "مکتبی" با خواهر "مکتبی" با سدارشان را در نوشهر آوردیم. دو خبر زیر گوشه های دیگری از "اخلاق" عوامل "مکتبی" رژیم را نشان میدهد:

اسالم (گیلان): چند ماه پیش در آذربایجان یکی از مزدوران ریاکار رژیم که از فعالین "انجمن اسلامی معلمین هشتر" و مدیر "دبیرستان وحدت" اسالم میباشد، رسوائی دیگری برای رژیم جمهوری اسلامی آفرید. این فرد که میرزا شی نام دارد دارای زن و فرزند نیز میباشد با استفاده از موقعیتش یک دختر دانش آموز را فریب داده و بخانه خود مسیر کرده در اثر اطلاع همسایه اش و مراجعه با سداران، وی را در حین ارتکاب عمل خلاف ععت دستگیر و به "سیاه پاسداران" میبرند اما با دخالت "رئیس آموزش" صادق کیا" (که خود به فساد اخلاق معروف است) و مرتضوی یکی از معلمین روحانی، جریان فسله پیدا کرده و وی را پس از تحویل به شهر با نی، آزاد مینمایند. دانش آموزان به آزادی این مدیر فاسد "مکتبی" شدیداً اعتراض میکنند. رئیس مرتجع آموزش و پرورش با حرکت از فرهنگ ارتجاعی - امپریالیستی حاکم چنین "خادنه" ای را "طبیعی" و "ناچیز" قلمداد میکند.

تهران در اوخر دیماه: مزدوری، به نام "تاج فر" از کارکنان شرکت واحد توپوگرافی در حین عمل منافی با عفت با یکی از زنان کارمند در ساختمانی اداره مرکزی شرکت غافلگیر میشوند. اما دست اندرکاران شرکت برای جلوگیری

دژخیمان جمهوری اسلامی رفیق شهید محمود صمدی را قبل از تیرباران بسختی شکنجه کرده بودند

بسختی شکنجه شده بود "پزشک قانونی" علیرغم فشارها و تهدیدات سیاه پاسداران گواهی کرده است که "اثر ضربه در ناحیه ساق پاها، اثر کبودی در چشم مشهود بود". این سند، بیانگر نمونه ای از شکنجه رایج در زندانهای جمهوری اسلامی است اما محمود و محمودها با پاسداری دلاورانه در برابر ارتجاع زبونی زندان شکنجه دژخیمان جمهوری اسلامی را در برابر آرا ده شکستناپذیر کمونیست ها با ردیگر به اثبات میرسانند و درود بر آنها باد!

کمونیست پیکارگر رفیق محمود صمدی فرزند زحمتکشان و شهید راه آزادی طبقه کارگر قبل از تیرباران در روز ۱۳ شهریور بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، ۳۷ روز در اسارت پاسداران سرمایه بود.

رژیم جمهوری اسلامی از کمونیست ها که آشتی نا پذیرترین دشمنان طبقاتی ارتجاع میباشد وحشت دارد و یکباره طبقه ای خود را به وحشیانه ترین روشها به نمایش میگذارد. رفیق محمود در مدت اسارت در زندان جمهوری اسلامی

تاریخ صدور _____
 برای این گواهی: **شیخ عنوان حقی دریافت نمیشود**
 گواهی پزشک و... (غسال) (راجع به مرگ)
 تاریخ: ۱۳/۱۲/۵۹
 مقرر: **کمیته امین**
 در تاریخ: **۱۳/۱۲/۵۹**
 دارنده شناسنامه شماره: **۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰**
 فرزند آقای **علیرضا** و خانم **صمدی** که نزدیکان حاضر او **اسالم** میباشد
 مرده است
امضای گواهی دهنده
امضای گواهی دهنده
امضای گواهی دهنده
امضای گواهی دهنده

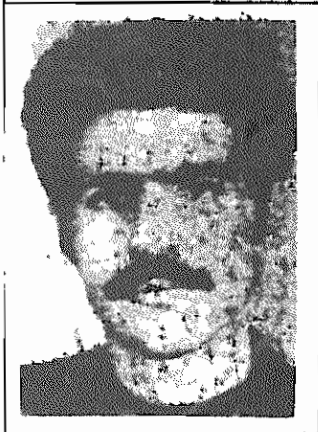
گیری از رسوائی و بیویزه بعلت عضویت هر دو در انجمن اسلامی که مرکز مزدوران مرتجع و مکتبی میباشد، بر جریان سرپوش میگذارد. این سند و فاسد "مکتبی" با حفظ سمت به کار خود در شرکت واحد ادامه میدهند.

دراواسط دیماه: فردی بنام حسن محمدی سرپرست توقفگاه منطقه ۲ را بعلت ارتکاب به عمل کشف و مشتمل کننده لواط اخراج مینمایند اما چندی بعد وی بعنوان سرپرست توقفگاه منطقه ۱ مشغول کار میشود و "ترفعی" هم میگیرد.

اردبیل: چندی پیش یک دختر عضو "سبیح" در ارتداد شدن روابط نامشروع با "فاطمی" رئیس مرتجع سبیح اردبیل حالمه میشود. در اثر پیگیری مادر دختر جریان آفتابی میشود در اثر تعقیب پدر دختر کار به دادگاه میکشد اما به توصیه "حاکم شرع" فاطمی مرتجع که دارای زن و فرزند نیز هست، دختر سبیجی را صیغه میکنند. در اثر ناشگرایی مردم مبارز اردبیل، فاطمی وقیحانه پیامی از اادیومحلی میفرستد و میگوید که "این حق مسلم من است که حتی صد زن دیگر نیز بگیرم!"



خاطره رفقای شهید اسفند ماه گرامی باد!



رفیق عبدالله امینی

■ - متولد ۱۲ فروردین ۱۳۲۲ در مشهد
 ■ - شرکت در مسابقات دانشجویی دانشگاه
 ■ - ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و پیوستن به مبارزه مخفی از زمستان ۱۳۵۳
 ■ - از اولین رفقای که در جریان تحولات درونی سازمان، مارکسیسم لنینیسم را پذیرفته و به بخش منشعب پیوست.
 ■ - شرکت در چندین عمل انقلابی از جمله هنگام ورود و در کمیته مجریه تهران و نیز انفجار انجمن فرهنگی ایران و انگلیس در ۳۰ تیر ۵۴
 ■ - در روز ۲ مرداد ۵۴ در درگیری با سربازان پلیس مزور شاه دستگیر شدند. از ماهها مقاومت در ریزشکده دژ خیابان ساواک در روز ۲۵ بهمن ۵۴ بدست مزدوران امپریالیسم و ارتجاع ترساران شد.



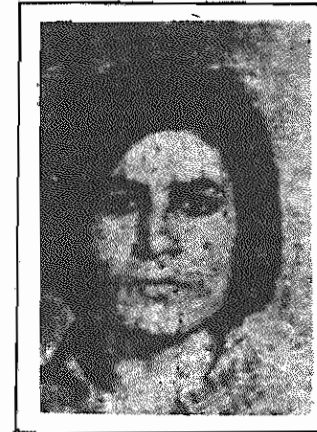
رفیق میرزه افشاری

■ - متولد همدان و دانشجوی سابق دانشکده پزشکی
 ■ - شرکت فعال در مبارزه علیه رژیم شاه از طریق ارتباط با یک گروه مذهبی (هم - رزم با مجاهد شهید محمد مخیدی و رفیق علیضاسی) از سال ۱۳۵۰
 ■ - پیوستن گروهی به سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۱
 ■ - از اولین رفقای که در جریان تحولات درونی سازمان مارکسیسم لنینیسم را میپذیرد
 ■ - شهادت در نیمه اسفند ۱۳۵۴ در اثر انفجار بمب در جبهه انجام یک ما موربست تشکیلاتی جهت انفجار محل برگسزاری کفترانس سرمایه گذاران آمریکایی در تهران



رفیق علی اکبر قائمی

■ - دانشجوی دانشگاه صنعتی و فعال در جنبش دانشجویان انقلابی.
 ■ - ارتباط با سازمان مجاهدین خلق در اوائل دهه ۵۰
 ■ - پیوستن به مبارزه انقلابی مخفی در سال ۱۳۵۱
 ■ - پذیرش مارکسیسم لنینیسم بعنوان ایدئولوژی رهائیبخش، طبقه کارگر
 ■ - کارگزاری در کارخانجات از جمله جنرال موتورز، فرقه زیبا و غیره از سال ۵۳ تا ۵۵
 ■ - روز ۲۱ اسفند ۵۵، رفیق علی اکبر مورد شناشی گشتی های ساواک قرار گرفته و در یک درگیری نابرابر در چهارراه سرخمه تهران، شهادت رسید.



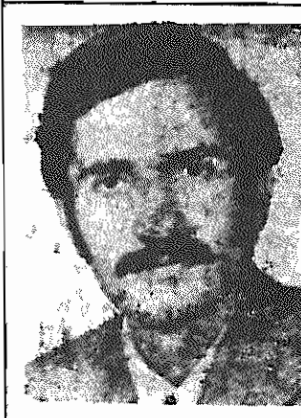
رفیق حوریه بازرگان

■ - متولد ۱۳۲۲ در مشهد و فارغ التحصیل دانشگاه مشهد و آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۹
 ■ - ادامه فعالیت انقلابی در خارج از کشور ۱۳۵۴ - ۱۳۵۲
 ■ - پذیرش مارکسیسم لنینیسم در سال ۱۳۵۴ و مبارزه همدره با خلق فلسطین و خدمت در هلال احمر فلسطین در جریان جنگ لبنان
 ■ - عزیمت به عمان و ادامه مبارزه انقلابی در کنار انقلابیون عمان (ظفار) و فعالیت در دفتر بخش منشعب س.م.خ. از در عدن ۵۵ - ۱۳۵۲
 ■ - بازگشت مخفیانه به ایران در زمستان ۱۳۵۵، شهادت در ۱۸ اسفند ۱۳۵۵

از رفیق ۳۳

بقیه از صفحه ۳۳
 ■ - دستگیر نمودن مرعشی بشماره ۳۳
 ■ - رفیق محسن سالمان دراز علیه رژیم پهلوی مبارزه کرده است، او در عملیات اقدام انقلابی ژنرال پراس آمریکائی و در عملیات بمب گذاری در آستانه ورود نیکسون جنایتکار به ایران شرکت داشته است، او با لها در کنار خلق فلسطین علیه اسرائیل صهیونیست و فاشیستهای لسان جنگنده است و امروز رژیم حاکم پادشاهی پهلوی مبارزه ضد امپریالیستی را با تهران و شکنجه میدهد.
 ■ - ما از تمام کارگران و زمینگشان و نیروهای انقلابی و کمونیست میخواهیم تقاضای اعتراض خود را علیه دستگیری رفیق محسن فاضل سلطه گریه و توطئه رژیم حقیوری اسلامی علیه ابن رفیق کمونیست را رسانایند.
 ■ - ما بود با توطئه های نفرت انگیز رژیم حقیوری اسلامی!

■ - عزیمت به آمریکا برای ادامه تحصیل در ۱۳۴۹ و ارتباط با "انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا"
 ■ - بریدن از "انجمن" و پیوستن به بخش منشعب خارج زکوری سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۰
 ■ - فعالیت انقلابی در پانزدهای فلسطینی
 ■ - مسئول اجرای برنامه رادیویی "مدای انقلابیون ایران" از طرف سازمان مجاهدین در ۱۳۵۱
 ■ - اداره بخش فارسی مدای انقلاب عمان مدت یکسال از اردیبهشت ۱۳۵۳ و همگام با آن انجام "ما موربتهای تشکیلاتی در منطقه"
 ■ - پذیرش مارکسیسم لنینیسم.
 ■ - بازگشت به ایران در اوایل خرداد ۵۴ و فعالیت در بخش کارگری بخش منشعب تا بهار ۵۵
 ■ - قطع ارتباط تشکیلاتی در جریان تعقیب پلیس و خروج از کشور برای ارتباط مجدد با بخش خارج از کشور سازمان
 ■ - بازگشت به ایران همراه رفیق حوریه بازرگان در زمستان ۵۵
 ■ - شهادت در ۱۸ اسفند ۱۳۵۵

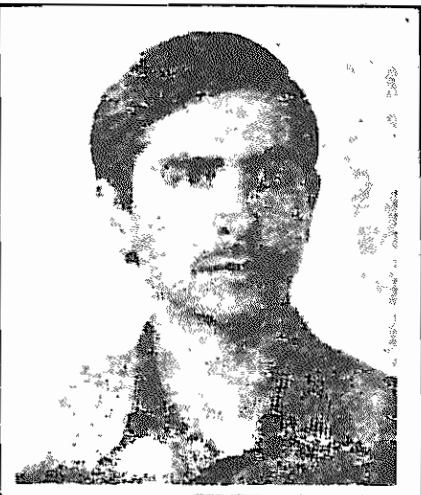


رفیق مرتضی خاموشی

■ - متولد ۱۳۳۰ در تهران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

از رفیق محسن فاضل
قاطعانه دفاع نمایم!



بیش از یکماه است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی رفیق محسن فاضل را دستگیر نموده و در سیاهال خود محبوس نگاهداشته است. بیش از یکماه است که حاکمان حکومتی این رفیق کمونیست را که سالها درسنگر مبارزه علیه رژیم منفورانه و امپریالیسم و صهیونیسم رز صدساله زندان انداخته، مورد آزار و شکنجه قرار داده و کشتف ترس آنها را مصادقانه و علیه این رفیق و سازمان ما منتشر ساخته است.

دروزرژیم جنایتکار کمونیستها "خراگار" میگفت و امروز رژیم جمهوری اسلامی کمونیستها را "آمریکائی" مینامد. دیروز رژیم پهلوی کمونیستها را شکنجه و تشریباران مینمود و امروز نیز حکومت شیخا جمهوری اسلامی کمونیستها را شکنجه و تشریباران مینماید. آری رژیم جمهوری اسلامی ما نند رژیم شاه دشمن کمونیستها، طبقه کارگر و خلقهای ایران میباشد. رژیم حاکم خود را فرسکارانه مدافع "مستضعفان" مینامد ولی مکرر رژیمی که طرفدار سرمایه داران است، رژیمی که با امپریالیسم مبارز کرده است، رژیمی که انقلابیون و کمونیستهای راستین را به زندان می اندازد و ترور میکند، آری مگر چنین رژیمی میتواند طرفدار زحمتکشان باشد؟ کمونیستها، ما رزمن جان برکفی هستیم که برای آزادی و استقلال و سوسالسم مبارزیم. ما می-کنند، آنها دشمن سرختمانها و کلمه مرتجعین میباشند، آنها مدافعین واقعی و یکبرگرا و زحمتکشان هستند و درست به همین خاطر است که رژیم جمهوری اسلامی آنها را زندانی کرده و اعدام میکند. بنا بر این اگر امروز رژیم جمهوری اسلامی رفیق محسن فاضل

نقشه در صفحه ۳۱

یادداشت‌های
سیاسی
هفت

های حاکم ارتجاعی حکومت بود و دیگر آنکه این حرکت عامل سارمونی بود تا نوده های کند شده از حزب، اما نهادگانی انقلابی، بسوی اسرائیلها توجه بیشتری نمایند:

اول - بنی صدر گریختن آنها که ممکن است از نظر خود حزب راستی آبرو کند، او را افشای عاصرجما فدائو حزبی و افشای ارتباط جماع - داران سارگاسها می مانند ساه با ساران، بحث و زبیری، حزب صهیونیستی اسلامی و... سعی کردند تا ضربه سختی به حریف وارد آورده و شونده های منزلت سرول حاکمی حزب را به سوی خود کشیده و توده های را که نا آگاهانه سه سال اسرائیلها میباشند را علیه حزب بیشتر سنج نماید. عوامل وابسته به اسرائیلها به همراهی محاهدین شعارهای فدحزبی مانند "مسلمان بیای خیز، حزب شده رستا خیز"، "تا مرگ تا ه دوم (سختی)، سبقت ادا ما دارد"، "مرگ سر سختی"، "تا حزب کفن نشود، این وطن وطنی شود"، "روح منی بنی صدر، بیت شکنی بنی صدر" به میان مردم کشیده و بدین طریقی سعی می نمودند تا مردم را علیه حزبها تحریک نمایند. در پایان این سخنرانی درگیری سختی میان طرفداران اسرائیلها و حزبها بوجود آمد و تعداد زیادی از حزبها به سختی محروم گشتند. سخنرانی بنی صدر و حوادث پیرا آن ضربه سختی به حزب وارد ساخت. در انعکاس به این واقعه حزبها متقابل حمله کردند. خامنه ای در نماز جمعه شدیداً به گروهکهای ضد اسلام و ضد امام، سیاستمداران و رشکسته منزوی شده از چشم مردم افتاده، راننده شانگان زدستگاه اداره کشور... حمله کرد. او به لیبرالها عرض کرد ما سعی نکردیم آنگاه به شخص بنی صدر حمله کند. بعد از نماز ظهرا ت حزبها راه افتاد. طرفداران حزب فریاد میزدند: "مرگ بر بنی صدر"، "مرگ بر لیبرال"، "سیهالار بستو شد، ابراه شملی همیشه" و غیره، نخست وزیر و یازدهای در دستورات بنی صدر میسر وجود نیروی ویژه تحت وزیری ما در کرد و سه بنی صدر نیست به "عواقب" رسم و شیوه اش هشدار داد. و بالاخره حزب سزیه بنی صدر با وضوح تمام حمله کرد و گارد و آنگاه در هشتمی خواند، او را تاتس قانون اساسی خطاب کرد و او را مسئول "اعمال شنگس"، "گارد راست جمهوری" خواند. در مقابل این حملات بنی صدر به تعرض محدود

سه در صفحه ۲۸

لیبرالها مانند
حزبها
دشمن انقلابند!

یکی از مهمترین وقایع هفته گذشته سخن رانی بنی صدر در دانشگاه و حوادثی بود که بدنبال آن رخ داد. این واقعه در ادامه تعرض گسترده لیبرالها در دوره اخیر میباشد. لیبرالها بنا بر تک حمایت ارتش و شهرتانی، بیشترانی نیروی سایگری چون محاهدین، سواستفاده از نامرابطی های گسسته و ساسا بنده نوده های مردم و عوام مغربی های آزاد بخواها ندهومی - کوشید تا توده ها را هر چه وسعتر بدنبال خود کشیده و حزب را منزوی ساخته و شرایط سقوط آن از راه قدرت سیاسی را بوجود آورد. در حالیکه مجموعه رژیم حاکم و کل طبقه بورژوازی اسرائیل مسئول فقر و فلاکت توده ها میباشند لیبرالها و خصوص بنی صدر مکار میباشند تا با انگشست گذاشتن سر روی برخی اراقدامان ارتجاعی و عربان حزبها سمت ما وارد نوده ها را از مبارزه علیه کل سیستم حاکم سحر و سحر و عظیم با رضایتی ها و اعتراضات را سوجه حزب ما سید لیبرالها سادانه میخواهند توده ها بگویند که همه بدختی ها شای از حزب است، آنها می - کوسید ما همیشه طرفدار "آرادی" سوده ایم ما حزبها "انحما و طلب و مستند" هستند. لیبرالها با این مقاصد من به حزبها هجوم برده و آنها را به موضع معفانداخته اند و در پی آنند تا همچنان به تعرض خود ادامه دهند تا تعرض لیبرالها بدست آوردن رژیمونی در قدرت سیاسی را تعقیب میکنند و این شرایط مناسبی را برای سری عوامل بیفغ آنها عمل میکنند. فقدان قطب نیرومند کمونیستی، ساری محاهدین بنی لیبرالها و فقدان آنگاه انقلابی در میان توده های وسیع و نازاچی از جمله عواملی میباشند که به کمک لیبرالهای فدائو انقلابی شناخته اند، درستتر چنین شرایطی لیبرالها با بهره گیری از اقدامات عربان و مرتجعانه حزبها به توده ها میخواهند بگویند که آنان "فرشته نجات" میباشند!

بنی صدر در دانشگاه بنماش حساب شده ای دست زده آنچه که بنی صدر در دانشگاه انجام داد جزئیات را ننویسم که کمونیستها با راه و بارها جناسات رژیم و از جمله حزبها را افشا کرده و با راه و بارها انساب کرده اند که دسته های او باس و حامی ساسان و آنگاه به رژیم حاکم و به خصوص حزب جمهوری اسلامی میباشند. اما آنچه که بنی صدر گفت: رد و حقه قابل توجه بود، یکی آنکه اس اقدام ما بکرم قطع جدی ارتقاد -

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!